

رژیم های امریکائی منطقه برای تجاوز نظامی به میهن انقلابی مان "پیمان می بندند."

متحد شویم!

در صفحه ۲

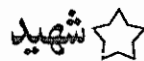
صفحه ۱۰

ریگان علیه لهستان نیز به تحریم اقتصادی متوسل شد

اقدام علیه شوراهای کارگری اقدام علیه انقلاب و قانون اساسی است

در صفحه ۶

درسوگ رحلت پیامبر اسلام و شهادت
امام دوم و امام هشتم شیعیان جهان
مردم خروش برداشتند مرگ بر امریکا
در صفحه ۹



شهادت
یدالله احمدی:

در جبهه فقط به پیروزی

این جمهوری بر

تجاوزگران می اندیشم

در صفحه ۲۲



سال نوبر هم میهنان مسیحی مبارک باد

آغاز سال نو میلادی را با امید به آغاز سالی که در
آن آرمان والای صلح و عدالت اجتماعی در بین
گیتی بیش از پیش سایه گسترد و اهریمن جنگ ، نترس
چهل از جهان رخت کشد ، به هم میهنان مسخر
تبریک می گوئیم .

مدافعان سرمایه داری در کار مسخ لایحه ملی کردن بازرگانی خارجی

نظر آقای عسکراولادی درباره

توزیع داخلی نادرست و مبهم است

توزیع داخلی کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخلی
باید بطور عمده برعهده تعاونی های صنفی و بخش دولتی
قرار گیرد .

سرمایه های بخش خصوصی ، بجز کسبه و پیشه وران باید
از دخالت در توزیع داخلی منع شوند و فعالیت آنها
مطابق قوانینی که تدوین می شود ، در صنعت و کشاورزی
نورد حمایت قرار گیرد .

در صفحه ۱۸

به جنایت بزرگ مهاباد رسیدگی کنید

سپاه پاسداران مهاباد را از عوامل ضد انقلاب پاکسازی کنید

در صفحه ۱۷

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جدا شدگان از
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مبارزه با وحدت زیر پوشش وحدت طلبی

در صفحه ۱۲

کمیته های ایالتی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اقدام نفاق افکنانه و توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی را
محکوم کردند

در صفحه ۱۱

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

رژیم های امریکائی منطقه برای تجاوز نظامی به مین انقلابی مان بیمان می بندند. هتشد شویم!

ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا، شاهد فروپاشی و مرگ محتوم خویش است و از جانب خلق های سراسر جهان هر روز ضربه مرگبار تازه ای بر پیکر در حال تلاشی آن فرود می آید

امپریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا، دست در دست مائوئیست های چینی که عنق ارتجاع آنها مشام بشریت را می آزارد، به کمک رژیم های ارتجاعی جهان، تمام نیروی جهانی خود را به کار گرفته اند تا مانع پیروزی خلق ها، که مرگ محتوم آنان را بشارت می دهند، شوند. امپریالیسم آمریکا در جدال مرگ و زندگی به ماجراجویی های دیوانه وار متوسل می شود و اکنون که زمان یکتازی آن به سر رسیده است تا آنجا که متواند به آتش جنگ تجاوزکارانه علیه خلق ها و رژیم های سوسیالیست و ضد امپریالیست جهان می دمد. در همه توطئه ها و تجاوزات نظامی، علیه بشریت ترقیخواه دست های آلوده امریکائی جنایتکار پیداست.

در جنگ تحمیلی به ایران در کشتار مردم السالوادور، در الحاق بلندی های جولان در تجاوز نظامی به آنگولا، در کشتار مردم جنوب لبنان در توطئه براندازی علیه دولت سوسیالیست لبنان، در استقرار ناوگان های جنگی در اقیانوس هند و دریای عمان، در استقرار شبکه موشک های دارای کلاهک هسته ای در اروپا، در تجاوز به لیبی و توطئه علیه کوبا، در همه جا که جنگ و تجاوز و غارت و جنایت و کشتار مردم هست، دست پلید آمریکا در کار است. آمریکا دشمن اصلی همه خلق های جهان و "شیطان بزرگ" است.

در برابر جنگ افروزی ها جنایات، تجاوزات و توطئه های امریکائی جنایتکار تنها یک حربه کارساز است و آن اتحاد همه گردان هایی است که در راه دستیابی به صلح، دموکراسی استقلال و عدالت اجتماعی با امپریالیسم جهانی - سرکردگی امریکائی جنایتکار در پیگارند. شرط ضرور پیروزی بر امپریالیسم آمریکا وحدت رژیم های ضد امپریالیست منطقه، با یکدیگر و با جنبش انقلابی کارگری و با اردوی جهانی

اردوگاه ها را تامین می کنند. در این پایگاه ها و قرارگاه های نظامی به وسیله دهها هزار تن افراد "ارتشی آزادیبخش ایران" به سرکشی جلال معروف شاه ژنرال اویسی، توسط ژنرال های امریکائی و ترک آموزش نظامی می بینند. و سراسر گزارش هایی که دریافت داشته ایم هم اکنون واحدهایی از آن، از مرزهای ترکیه وارد خاک میهن در مناطق تحت نفوذ دستجات ضدانقلابی صنار مامدی شده و آماده جنگ با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هستند. هدف نهائی این واحدهای نظامی مزدور که می گویند تعرض جدی خود را در اوایل بهار آینده آغاز خواهند کرد، در ارتباط با باندهای ضدانقلابی فاسلو و صنار مامدی و خوانین و فتودال های ملسیح آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاهان، تجزیه قسمت هایی از آذربایجان و مناطق کردنشین ایران است. و این علاوه بر طرح "تربیب وایر" تجاوز نظامی از جنوب ایران و تجزیه جنوب است. دشمنی لحام گسیخته و جنون هار آمریکا، تنها متوجه انقلاب ایران و افغانستان نیست یاغی گری لحام گسیخته و جنون هار ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا علیه اردوی جهانی انقلاب است که انقلاب ایران و افغانستان حرثی از آن اند.

خارجه خاطر نشان کنیم که "ترکیه و پاکستان با عربستان گفتگو هایی را در سطح نظامی آغاز کرده اند که به نظر می رسد (و از نظر ما قطعا) تحت هدایت آمریکا صورت می گیرد." اکنون برای همه روشن است که رژیم های امریکائی ترکیه و پاکستان تا چه میزان در مرزهای خود با ایران تجهیزات و تاسیسات نظامی برپا ساخته اند. سرتاسر نوار مرزی ترکیه و پاکستان با ایران توسط کارشناسان امریکائی و ژنرال های ترک و پاکستانی با جاده های استراتژیک نظامی، خطوط لجستیکی، پایگاه ها و قرارگاه های مستحکم محصور شده است. ژنرال های کودتاجی ترکیه با کمک کارشناسان امریکائی حتی مناطق مرزی را از اهالی بومی حالی کرده اند. در هر دو کشور ترکیه و پاکستان، اردوگاه های نظامی مجبری برای تربیت نیروهای ضدانقلابی ایران و افغانی دایر است. در این اردوگاه ها ساواکی ها، افسران فراری شاه افراد پالیزبان - بختیار- اویسی و اشرف توسط کارشناسان و ژنرال های ترکیه و آمریکا، برای گسیل به داخل مرزهای ایران، به منظور جنگ با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تربیت و تسلیح می شوند! خاندان پهلوی و سرمایه داران فراری حسی از مخارج هنگفت این

عراق علیه جمهوری اسلامی ایران است. عربستان سعودی با امضای این پیمان نظامی، به دستور امریکائی جنایتکار، حمایت خود از رژیم صدام را در جنگی که از رژیم بر مردم ما تحصیل کرده است، آشکار و آشکارتر کرد. وزیر کشور عربستان سعودی در پایان امضای این پیمان نظامی از تمام اعراب خواست: "تدابیر فاطح و جامعی علیه ایران اتخاذ کنند." وی افزود پیمان مرزی عربستان و عراق مانگر تحکیم همکاری دو کشور در جهت تضمین وضع ثبات منطقه است. گزارش روزنامه های صح و عصر تهران نیز حاکی از این بود که "عراق از طریق اردن عربستان سعودی و کویت تجهیزات نظامی از آمریکا می خرد" و از قول نشریه "الدعوه کرونیکل" نوشتند: "... در این مبارزه که عراق با پول عربستان سعودی و کویت با سلاح امریکائی مسلح می شود، هدف شعله ور نگاهداشتن جنگ (جنگ ایران و عراق) در خلیج فارس است. برای آنکه تصویر کامل تری از خطر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی محاور به میهنمان ارائه داده باشیم، باید از قول آقای احمد عربی قائم مقام وزارت

خبرامضای قرارداد نظامی تازه ای میان قطر و عربستان سعودی توسط خبرگزاری های جهان انتشار یافت. مشابه چنین پیمانی، چندی پیش به بهانه دروغین دخالت ایران در امور داخلی بحرین میان عربستان سعودی و بحرین به امضاء رسیده بود. در همین هفته انعقاد یک موافقت نامه همکاری امنیتی دسته جمعی میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج - عربستان سعودی - کویت - قطر - بحرین - سلطان نشین عمان و امارات متحده عربی امری در شرف وقوع اعلام شد که میهنمات و مقدمات آن به پایان رسیده است.

همچنین بین وزیر دفاع مصر، "ژنرال عبدالخلیم ابوغزاله" و وزیر دفاع سربان موافقت نامه همکاری های نظامی تازه امضاء کردید.

هدف تمامی این پیمان های نظامی، در راستای پاسداری منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکائی جنایتکار، احیا پیمان امپریالیستی و تجاوزکارانه "ستو" است که با انقلاب افغانستان و ایران درهم شکست شد این پیمان ها و متوجه گسترش پایگاه ها و نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، تبدیل منطقه به انبار سلاح های امریکائی، سرکوب جنبش های استقلال طلبانه خلق های عرب و غیر عرب منطقه و در رأس آن سرکوب انقلاب های افغانستان و ایران و تجاوز نظامی به این دو کشور است. همزمان با امضاء این پیمان ها، دیدار نمایندگان رژیم های دست نشانده عمان مصر، عربستان سعودی، سودان و دیگر رژیم های امریکائی عرب، برای تدارک کنفرانس وزیران دفاع این کشورها به پایان رسید و بر اساس گزارش خبرگزاری ها، کنفرانس در ۲۶ دسامبر (هفته ۸ دی ماه جاری) در رباط گنشین یافت مهم ترین مسئله مورد بحث در این کنفرانس، اتحاد تدابیر جمعی برای سرکوب جنبش های استقلال طلبانه در این کشورها و سرکوب افغانا، ایران و افغانستان بود. همچنین در این هفته مان وزیر کشور عربستان سعودی تاق بن سدالعربر" و وزیر کشور رژیم صدام "سعدون تاگر یک پیمان مرزی به امضاء رسید. این یک پیمان نظامی عربستان و

هتشد ار می دهیم!

خطر تجاوز امپریالیسم امریکائی و مزدوران اش

از کشورهای ارتجاعی مجاور به میهنمان جدی است

در راه برقراری حکومت قانون

بر اساس تمام موازین پذیرفته شده در جمهوری اسلامی ایران بازداشت اعضا و هواداران سازمان عملی است خلاف قانون

در آغاز فروردین امسال هنگامی که امام خمینی در پیام خود سال جدید را سال تلاش به خاطر استقرار قانون اعلام و گفتند که جلوی قانون شکنی از جانب هر کس باید ناطقانه گرفته شود ، در میان مسئولین جمهوری اسلامی ایران اندک بودند کسانی که عمیقاً به اهمیت این سخن داهیانه امام پی برده باشند . اما هرچه بیشتر گذشت در نتیجه شلاق حوادث و رویدادها تعداد هرچه بیشتری از نیروهای خط امام باور کردند که قانونیت انقلابی برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران یک ضرورت حیاتی است . زیرا ضدانقلاب به هر وسیله ممکن می‌کوشد از حاکمیت قانون جلوگیری نموده و با دامن زدن به تشنج و هرج و مرج ، بی - اعتمادی و احساس عدم امنیت را در میان مردم جهت دست یافتن به اهداف خود تبلیغ کند .

آنگاه که بنی صدر خائن از همکاری با دولت و مجلس خودداری نمود و با اعلام فرماندوم کذابی می‌کوشید قانونیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نفی کند ، زمانی که توطئه سیاسی دولت میانه رو با شکست ننکین مواجه و تروریسم باند رجوی - خیابانی به ابزار عمده اجرای توطئه‌های امریکا جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران متوسل گردید ، و مهمتر از همه زمانی که در فضای عصبی ناشی از گسترش موج تروریسم ، عناصر و جریان‌های قشری و تنگ‌نگر و بعضاً مشکوک فرصت یافتند تا به نام قانون و

جمهوری اسلامی ایران مرتکب اعمال بی‌رویه و خلاف شوند که نتیجه آن جر کمک به دشمن نمی‌توانست باشد و زمانی که از رهگذر گسترش چنین اعمالی برپیکر انقلاب زخم‌های جانگناه نشست ، کوشش هرچه وسیع‌تری از جانب مسئولین جهت اجرای رهنمود امام خمینی آغاز گردید . دادستانی کل انقلاب با صدور اعلامیه ۱۰ ماده‌ای ، فعالیت احزاب و گروههایی که در چارچوب قانون اساسی عمل می‌کنند را آزاد اعلام نمود . اما اجرای صحیح این اطلاعیه که می‌توانست گام بلندی در جهت حاکمیت قانون باشد ماهها مسکوت گذاشته شد . در ماههای بعد در نتیجه رویدادهای ذکر شده تلاش گسترده‌ای از جانب مسئولین در دفاع از ضرورت اجرای قانون و مبارزه با قانون شکنان آغاز شد . رئیس جمهور نخست وزیر و رئیس قوه مقننه ، ریاست دیوانعالی کشور و دادستان کل انقلاب و بسیاری دیگر از مسئولین جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها بر اهمیت اجرای دقیق قانون و مجازات قانون شکنان تاکید کردند . در پی آمد این سخنان روشنگرانه به فرمان امام خمینی بازرسی کل کشور

با هدف نظارت دقیق بر اجرای قانون و مجازات قانون شکنان تشکیل شد . و دادستانی کل انقلاب در مصاحبه با مجله سپاه پاسداران اعلام نمود که اطلاعاتیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب همچنان به قوت خود باقی است و از فدائیان (اکثریت) و حزب تسوده ایران به عنوان نیروهایی که حق فعالیت آزاد سیاسی دارند یاد کرد . ضرورت حاکمیت قانون و جلوگیری از اعمال بی‌رویه و خلاف قانون تا بدان پایه است که در چنین فضای بار دیگر امام خمینی با صدور فرمانی در ۱۶ آذر تمام مسئولین و ارگان‌های مملکت را دعوت به رعایت قانون کردند . پس از این فرمان شورای عالی قضایی دادستانی کل انقلاب ، بازرسی کل کشور و سپاه پاسداران در اطلاعیه‌هایی ضمن پشتیبانی از فرمان امام خمینی بر تلاش جهت اجرای هرچه صحیح‌تر قانون و مجازات خطاکاران و قانون شکنان تاکید کردند . اینها همه تلاش‌های مثبت و امیدبخشی است که طی ماهها و هفته‌های اخیر صورت گرفته است . و در صورتی که آنچه تاکنون در مصاحبه‌ها سخنرانی‌ها و اطلاعیه‌های گفته شده در عمل به مورد اجرا گذاشته شود می‌توان آن را گام بسیار ارزنده‌ای در گسترش هرچه بیشتر تعاهم و همکاری میان همه نیروهای مدافع انقلاب ارزیابی نمود . در هفته‌های گذشته در

ما با استقبال و پشتیبانی از اقدامات مثبتی که در جهت اجرای قانون از جانب جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است ، آزادی تمام رفقای زندانی و شناسایی و مجازات عاملین اعدام مهرانگیز مسعودی و سیزده رفیق اکثریتی دیگر که از آغاز تابستان تا امروز در تهران و سایر شهرستانها اعدام شده‌اند را از مقامات و ارگان‌های ذیصلاح خواستاریم . جای پرش بسیار است که چرا با همه این تاکیدات بر اجرای قانون همچنان دهها نفر از اعضا و هواداران سازمان در زندان نگاه داشته می‌شوند و در موارد

متعدد نیز با پرونده‌سازی و اتهامات واهی آنها را به حسن‌های طولانی محکوم ساخته‌اند . جریان اعدام غیرقانونی چهارده تن از اعضا و هواداران سازمان در ماههای اخیر اوج بی‌توجهی به رهنمودهای امام و قانون شکنی‌هاست . به نظر ما کسانی که امروز علیرغم این همه روشنگری در ضرورت اجرای دقیق قانون به اعمال بی‌رویه و خلاف قانون ادامه می‌دهند یا دشمنانی هستند که با تزویر و ریاچهره خود راپنهان کرده‌اند و یا چنان گرفتار قشری‌گری و تنگ‌نگری هستند که هیچگونه حقی ، حتی حق زندگی برای دگراندیشان مدافع انقلاب قائل نیستند که در هر صورت حاملین این تفکر در عمل دشمنان انقلاب را تقویت می‌کنند .

در اجرای رهنمودها و فرامین امام خمینی تلاش پیگیر در راه استقرار حاکمیت قانون باید از جانب مسئولین و همه نیروهای مدافع انقلاب دنبال شود . چنین حرکتی به هیچ‌وجه نباید تابع شرایط و مقتضیات خاص و لحظهای قرار گیرد . آنچه بیش از هر چیز در این راه باید در نظر باشد پای بندی به آن آماج‌هایی است که مردم ما به خاطر آنها رزمیده‌اند . یعنی آزادی ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، در این راه پیروان اصیل سوسیالیسم علمی با پیروان صدیق خط ضدامپریالیستی امام خمینی در سنگری واحدند .

این به سود انقلاب جمهوری اسلامی ایران است که قانونیت انقلابی با قاطعیت تمام حاکم گردد . مسامحه و تزلزل در اجرای قانون و چشم پوشی از مجازات قانون شکنان تنها به سود دشمنان انقلاب است .



به این اعدام‌های غیرقانونی رسیدگی کنید!

فدائیان خلق (اکثریت)	دادگاه	فدائیان خلق (اکثریت)	دادگاه
۱ - یعقوب یزدانی	بهشهر	۸ - محمد رضا گلشن	شیراز
۲ - علی اکبر جدریان	بهشهر	۹ - عبدالوهاب فلسفیان	شیراز
۳ - محمود فتلی	بهشهر	۱۰ - عبدالرسول دشتیاری زاده	بوشهر
۴ - خسرو حاجی	سنندج	۱۱ - محمد دشتیاری زاده	بوشهر
۵ - شایع رضایی	سنندج	۱۲ - حمید رضا پریدار	تهران
۶ - عادل قربانی	اردبیل	۱۳ - فرزین شریفی	تهران
۷ - حمید شبانی	شیراز	۱۴ - مهرانگیز مسعودی	تهران



این سند بوضوح نشان می‌دهد که تمام رفقای زندانی ما باید آزاد شوند . ادامه بازداشت آنها عملی است خلاف قانون .



اعلامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

الحاق بلندیهای جولان توسط اسرائیل یک تجاوز آشکار امپریالیستی - صهیونیستی است

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل به الحاق " رسمی " بلندیهای اشغال شده جولان ، آذربایران نیز هست این تجاوز می تواند ، تجاوز امریکایی " غیرمستقیم " دیگری از نوع تجاوز " صدامی " باشد و نیز می تواند تجاوز مستقیم آمریکا باشد . این تجاوز می تواند از مرزهای جنوب شرقی شمال غربی و یا جنوب ، درگیر طرحها و مقدمات این تجاوز جدید فراهم شده است . خطر تجاوز نظامی جدید به ایران ، خطری است جدی و باید آن را جدی گرفت .

بگانه سیاستی که می تواند بر این سیاست ماجراجویانه نظامی لگام زند و آن را عقیم کند . اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی در هر کشور ، در منطقه و در سراسر جهان است . اگر نیروهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی قطع نظر از عقاید مسلکی ، سیاسی و مذهبی در هر کشور در منطقه و در سراسر جهان با یکدیگر فقط بر مبنای موضع گیری علیه سلطه جویی و جنگ افروزی امپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا به خاطر کسب و نامین استقلال خلق های هر کشور ، حفظ و تضمین تمامیت ارضی هر کشور ، حفظ و نامین صلح در منطقه و به مقیاس جهانی با یکدیگر متحد شوند ، دست یکدیگر را در مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک - امپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا بفشارند ، از یکدیگر پشتیبانی و به یکدیگر کمک کنند ، آنگاه آمریکا " هیچ غلطی نمی تواند بکند " تفرقه متحد امریکاست اتحاد نیروهای استقلال طلب ، آزادیخواه ، مترقی ، عدالتخواه و صلح طلب - سلاح اطمینان بخش پیروزی برامپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا است .

حزب توده ایران ، اقدام تجاوزکارانه و اشغالگرانه دولت صهیونیستی اسرائیل را به الحاق " رسمی " بلندیهای جولان هم صدا با دولت جمهوری اسلامی ایران ، هم صدا با تمام نیروها و کشورهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی جهان به شدت و با خشم محکوم می کند و بار دیگر همبستگی خود را با خلق سوریه و همه خلق های عرب در مبارزه مشترک بر ضدامپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا ابراز می دارد .

تردیدی نیست که این اقدام " رسمی " کمترین رسمیت و اعتباری ندارد و نمی تواند داشته باشد . ولی حزب توده ایران بر آن است که این اقدام تجاوزکارانه ، اشغالگرانه و جنگ افروزان ، فراقوانی است به لزوم اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی در سطح هر کشور ، در سطح منطقه و در سطح جهان - که باید تحقق یابد ، تا بتوان امپریالیسم تهاور و تجاوزگر آمریکا و متحدانش را مهار کرد و شکست تاریخی محتوم امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را بسرگردگی آمریکا تسریع و نامین نمود .

کمیته مرکزی حزب توده ایران
بیست و هشتم آذرماه ۱۳۶۰

الحاق بلندیهای جولان توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل نفرت و خشم مردم سراسر جهان و همه نیروهای مردمی و ترقیخواه را برانگیخت .

همه رژیم های سوسیالیست و ضدامپریالیست جهان ، تمام شخصیت ها و سازمان های مردمی و انقلابی و ضدامپریالیست بانگ اعتراض خود را علیه خودسری و یاغیگری اسرائیل که با پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکای جنایتکار صورت می گیرد ، راست از همیشه فریاد زدند .

فریاد اعتراض و نفرت و خشم نسبت به تجاوز صهیونیسم به سرزمین های دیگران و سیاست سرکوب جنبش های استقلال طلبانه خلق های عرب منطقه توسط صهیونیسم و امپریالیسم جهانی مبین ما را نیز سشار کرد .

امام خمینی ، آیت الله منتظری ، رئیس جمهور نخست وزیر ، کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی و دیگر مقامات و نهادهای رسمی جمهوری اسلامی ، یک صدا این تجاوز را محکوم کرده و اعلام کردند .

" دولت ما در کنار دولت سوریه ، لیبی و مقاومت فلسطین که در معرض فشار صهیونیسم بین الملل هستند ، ایستاده است "

سازمان ما هم آواز با همه نیروهای مردمی و ضدامپریالیست و انقلابی ایران و جهان ، الحاق بلندیهای جولان را نمونه خودسری جنگ طلبی و تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم خواند ، آن را محکوم کرد و بر پیوند مردم و دولت ایران با مردم و دولت سوریه پای فشرد و بار دیگر از همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست ایران و منطقه خواست که علیه تجاوز و خودسری صهیونیسم و امپریالیسم متحد شویم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز ، در این رابطه اعلامیه ای انتشار داد ، که ما با درج آن در این شماره کار همه خوانندگان را به مطالعه دقیق آن فرا می خوانیم :

نظامی و یا طرح های نظیر " کمب دیوید " طرح " فهد " و غیره و غیره . هدف از این سیاست که بر محور ماجراجویی نظامی ندوین و اجرا می شود سکستن استقلال کشورهای مستقل (به ویژه و در درجه اول لیبی و سوریه) در منطقه سکستن جنبش ها و انقلاب های رهایی بخش (به ویژه و در درجه اول انقلاب رهایی بخش فلسطین) در منطقه سکستن انقلاب های پیروزمند (به ویژه و در درجه اول انقلاب های پیروزمند ایران و افغانستان) در منطقه است امپریالیسم آمریکا این منطقه را به دلیل اهمیت آن از لحاظ نفت و به دلیل موقعیت مهم استراتژیک آن در بیکسار استراتژیک علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، منطقه " حیاتی " خود و " متعلق " به خود می داند . و درصدد استقرار سلطه بی چون و چرای خود بر آن است . اسرائیل صهیونیستی سه عنوان دست مسلح آمریکا ، سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خویش را در منطقه به اجرا می گذارد .

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل به الحاق بلندیهای جولان ، نیک نشان می دهد که امپریالیسم آمریکا و " دست های مسلح او " در بی اعتنائی و در سکستن تمام قوانین بین المللی با چه حد بی محابا و کستاخاند ، نشان می دهد که ماجراجویی نظامی به سطح سیاست دولتی ایالات متحده آمریکا و دست یازش ارتقاء یافته است .

شایان ذکر است که دولت آمریکا از یک طرف از این عمل تجاوزکارانه و اشغالگرانه دولتی صهیونیستی اسرائیلی به اصطلاح " ابراز تاسف " می کند و از طرف دیگر و هم زمان ، پشتیبانی کامل خود را مانند همیشه از دولت صهیونیستی اسرائیل اعلام می دارد . چنین روشی بار دیگر تمام خباثت و سالوسی امپریالیسم آمریکا را آشکار میکند

دولت صهیونیستی اسرائیل به دنبال یک جلسه چند ساعتی " کنش " (پارلمان اسرائیل) در روز ۲۴ آذر ۱۳۶۰ ، بلندیهای اشغال شده جولان متعلق به سوریه ، را جزئی از خاک اسرائیل اعلام داشت . این اقدامی است خودسرانه ، ناقض قوانین بین المللی ، ناقض نص و روح منشور سازمان ملل متحد ، ناقض قطعنامه های مصوب این سازمان در مورد اراضی اشغال شده کشورهای عربی ، که در جنگ اوزکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل ، به سال ۱۹۶۱ ، به تصرف اسرائیل درآمده اند . این یک اوباشگری تجاوزکارانه در سطح بین المللی است این اقدامی علنا تحریک آمیز و آشکارا جنگ طلبانه است . با هدف برافروختن مجدد نآرند جنگ در حاورمیان . این اقدامی است بیانگر سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه اسرائیل ، این یک سنجه جویی علیه صلح بین المللی است .

تردیدی نیست که یک چنین اقدامی از سوی دولت صهیونیستی اسرائیل با مسوربت قلی و با ناآید و پشتیبانی کامل دولت ایالات متحده آمریکا به عمل آمده است . این اقدام در حقیقت جزئی از سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا در منطقه حاورمیان است . سیاستی است که اجزا دیگر آن عبارت است از تحریک و تهدید لیبی ، آشفروزی مداوم در لبنان ، تقویت مراکش بر ضد بولیاریو ، تسلیح مصر و عربستان و سودان و کنیا و سومالی و ترکیه و پاکستان و دیگر دولت های دست نشانده منطقه ، ضمن تقویت سلطه سیاسی - نظامی خود بر آنها ایجاد نیروهای واکنش سریع و تهیه تمام مقدمات لازم (پایگاهها و ابزارهای تسلیحات و تجهیزات) و مانورهای نظامی برای گسیل فوری و عمل این نیروها در منطقه ، تهیه انواع نقشه های سهاجمات

تاخیر در بازگرداندن معلمان بناحق «پاکسازی» شده بزرگوار به زیان انقلاب است

آقای پرورش که خود معترف است : " کمبود معلم یکی از مشکلات بسیار بزرگ آموزش و پرورش است " با مسکوت گذاشتن مسئله بلا تکلیفی هزاران معلم وفادار به انقلاب " پاکسازی " شده می گوید :
" مسئله کمبود معلم در درازمدت حل خواهد شد ! "

بر همین خواست متروغ و برحق پای می مشرند ، در همین حال وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (اول و دوم دی ماه) از کنار این مساله با خونسردی می گذرد ! وی ضمن برشمردن طرح های گوناگون در زمینه تغییر نظام آموزشی ، که بسیاری از آنها هرگاه به درستی به اجرا درآیند مثبت و راهگشا هستند آنجا که به مساله بازسازی می رسد به گونه ای از تشکیل شورای عالی نظارت و آیین نامه اجرایی سخس به میان می آورد که گویی حل مسئله به مرور زمان و

مورد توجه باشد ، موضع کارکنان در مقابل انقلاب و اهداف جمهوری اسلامی است .
(اطلاعات ۲۷ آبان ۶۰)
در حالی که هزارها معلم پشتیبان جمهوری اسلامی بیش از دو سال است که برای بازگشت به سر کار ، کاری که بسندان عشق می ورزند ، روزشماری می کنند ، و در حالی که شاگردانشان که از آنان کسب علم و اخلاق مردمی کرده اند خواستار بازگشت آنها هستند ، در شرایطی که همه نیروهای مردمی و انقلابی نیز

پرورش بر اساس معیار " مختبی و غیرمختبی عواقبی بدنال آورده است که از مهمترین آنها اثرات مخرب سیاسی و تاثیر نامطلوب بر کیفیت آموزش را می توان نام برد .
در حالی که برخی از مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی و از جمله حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی آشکارا اعلام می کنند که :
" بدون شما نیروهای متخصص و انسانی و کسانی که حاضرینند مخلصانه به این کشور خدمت کنند کارها به پایان نمی رسد " (کیهان ۱۷ آبان ۶۰)
در حالی که کسانی چون حجت الاسلام معاد یخسواه معتقدند که :
" آنچه بیش از هر مساله در بازسازی ادارات بایستی

● در آستانه سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ شمار زیادی از معلمان متعهد به انقلاب در کنار عده ای از ساواکی ها و وابستگان به رژیم منفور پهلوی از کار برکنار و بلا تکلیف شدند . ما از همان آغاز بطریق گوناگون نسبت به این اقدام قانون شکنانه و بی آمده ای زیانبار آن به مسئولین امر هشدار دادیم . متاسفانه در شرایطی که مدارس با کمبود چشمگیر معلم دست به گریبان بود ، اینگونه " تصفیه های " خودسرانه در سرتاسر کشور ادامه یافت . به دنبال آن در آغاز سال تحصیلی ۶۱ - ۶۰ آقای پرورش ، وزیر آموزش و پرورش از کمبود ۴۰ هزار معلم سخن گفت و مدیرکل آموزش و پرورش در اول مهرماه طی مصاحبه ای از تراکم نیرو در جایی و از کمبود معلم در جای دیگر یاد کرد . از سوی دیگر هنوز هم مدارسی هستند که کادر آموزشی آنها تکمیل نیست . مجموعه مسائل یاد شده بر این واقعیت انکارناپذیر گواهی می دهد که " کمبود معلم یکی از مشکلات بسیار بزرگ آموزش و پرورش است " (اطلاعات اول دی ماه ۶۰)

ماده ۳۷ قانون پاکسازی مغایر قانون اساسی است

● اصل ۲۳ قانون اساسی می گوید : تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد " .
اطلاعیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب که بر اساس قانون اساسی تنظیم شده است ، در ماده ۶ فعالیت سیاسی احزاب و گروهها را در چارچوب قانون اساسی مجاز و قانونی ساخته است .
در ماده ۷ به احزاب و گروهها آزادی بیان آرا و افکار سیاسی داده است .
در ماده ۹ به آنها اجازه مناظره و بحث های عقیدتی از طریق وسائل ارتباط جمعی داده است .
نه در قانون اساسی و نه در اطلاعیه ده ماده ای که امام خمینی و همه نیروهای واقع بین خط امام بر آن تاکید دارند تفکیک و تبعیض بر اساس ایدئولوژی و استثناء در مورد کارمندان دولت و از جمله معلمان دیده نمی شود . مطابق قانون اساسی هر فرد می تواند هر ایدئولوژی و عقیده ای داشته باشد و بنا بر اطلاعیه ده ماده ای دادستان هر فرد مجاز است که در حزب یا گروهی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت دارد عضو باشد و آراء و عقاید خود را نیز بیان کند .
اما مطابق ماده ۳۷ قانون بازسازی عضو حزب یا گروه دارای ایدئولوژی غیراسلامی نمی تواند در ارگان های دولتی و از جمله در آموزش و پرورش به انقلاب و جمهوری اسلامی خدمت کند !
از همین روست که می گویم ماده ۳۷ قانون بازسازی و برخی دیگر از مواد آن قانون اساسی را نادیده می گیرد و به اطلاعیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب بی اعتنایی می کند .
در اطلاعیه ده ماده ای دادستان ، ملاک وفاداری به انقلاب فعالیت در چارچوب قانون اساسی است اما در قانون بازسازی اصل بر عقیده و مرام گذاشته شده است و نه منافع انقلاب ! و به همین دلیل است که با قانون اساسی تناقض دارد .

در جامعه انقلابی ما که برای کسب استقلال در همه وجوه از جمله در زمینه فرهنگی تلاش می کند مبارزه با بیسوادی و ارتقاء کیفیت آموزشی وظیفه ای مبرم و اساسی است این وظیفه تنها از طریق بکارگرفتن و مشارکت تمامی نیروهای میسر است که دارای تخصص در زمینه های فنی و حرفه ای بوده به امر خطیر تعلیم تربیت آشنایی کافی دارند . حال با توجه به این نیاز بسیار مهم ، برای اخراج و بلا تکلیف نگهداشتن هزاران معلم پشتیبان انقلاب ، کارآزموده و دلسوز چه دلایل اصولی و قانع کننده ای می توان ارائه داد ؟ با اخراج معلمان متعهد به انقلاب در حقیقت از کار و تدریس کسانی جلوگیری شده است که هدفی جز آموزش و تعلیم فرزندان مردم و کمک به آماده سازی آنان برای مقابله همجانبه با امپریالیسم و سرسپردگانش ندارند .
گزینش نیرو در آموزش و

دفع الوقت موکول شده است و این درست در حالی است که خود ایشان به کمبود معلم صریحا اعتراف دارند !
آقای پرورش در ادامه سخنان خود یاد آور می شود که این کمبود تا به حال از دو طریق عملی شده است یکی پذیرش ۱۶۰۰۰ داوطلب برای دوره تربیت معلم و دیگری گزینش برادران و خواهران متعهد " برای یک دوره دو ساله (و احتمالا شش ماهه) آزمایشی . کسانی که این دوره آزمایشی را با موفقیت بگذرانند ، به استخدام قطعی در خواهند آمد . ولی آقای پرورش در سرتاسر توضیحاتش نه به معیارهای گزینش معلم اشاره ای می کند و نه از ملاک هایی سخن بر زبان می آورد که بر پایه آنها هزاران معلم وفادار به انقلاب به تیغ " تصفیه " سرده شده اند . تاکید ورز پرورش و پرورش بر این واقعیت که مساله کمبود معلم در درازمدت حل می شود مشروط بر آنکه از این گفته حل نهایی مساله بر اساس برنامه ها و معیارهای اصولی مورد نظر باشد ، کاملا قابل تأکید است . اما هرگاه طرح مساله " درازمدت " به معنای چشم فروستن بر مشکلات کنونی و راه حل های غافل باشد ، بدون تردید نمی توان پایه و تضمینی برای اجرای برنامه های دراز مدت قائل شد .
آقای پرورش به جای روشن ساختن هرچه سریع تر وضع معلمان بلا تکلیف متعین به انقلاب و بازگرداندن آن بر سر کار می گوید " مساله کمبود معلم در درازمدت حل می شود ، چون به تو سعدی که می گوید " سعد به روزگاران مپهری نشسته دل - بیرون نمی توان کرد !
به روزگاران " !
بهرحمت مصالح انقلاب حکم می کند که لطفا شیدی که اخراج می رویه تاکنون بر آموزش پرورش و محیط سیاسی اجتماعی جامعه وارد آور است مورد توجه جدی ق گیرد و درس های لازم از گرفته و بر بلا تکلیفی معلمان دلسوز و پشتیبان انقلاب نقطه پایانی گذارده شود .

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اقدام علیه شوراها ی کارگری اقدام علیه انقلاب و قانون اساسی است

• شوراها به مثابه سازمان‌های توده‌ای کارگران نفس سترگی هم در پیروزی انقلاب بهمین و هم در تمام طول دوران سده‌ساله پس از آن در دفاع از انقلاب داشته‌اند. این سازمان‌ها جز پیوسته و اعتلا یافته‌ای از جنبش سندیکایی طبقه کارگر کشورمان بوده و به طریق اولی غنای مبارزاتی و گنجینه تجارب و سن تراقدر تاریخ جنبش سندیکایی ایران را کم و بیش و بطور عینی در خود متبلور نموده‌اند. هفتاد سال تاریخ جنبش سندیکایی طبقه کارگر ایران در پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی با تاریخ پربار جنبش ضد استبدادی ضد امپریالیستی و عدالتخواهانه مردم انقلابی میهنان از نهضت مربوطه تاکنون بوده است. بدیهی است که آرمون‌ها تحارب و دستاوردهای ناشی از جنبش پیوند و ارتباط متقابل امروز در سازمان‌های صنفی کنونی طبقه کارگر ایران یعنی در سندیکاها و شوراها بازتاب عینی یابد. بنابراین نقش شوراها بر بسیج و تحمیر توده میلیونی طبقه کارگر کشورمان در راستای دفاع از انقلاب و در جهت نیل به آسایش‌های سه گانه استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالتجویانه آن نه تنها امری تصادفی و گذراننده و نیست، بلکه از سابقه تاریخی درخشانی که متکی بر سن مبارزاتی هفتاد ساله است، برخوردار است. تداوم و اعتلای این مبارزه متحول و قانونمند در کارنامه سه ساله اخیر شوراها ی کارگری مان متجلی است راه اندازی واحدهای تولیدی - خدماتی تعطیل شده و تصمی ادامه کاری آنها - تأمین مشارکت دمکراتیک و گسترده کارگران

در امر اداره تولید و خدمات تلانی در راه افزایش تولید و ارتقا کیفیت آن همراه سازره در راه مصادره و ملی شدن صنایع بزرگ وابسته و از این طریق شالوده ریزی اقتصاد مستقل ملی در دراز مدت و مقابله با توطئه حصر اقتصادی امپریالیستی در کوتاه مدت عقیم گذاردن شرفندهای اخلاص گرانه دشمنان انقلاب در حرمان تولید، تأمین آرامش و قانونیت انقلابی در واحدها حمایت از حاکمیت انقلابی در مقابل توطئه‌های رنگارنگ حربه متحد دشمنان انقلاب حمایت از انجام دگرگونی‌های بنیادین به سود محرومان شهر و روستا به ویژه پشتیبانی از اجرای پلان درک بند "ج و د" اصلاحات ارضی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن تجارت خارجی و از همه مهتر بسیج بلافاصله سده کارگران در کارزار مقاومت میهنی در برابر تجاوزگران صدامی به ویژه از طریق اتحاد کمیته‌های دفاع از انقلاب در واحدهای تولیدی - خدماتی ... همه و همه جلوه‌های گوناگون حضور شوراها در میدان‌های نبرد ضد امپریالیستی و مردمی میهن ماست. همچنین است نقشی که شوراها در کنار دیگر سازمان‌های صنفی در امر دفاع از منافع صنفی - رفاهی کارگران در گستره بهبود شرایط کار و زندگی آنان داشته‌اند. مبارزه بیکرانه برای تدوین و تصویب قانون مترقی کار و تأمین اجتماعی با مشارکت تشکل‌های توده‌ای کارگران تنظیم و اجرای نظام مترقی ارزشیابی مشاغل با شرکت نمایندگان سازمان‌های صنفی لغو فوری ماده ۳۳ قانون کار فعلی، ارتقا کیفی شرایط بهداشتی

اجتماعی و دمکراتیک این طبقه انقلابی است، و هم به منزله چشم فروبسته بر مصالح انقلاب است که هم اکنون درگیر شدیدترین نبردهای حیاتی و ماتی با دشمنان تا بن دندان مسلح خویش است. این امر انقلاب را از یکی از مهمترین و بزرگترین ابراهای بسیج و تحمیر توده‌ای خود محروم می‌کند، اعتبار و پایگاه توده‌ای آن را در میان طبقه کارگر میهنان سست می‌سازد و موجب اخلاص در تأمین حمایت گسترده و متشکل کارگران از انقلاب می‌گردد.

شیره‌های گوناگون مقابله با شوراها و نقض حقوق سندیکایی کارگران

از فردای پیروزی انقلاب تاکنون به انحای مختلف کوشش‌های معنی در جهت انحلال و فروپاشاندن شوراها مسخ تدریجی و تحدید دامنه عمل آنها، نقض حقوق این تشکل‌ها در عرصه قوانین و به‌سایر اقدامات کارشکنی در جریان تأیید قانونی مضمون انقلابی آنها صورت گرفته است. این گونه تلاش‌ها هم از جانب دشمنان آگاه (ضد انقلاب، لیبرالها و قشرون انقلابی) و هم از جانب دوستان ناآگاه یعنی از جانب برخی عناصر و محافل داخل در طیف نیروهای مسلمان سازر پیرو خط امام چه در داخل حاکمیت و چه خارج از آن (نظیر انجمن‌های اسلامی) انجام گرفته و همچنان می‌گیرد. از آنجا که جنبش اختلاصی در طول ماه‌های اخیر بشدت بیشتر و دامنه وسیع تری یافته است ما می‌کوشیم تا این گونه اقدامات را که ناظر بر نقض حقوق و آزادی‌های سندیکایی کارگران کشورمان است، در هر ۴ زمینه‌ای که فوقا اشاره کردیم بطور احمالی مورد بررسی قرار دهیم.

۱- کوشش در جهت انحلال و فروپاشاندن شوراها از پس از پیروزی انقلاب

تاکنون شوراها ی زیادی به بهانه‌های گوناگون منحل و متلاشی شده‌اند. شوراها ی اکثر واحدهای تولیدی گیلان شوراها ی واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی در تبریز نظیر ماشین سازی، تراکتورسازی لیفت تراک و کبریت توکلی، شوراها ی واحدهای صنعتی مهمی در اراک نظیر ماشین سازی و آلومینیوم سازی، شوراها ی چندین واحد تولیدی و خدماتی در بندرعباس نظیر کشتی سازی، ایثار کو و صنایع فولاد، و شوراها ی واحدهای تولیدی - خدماتی دیگری در سایر نقاط کشور از آن زمره‌اند. این شوراها اکثرا به بهانه‌های واهی نظیر "ضد انقلابی بودن"، "چپی بودن" و "دخالت در کار ارگان‌های اجرایی حکومتی" منحل شده‌اند. جای تردید نیست که امکان نفوذ عناصر ضد انقلابی، اخلاصگر، چپ‌رو و آنا رشیست در صفوف انقلابی کارگران در شوراها وجود داشته است و نیز نمی‌توان انکار کرد که شوراها در برخی از زمینه‌ها از جمله به ویژه در زمینه مشارکت در اداره تولید و زیاده‌روی‌ها و افراط کاری‌هایی داشته‌اند. لیکن هیچگاه نمی‌توان و نباید به دلیل نفوذ چند عنصر اخلاصگر یا ضد انقلابی به درون صفوف کارگران در شوراها و یا به علت زیاده‌روی‌هایی که در این یا آن زمینه از فعالیت وجود داشته است، حکم به انحلال شورا داد و اصل موجودیت و مشروعیت انقلابی و قانونی آن را مورد انکار قرار داد. انحلال شوراها به معنای نقض یکی از ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین حقوق صنفی و اجتماعی کارگران دایر بر حق ایجاد آزادانه و داوطلبانه تشکل‌های صنفی‌شان است. این قبیل اقدامات اصل ۲۶ اساسی‌ترین وجوه آن یعنی در زمینه حق برخورداری کارگران از تشکل صنفی، نقض می‌کند. این تلاش‌ها نافی اصول معتبر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی است و به ویژه ماده ۷

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر
پشتیاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



از صفحه ۶

اقدام علیه شوراها...

آن را که می‌گوید: است به‌گونه‌ای که مدیریت کارگران حق دارند در رابطه با کلیه مسائل مورد علاقه خود، بدون اجازه قبلی آزادانه گرد هم آیند و آزادانه بحث و ابـراز عقیده بپردازند " و ماده ۲ آن را که تاکید می‌نماید: " کارگران از جمله کارمندان دولت حق دارند بدون اجازه یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان، سندیکا تشکیل دهند به سازمان‌های سندیکایی موجود بپیوندند و در هرگونه فعالیت سندیکایی شرکت نمایند " بطور آشکار و صریح نقض می‌کند.

متأسفانه هم‌اکنون نیز کوشش‌هایی بعمل می‌آید تا برخی از شوراها و واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی را در برخی از نقاط کشور متلاشی کنند. از آن جمله است شوراها و کارخانجات ذوب آهن اصفهان و نورد اهواز. شورای کارخانه ذوب آهن اصفهان در طول بیش از دوسال حیات پربار خود از یک سو نقش بسزایی در دفاع از انقلاب و عقیم گذاشتن اقدامات توطئه‌گرانه لیبرالها به‌ویژه تشبیهات آنها در زمینه تثبیت طرح توسعه‌گازی ذوب آهن داشته است (که در این گسترده خدمات کمیته خودکفایی شورا شایان توجه است) و از سوی دیگر تلاش‌های ایثارگرانه‌ای در راه بهبود شرایط کار و معیشتی کارگران بعمل آورده است که در این عرصه می‌توان از رسمی کردن بیش از یک هزار و چهارصد کارگر ساختمانی تاسیسات ذوب آهن، تنظیم طرح طبقه‌بندی مشاغل و گرفتن حق سختی کار برای کارگران قسمت بهره‌برداری توسط شورا نام برد. لیکن متأسفانه با وجود کارنامه‌ای چنین درخشان، شورای مرکزی و شوراها و کمپلکس‌ها و واحدهای مختلف دو قسمت ساختمانی و بهره‌برداری ذوب آهن، هم‌اکنون در معرض انواع فشارها و تضيقات مکرر از سوی مدیریت جدید و اتحادیه انجمن‌های اسلامی این واحد بزرگ تولیدی است. در طول هفته‌های اخیر اینگونه اقدامات اخلاک‌گراانه ابعاد وسیع‌تر و شدت بیشتری یافته

همچنان می‌گیرد. در بسیاری موارد تلاش‌هایی که در جهت مسخ و محدودکردن دامنه عمل شوراها صورت گرفته به انحلال و تلاشی آنها نیز منجر شده است. این تلاش‌ها نیز از دو سو صورت می‌گرفته است یکی از سوی لیبرالها (بخصوص در دوران دولت موقت کام به کام) با مضمون انکار نقش شوراها در دفاع از انقلاب و در تجهیز و به صحنه آوردن توده‌های وسیع کارگران کشورمان در میدان‌های نبرد انقلابی و به‌ویژه با مضمون نفی وظائف شوراها در گستره تامین مشارکت کارگران در اداره تولید. و دیگری از سوی برخی نیروها و محافل متعلق به طیف هواداران خط امام چه در حاکمیت و چه خارج از آن (نظیر برخی از انجمن‌های اسلامی) با مضمون نفی وظایف شوراها در زمینه‌بهدود شرایط کار و معیشتی کارگران، با این تعبیر که هرگونه کوششی در این عرصه " حرکت در خط رفاه‌طلبی " است. اما علی‌رغم شکست توطئه لیبرالها در مسخ ماهیت و مضمون واقعی شوراها از سویی و پیدایش و رشد عناصر مثبت در چگونگی نگرش نیروهای خط امام به شوراها (که در شماره اخیر کار آن را مورد بررسی قرار دادیم) از سوی دیگر

متأسفانه برخی از شوراها و واحدهای تولیدی - خدماتی همچنان در اثر تحریکات ضدکارگری و ضد - شورایی مدیریت یا از محتوی واقعی خود دور شده و یا دامنه عطشان محدود گشته است. نمونه بارز آن کارخانه شیشه و گاز است. همچنانکه در روزنامه اطلاعات (۱۹ آذرماه) آمده است:

" در برخورد با کارگران و نمایندگان شورا و انجمن اسلامی، رفتار مدیریت، کارفرما منشاءه و مستگیرانه و همراه با اهانت و تهدید به اخراج و جریمه و غیره می‌باشد. شیوه عملکرد مدیریت مانع فعالیت شورا و انجمن اسلامی در کارخانه است ... "

این قبیل اقدامات در ماهیت امر نقض اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی و نقض آشکار و جدی روح و جوهر اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی و به‌ویژه مواد ۲۰ و ۲۱ و ۵۰ و ۵۱ آن است که به ترتیب مقرر می‌دارند:

ماده ۲۰ " سازمان‌های سندیکایی حق دارند به منظور دفاع از منافع و حقوق کارگران در تدوین سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شرکت کنند و در

مورد هر مسأله‌ای که با منافع و حقوق کارگران ارتباط دارد، اظهارنظر نموده و دست به اقدام مقتضی بزنند

ماده ۲۱ " سازمان‌های سندیکایی حق دارند در مورد دستمزدها و شرایط کار و زندگیشان با کارفرمایان و از جمله مقامات دولتی به مذاکره بنشینند و با آنها در مورد یک یا چند حرفه چه محدود و چه در مقياس ملی، قراردادهای دسته‌جمعی منعقد سازند "

ماده ۵۰ " کارگران و سازمان‌های سندیکایی‌شان به منظور انجام وظایف خود به عنوان نمایندگان حافظ منافع کارگران حق دارند اطلاعات قابل رسیدگی و مشخصی را دربارۀ عملکرد سود، طرح‌های سرمایه‌گذاری، تولید، طرح‌های توسعه یا مدرنیزه کردن آن موسسه دریافت دارند و یا خواهان این اطلاعات باشند "

ماده ۵۱ " سازمان‌های سندیکایی حق دارند در تعیین سیاست‌های اقتصادی، مالی و فنی محل کارشان نظارت دمکراتیک داشته باشند "

پاسخ مشکلات صنفی کارگران شرکت راه دژ تشکیل شورا است

نه اجرای ماده ۳۳

خود و تحقق اهداف صنفی و انقلابی‌شان است. وزارت کار جمهوری اسلامی ایران نیز باید با صراحت بخشدید به ماده ۱۸ آئین‌نامه شوراها، در جهت تثبیت قانونی شوراها (و یا هر شکل صنفی دیگر) در واحدهای ساختمانی، همه کارشناسی‌هایی را که تاکنون توسط اداره کار مناطق مختلف علیه شکل کارگران ساختمانی صورت گرفته است خنثی نماید و همچنین بر عهده اداره کار و امور اجتماعی گیلان است که به مطالبات قانونی و مشکلات صنفی و رفاهی برحق کارگران راه‌دژ پاسخی درخسپور و شایسته انقلاب بدهد و به نوبه خود در تحکیم پایه‌های اجتماعی انقلاب گامی موثر بردارد.

خواست‌های برحق و منطقی خود با این منطق خودسرانه روبرو می‌شوند که " این شرکت تابع هیچ قانونی نبوده و نخواهد بود هر کس می‌خواهد کار بکند، می‌خواهد نکند... " و در همین رابطه تاکنون عده‌ای از کارگران مبارز شرکت به انواع بهانه‌ها و اتهامات ساختگی اخراج شده‌اند. البته مسئولین شرکت با این اقدامات ضدکارگری و اخراج‌های خودسرانه نشان داده است که به یک " قانون " پای‌بند است و آن ماده ۳۳ قانون کار آریامبری است که تجلی خودکامگی کارفرمایان است در چنین شرایطی وظیفه مقدم کارگران مبارز شرکت راه دژ تشکیل یک انجمن صنفی (شورا یا سندیکا) برای تاهس یکپارچگی صفوف

● " راه‌دژ، یک شرکت جاده‌سازی است و هم‌اکنون کار ساختمان جاده چوکام - رضوانشهر را برعهده دارد. کارگران این شرکت با وجود سختی طاقت‌فرسای کار راهسازی از ابتدایی‌ترین حقوق صنفی - رفاهی نیز محروم‌اند. آنان نه دفتر بیمه دارند و نه از بهداشت تغذیه مناسب و وسائل لازم جهت ایمنی کار برخوردارند. اخیراً به علت نبود وسائل ایمنی کار، کارگری به شدت مجروح شد و از طرف مسئولین شرکت نیز حتی اقدامی در جهت رساندن او به دکتر و درمانگاه صورت نگرفت

کارگران راه‌دژ وقتی مشکلات صنفی خود را با مسئول شرکت در میان می‌گذارند، با بی‌اعتنایی او مواجه می‌شوند و در مقابل

ما توجه مسئولین امور را به این موارد جدی نقض حقوق سندیکایی کارگران کشورمان جلب نموده و از مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهیم که با اتخاذ تدابیر جدی یا هرگونه اقدامات تشخیصی در مورد شوراها مقابله نموده و در واحدهایی که شوراهاشان منحل گشته‌اند زمینه‌های تجدید تشکیل آنها و از این طریق شرایط احیای حقوق سندیکایی کارگران این واحدها را فراهم نمایند.

۲ - کوشش در جهت مسخ و تحدید دامنه عمل شوراها

در کنار اقداماتی که متوجه انحلال شوراها بوده است، تلاش‌هایی نیز به منظور مسخ محتوی و تحدید دامنه عمل شوراها انجام گرفته و

اخبار روستائی

خرم آباد -

با اجرای بند (ج، و) د، تولیدات کشاورزی را افزایش دهیم

در روستای آزادبخت از نواح بخش کوهدشت بر سر حفر چاه نمیق و استعاده از آن بین دهقانان کم زمین و بی زمین و افراد مرفه روستا اختلاف نظر بروز کرده و رزمتکشان روستای نامهای که برای جهاد طای نامهای هیات هفت نفره واگذاری زمین و اداره آبیاری لرتسان مرستادند. ضمن اعلام حمایت خود از رهبر انقلاب و رزمندگان جبهه‌های جنگ اظهار داشتند:

"ما ساکنین روستاهای فقیر آزادبخت علیا و سفلی که در گذشته بر اثر وجود نابرابری‌ها زمین‌ها آنطور که باید و شاید تقسیم نشده‌اند و این امر موجب گردیده است که اکثر کشاورزان از کار و شغل خود دلسرد گشته و آوارده شهرهای بزرگ جهت تأمین مخارج زندگی خود گردند در شرایطی که کشور عزیز ما در محاصره

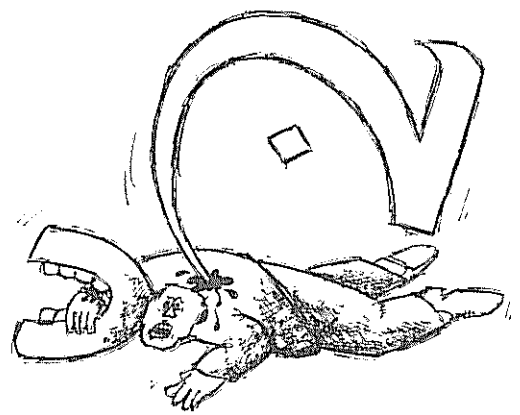
اقتصادی امریکای جهان‌خوار و کشورهای مزدور منطقه می‌باشد از طرفی بنا به امر امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی کشاورزان باید تمامی هم و گوش خود را جهت هرچه بیشتر خودکفانمودن کشور از لحاظ تولید کشاورزی بنمایند. ما نیز ضمن پشتیبانی از تمامی افرادی که جان خود را نثار این آب و خاک می‌کنند، خواستار اجرای هرچه سریع‌تر بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی اعزام هیات‌های هفت نفری به منطقه و رسیدگی به مساله حفر چاههای عمیق می‌باشیم"

دورود -

مبارزات دهقانان زحمتکش علیه زمین داران بزرگ و برای به اجرا در آوردن

بند (ج، و) د، اوج می‌گیرد

روستای حشمت‌آباد در شرق شهرستان دورود قرار



دارد زمین‌های این روستا در زمان رژیم منور پهلوی توسط فئودال معروف منطقه و با حمایت دستگاههای دولتی شاه غصب گردیده بود. پس از پیروزی انقلاب زحمتکشان روستا درصدد مصادره این زمین‌ها برآمدند، اما فئودال مزبور با حيله و نیرنگ و پشتیبانی دولت لیبرال وقت موفق شد جلوی این کار را بگیرد. سرانجام در آبان ماه گذشته دهقانان زحمتکش پس از تحمل سالها فشار و ظلم و ستم خان به دلیل عدم اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی کاسه صبرشان لبریز شده و بطور دسته‌جمعی اقدام به مصادره و کشت زمین‌های غصب‌شده خود می‌نمایند.

فئودال مزبور نیز با حمایت ضمنی ژاندارمری و کک و همراهی دیگر فئودالهای منطقه با دسته‌های تفنگدار به روستا می‌ریزند تا زمین‌ها را پس بگیرند. اما دهقانان بلافاصله سپاه پاسداران انقلاب را در جریان امر قرار می‌دهند که سپاه نیز فوراً در روستا حاضر شده و تفنگداران روستا را متواری می‌گرداند. ژاندارمری محل به این حرکت سپاه اعتراض می‌کند که سپاه در پاسخ می‌گوید شما نباید در این مسائل دخالت کنید و رسیدگی به این امور در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب است.

* روستای ترشاب در مجاورت حشمت‌آباد قرار دارد. چند روز پس از مصادره زمین‌های فئودال حشمت‌آباد توسط دهقانان اهالی ترشاب نیز درصدد مصادره زمین‌های فئودال روستای خود برمی‌آیند و پس از شور و مشورت با هم بطور دسته‌جمعی اقدام به مصادره و کشت این زمین‌ها می‌نمایند. آنان بطور مساوی هر فرد سه گونی (برابر با ۲۷۰ کیلوگرم) بذر روی زمین‌ها کاشته و قرار می‌گذارند که هنگام برداشت نیز محصول را بطور مساوی بین خود تقسیم کنند.

* روستای بهرام‌آباد در ۸ کیلومتری شمال غربی دورود واقع بوده و حدود ۱۰۰۰ هکتار از بهترین زمین‌های آن در زمان رژیم گذشته توسط فئودال منور ده غصب شده بود. دهقانان کم‌زمین و بی

زمین روستا که بارها برای تعیین تکلیف این زمین‌ها به ادارات و ارگان‌ها مراجعه کرده و نتیجه‌ای نگرفته بودند. سرانجام پس از شور و مشورت با یکدیگر، در اواخر مهرماه گذشته اقدام به مصادره زمین‌های مزبور می‌کنند. فئودال ده پس از این واقعه به امام جمعه دورود مراجعه می‌کند و موفق می‌شود از او فتاوی‌ای به پس‌دادن زمین‌ها را بگیرد و دهقانان زحمتکش را وادار کند تا زمین‌ها را دوباره به فئودال بدهند. زحمتکشان روستا نتوانستند تقسیم و تسلیم دادگاه انقلاب درود نموده و همچنان در انتظار رسیدگی به خواست خود می‌باشند.

جهادآباد نامی آشنا برای دهقانان زحمتکش حیرت و کهنوج

"جهادآباد" نام روستایی است که توسط هیات هفت نفره واگذاری زمین حیرت بوجود آمده است. این روستا که درفاصله ۴۰ کیلومتری حیرت و در نزدیکی محور اسفالت حیرت کهنوج قرار گرفته است، مجموعه‌ای است از ۱۸ واحد مشاع کشاورزی که حدود ۲۰ خانوار از دهقانان زحمتکش را در خود جای داده است هر مشاع مبلغی وام از هیات واگذاری زمین حیرت دریافت داشته تا نسبت به حفر چاه و خرید تراکتور اقدام کند موتور پمپ و تراکتور مورد نیاز مشاع توسط هیات واگذاری زمین حیرت و به قیمت تمام شده تأمین می‌گردد.

اکثر مشاع‌ها در سال جاری قسمتی از زمین‌های خود را بر کشت بردند و توانستند

محصول خود را به بازار عرضه کنند. درآمد برخی از مشاع‌ها نسبتاً چشمگیر بود. تنها مشاع‌ها و دهقانان کم‌زمین در سال جاری از سیاست کشت‌شورای کشت حیرت تبعیت کرده و قسمت عمده زمین‌های ناچیز خود را زیر کشت گندم بردند. در مقابل، بزرگ مالکین منطقه زمین‌های خود را زیر کشت حبوبات و صیفی که سودآورترین کشت منطقه است برده و برای خنثی کردن اقدامات شورای کشت حیرت قبلاً "مجوز" های لازم را از برخی از مراجع کسب کرده بودند.

"جهادآباد" هم‌اینک نمونه گویایی از اتحاد و یگانگی و همکاری و تعاون دهقانان زحمتکش است که در کنار زمین‌های بسزرگ مالکینی چون "غلامحسین خان مهبی" برپا گردیده است. زالوصفتی که به هنگام شروع کار هیات واگذاری زمین حیرت چنان از ترس خشم انقلاب بر خود لرزیده بودند که یک ده شش دانگ را برای تقسیم بین دهقانان "پیشکش" کرده بودند. و به محض توقف اجرای بندهای "ج" و "د" اصلاحات ارضی نه تنها "پیشکشی" خود را پس گرفتند بلکه با حفر تعدادی چاه غیرمجاز، زمین‌های موات جدیدی را هم تصاحب نمودند.

اکنون دهقانان زحمتکش منطقه هم‌صدا با هیات ۷ نفره واگذاری زمین و سایر نهادهای انقلابی حیرت از مسئولان می‌خواهند که با اجرای هرچه سریع‌تر بندهای "ج" و "د" اصلاحات ارضی کاح ظلم بزرگ‌مالکان و خوانین را درهم شکنند و صدها "جهادآباد" در دل اراضی بزرگ مالکین برپا کنند.

دهقانان زحمتکش!

با افزایش تولیدات خود کشتزارها را
به سنگری دیگر علیه امپریالیزم امریکا
و رژیم جنایتکار صدام تبدیل کنید

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

درسوگ وحلت پیامبر اسلام، امام دوم و هشتم شیعیان جهان مردم خروش برداشتند مرگ بر آمریکا

در حاشیه تظاهرات افغانه فراری

تا وقتی قطب زاده بود هیچ غصه نبود

مردم با خشم و اعتراض می گفتند :
" اگر اینها " ضد انقلاب شان هستند اینجا چه می کنند ؟ ! "

حافظ حاکمیت قانون در سرزمین اسلامی مان بوده و با قاطعیت هر چه بیشتر از قانون شکنی ها و تخلفات جلوگیری کنند .
در قطعنامه راهپیمایی همچنین اقدام اوباشانه و تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی اسرائیل مبنی بر انضمام بلندی های جولان به خاک این کشور به شدت محکوم گردیده است .

متأسفانه در طول مراسم ، محاملی تلاش کردند که با شعارهای انحرافی ، شیطان بزرگ آمریکا را از رب خارج سازند . انعکاس این تلاش ها ، در بندهای آخر قطعنامه نیز مشهود است .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سالگرد رحلت پیامبر بزرگوار اسلام امام دوم و امام هشتم شیعیان جهان را به پیشگاه ملت ایران و حضور امام خمینی رهبر انقلاب تسلیت می گوید .

آگاهی مردم زحمتکش میهنمان است که در هر شرایطی عزم خود را مبنی بر پشتیبانی از آماج های انقلاب و خشم و نفرت نسبت به امپریالیسم آمریکا دشمن غدار مردم ایران ابراز می دارند .
در قطعنامه این مراسم که در ۱۱ ماده تنظیم شده بود بار دیگر بر پشتیبانی مردم از امام خمینی و روحانیت مبارز پیرو خط امام تأکید شد .
جنگ به مثابه مسئله اصلی عنوان گردید . از برگزاری هفته وحدت به پیشنهاد آیت الله منتظری پشتیبانی شد و یکبار دیگر مبارزه جدی علیه محتکرین و گرانفروشان و در راه انقلاب اداری خواسته شد .

راهپیمایان یکصدوا هان اجرای کامل قانون و مبارزه با قانون شکنان شدند . در قطعنامه مراسم گفته شده است :
" ما بر اساس فرمان امام امت که امسال را سال قانون نامیدند ، از مسئولین جمهوری اسلامی می خواهیم

• به مناسبت بیست و هشتم صفر سالروز رحلت پیامبر اسلام و امام دوم و امام هشتم شیعیان جهان ، بار دیگر مردم هوشیار و همیشه بیدار ایران به خیابان ها آمدند . حضور یکپارچه توده های زحمتکش در شهرهای مختلف ایران ، این بار نیز شکوه خاصی داشت و عجز و زبونی در دل دشمنان انقلاب و امید و آرزو و خوشبینی را در قلب های مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برانگیخت .

در تهران چون همیشه مردم زحمتکش در دسته های بی شمار به سوی دانشگاه تهران روانه شدند . تصاویر امام خمینی رهبر انقلاب این بار نیز در اوج خروشان خلق بر دستها بود و از پیوند عمیق مردم با امام خبر می داد .

این مراسم که یک آئین سنتی - مذهبی در سوگ و تجلیل پیامبر اسلام بود ، به نمایش سیاسی - انقلابی شکوهمندی بدل شد . این یکی از برکات این انقلاب عظیم و نشانه بیداری و

• بالاخره امسال هم با هر حقه بازی و کلکی بود ساریوی امریکایی تظاهرات افغانه در چند خیابان تهران به نمایش گذاشته شد . نمایش امسال بر خلاف سالهای گذشته رنگ و لعاب چندانی نداشت ، گرچه نفس خود نمایش برای هر انقلابی و میهن پرست سرافکنده بود و جای تأسف داشت . هشاری مقامات جمهوری اسلامی و روشدن دست های پلید سرکردگان ضد انقلابی افغانه فراری و نیز تار و مار شدن متحدین و حیزات اصلی این ضد انقلابیون در درون حاکمیت جمهوری و بالاخره ارتقاء و آگاهی های مردم و آشنایی آنان با اینگونه توطئه ها ، همه وهمه در افشا و بی اعتباری تظاهرات دخالت داشت . و این همه را

ببیننده می توانست در نگاههای خشکین و عصبی مردم ، در صفوف پراکنده و از هم گسیخته تظاهرکنندگان دریابد .
برگزارکنندگان تظاهرات چهارده (بله چهارده) گروهک افغانی - امریکایی بودند که با هزار زحمت چند صد نفر افغانی را (عموماً فریب خورده و بی خبر از ماجرا) گرد آورده بودند . البته باید حق داد که کار مجریان تظاهرات امسال مشکلتر از سالهای پیش بود در سالهای گذشته این آقایان همه چیز را در اختیار داشتند :
در وزارت کشور که عهده دار طرح ریزی و اجرای برنامه ها بود ، جناب صباغیان را داشتند . در وزارت خارجه که وظیفه

نژور جنایتکارانه استکی و بشارت ، نمایندگان مجلس آمیزه ای از جنون ، خیانت و انتقام جوئی کور

بنی صدر و دیگر ناله هایش را به جولان در می آورد . تا آمیزه های کور ، چون ترور جنایتکارانه استکی و بشارت بیابینند .
انقلاب ، تروریسم کور و جنایتکارانه را در هم خواهد شکست . در این هیچگونه تردیدی نیست . جنایاتی از این دست تنها اراده مردم ما را در دفاع از جمهوری اسلام استوارتر می کند و به قول امام خمینی " ملت ما را بیدارتر می کند " !
در همین حال این جنایت یکبار دیگر اهمیت خطیر وظیفه ای را که مسئولین انتظامی در حفظ جان مقامات جمهوری اسلامی ایران دارند نشان می دهد .
ما ترور جنایتکارانه استکی و بشارت ، نمایندگان مجلس را قویا محکوم می کنیم و فقدان آنان را به مردم ، رهبر انقلاب امام خمینی و به خانواده این شهدا صمیمانه تسلیت می گوئیم .

اسلامی علیرغم همه توطئه ها ، تجاوزات و جنایاتی که علیه آن صورت گرفته و می گیرد ، به پشتوانه توده های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا ، این صاحبان واقعی انقلاب همچنان در راه شگوفایی به پستی می تازد و هر روز ضربه مرگبار تازه ای بر ارتجاع جهانی و جبهه براندازی سرکردگی آمریکا فرود می آورد .
تروریسم کور ، جنایتکارانه و جنون زده ، عکس العمل باسآلود دشمنان انقلاب ایران در برابر شگوفایی روزافزون انقلاب ایران است دشمن که قادر نیست سرمنشأ نیرومندی و شگوفایی جمهوری اسلامی ایران ، توده های دهها میلیونی شهر و روستا را از پا در آورد به ترور شخصیت ها روی آورده است .
ایرانی جنایتکار تروریست و خرابکار تربیت می کند و مستقیماً به داخل کشور گسیل می دارد . جنایتکارانی مانند رجوی - خیابانی را به تشدید خیانت و اعمال جنایتکارانه تشویق و ترغیب می کند

هنوز مجلس شورای اسلامی در شهادت استکی ، نماینده مردم شهرکرد ، که در ترور جنایتکارانه مشهد به شهادت رسید ، سوگواری است که تروریسم کور جنایت تازه ای آفرید حجت الاسلام بشارت نماینده سمرق و دهقان در سه شنبه ۷ دیماه ، هدف تروریست های جنایتکار فرار گرفت و به شهادت رسید .
انقلاب مردم ایران ، مملکت ترین ضربه ای بود که در دهه های اخیر بر پیکر در حال تلاشی ارتجاع جهان سرگردگی امریکای جنایتکار وارد آورد . این ضربه مرگبار در یکی از حیاتی ترین مناطق تحت سلطه امپریالیسم ، نافوس مرگ " شیطان بزرگ " و ناله های آن را به صدا درآورد و در طین خود به بیداری خلقهای تحت ستم منطقه اوجوسی تازه بخشید .
سرمنشأ نفرت و خشم لجام گسیخته امپریالیسم و ناله های آن نسبت به جمهوری اسلامی ایران در این حقیقت بزرگ نهفته است در این حقیقت نهفته است که جمهوری

در این میان لازم است خاطرنشان سازیم که در میان تظاهرکنندگان کهگاه چهره دانش آموزان دختر و پسر مصصومی هم دیده می شد که از مدارس مختلف آن هم در ساعات اداری به تظاهرات آورده شده بودند که شوروی را به میان کشند تا شعار مرگ بر امریکا فراموش شود .
حرف های مردم هم شنیدنی بود که همه تقریباً یک حرف داشتند و می گفتند " راستی ، اگر این آقایان ضد انقلاب شان هستند اینجا چه می کنند ؟ ! " و این سوال مردم خود حاوی یک پرسش عمیق تری از مقامات جمهوری اسلامی بود مگر در بین مجاهدین " افغانی ، انقلابی هم وجود دارد ؟ ! "

در این میان لازم است خاطرنشان سازیم که در میان تظاهرکنندگان کهگاه چهره دانش آموزان دختر و پسر مصصومی هم دیده می شد که از مدارس مختلف آن هم در ساعات اداری به تظاهرات آورده شده بودند که شوروی را به میان کشند تا شعار مرگ بر امریکا فراموش شود .
حرف های مردم هم شنیدنی بود که همه تقریباً یک حرف داشتند و می گفتند " راستی ، اگر این آقایان ضد انقلاب شان هستند اینجا چه می کنند ؟ ! " و این سوال مردم خود حاوی یک پرسش عمیق تری از مقامات جمهوری اسلامی بود مگر در بین مجاهدین " افغانی ، انقلابی هم وجود دارد ؟ ! "

ریگان علیه لهستان نیز به تحریم اقتصادی متوسل شد

برخلاف تبلیغات امپریالیسم زحمتکشان لهستان از اقدامات قانونی و قاطع دولت پشتیبانی کرده و اوضاع در لهستان به حالت عادی باز می‌گردد.

در حالی که اوضاع بحرانی لهستان به تدریج به حال عادی بازمی‌گردد، رونالد ریگان در سخنرانی افترا آمیز خود در مورد وقایع لهستان که از شبکه سراسری تلویزیون آمریکا پخش شد، گفت دولت متبوعش روابط مهم اقتصادی با لهستان را به حالت تعلیق درمی‌آورد. او از متحدان غربی‌اش نیز خواست که از صدور تکنولوژی پیشرفته به لهستان خودداری کرده و در محاصره اقتصادی لهستان از آمریکا تبعیت نمایند! نخست‌وزیر ژاین نیز پس از سخنرانی ریگان گفت: "کشورش همگام با آمریکا در محاصره اقتصادی دولت نظامی لهستان شرکت نخواهد کرد."

چنین واکنشی از جانب امپریالیسم آمریکا نسبت به رویدادهای لهستان بسیار قابل فهم است. طی نزدیک به یکسال و نیم که از آغاز بحران در لهستان می‌گذرد، امپریالیسم آمریکا و سایر متحدین آن در ناتو کوشیده‌اند با دخالت در امور داخلی کشور مستقل لهستان، مسئله داخلی لهستان را بین‌المللی کنند و از حوادث لهستان برای تشدید تنش‌جات بین‌المللی استفاده نمایند. آنها طی بیش از یکسال با تبلیغ پیرامون خطر دخالت شوروی در لهستان سعی نمودند اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را لکه‌دار سازند. آنها از اینکه امروز نقشه خود را علیه مردم لهستان شکست خورده می‌یابند در کمال بی‌شرمی با انتشار اخبار سراپا دروغ در مورد وقایع لهستان تمام خوی و خصلت تجاوزکارانه و ضد مردمی خود را به نمایش گذاشته‌اند.

روزنامه پراودا در تفسیری پیرامون وقایع هفته اخیر لهستان نوشت:

دشمنان سوسیالیسم در تحقق نقشه اضمحلال سوسیالیسم در لهستان که با دقت طراحی شده است، با عدم موفقیت روبرو شدند. رسانه‌های دروھی ارتجاعی از آن جهت به حالت جنون و دیوانگی دچار شده‌اند که حساب‌های امپریالیست‌ها برای خارج کردن لهستان از خانواده کشورهای سوسیالیستی برادر به‌کلی غلط از آب درآمده و شکست قطعی می‌خورد."

همچنین ژنرال یاروزلسکی، نخست‌وزیر لهستان در پیام به مناسبت عید کریسمس به مردم لهستان گفت:

"... اکنون پروسه از هم‌پاشیدگی کشور متوقف و به‌هرح و مرج پایان داده شده و امنیت و مصونیت شهروندان بالا رفته است."

یاروزلسکی گزارش‌های رسانه‌های گروهی غرب را درباره دهها و صدها قربانی و نگهداری هزاران بازداشت شده در سرما و ضرب و شتم مردم نادرست خواند و گفت:

"دیر یا زود تمام جهانیان از حقیقت حوادث لهستان مطلع خواهند شد."

همزمان با گسترش روند عادی شدن اوضاع در لهستان که از پشتیبانی مجدانه زحمتکشان لهستان برخوردار است، علاوه بر تحریم اقتصادی اعلام شده از جانب ریگان، امپریالیسم غربی در این هفته به نحو جنون آمیزی مبادرت به انتشار اخبار سراپا دروغ در مورد لهستان نمود. در همین رابطه دستگاه دروغ‌پراکنی امپریالیسم

انگلیس، بی‌بی‌سی روزانه ۴۵ دقیقه به برنامه‌های لهستانی خود افزود. این رسانه‌ها اخباری مبنی بر کشتار صدها نفر و اغرام هزاران نفر به اردوگاه‌های کار در شوروی و جکسلواکی، تانک‌های شوروی که در جنگل‌های اطراف ورشو پنهان شده‌اند! و ارسال صد هزار دست لباس نظامیان لهستانی برای استفاده سربازان شوروی که گویا قرار است به لهستان وارد شوند، منتشر ساختند.

رادیوی "اروپای آزاد" که توسط سیا و وزارت خارجه آمریکا اداره می‌شود، بیست و چهار ساعت مردم لهستان را به شورش علیه دولت قانونی دعوت می‌کند. و فرستنده‌های رادیویی در کسولگری‌های آمریکا در کراکو و پوزنان مدام اخبار جعلی و تحریک‌آمیز برای مردم پخش می‌نمایند. همه این وقایع تنها مویذ یک چیز است. و آن اینکه آقایان رهبران اتحادیه همبستگی که براساس اسناد موجود برای نابودی سوسیالیسم در

لهستان با سازمان‌های حاسوسی آمریکا و غرب روابط بسیار حسنه بهم زده بودند، هیچ عادی برای به‌قدرت رسیدن در لهستان ندارند و هر روز بیشتر از جانب مردم لهستان طرد می‌شوند. این وقایع بی‌شابهت به رویدادهای سال اول انقلاب ایران نیست. در آن هنگام نیز لیبرال‌ها مخعبانه با برژیژسکی و سایر عمال اطلاعاتی آمریکا روابط حسنه داشته و برای نابودی انقلاب سوطه چینی می‌کردند و زمانی که توسط مردم به‌ریسر کشیده شدند و توطئه‌هایشان ناکام ماند، امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران دست به تحریم اقتصادی زد و دستگاه‌های امپریالیسم غربی برای منزوی ساختن ایران نا توانستند اخبار مجعول انتشار دادند. اکنون همان وقایع در سطحی و وسیع‌تر در مورد لهستان تکرار می‌شود. امروز تمام مردمی که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند، در شکست توطئه‌های امپریالیسم علیه مردم لهستان، سرکوب ضدانقلاب داخلی و تحکیم میانی سوسیالیسم در این کشور دارای منافع مشترکی هستند. حمایت از اقدامات قانونی و قاطع دولت مستقل لهستان، پشتیبانی از صلح و عدالت اجتماعی است.

سفیر پناهنده شده لهستان جاسوسی «سیا» و «موساد» بود!

خبرگزاری لیبی-جانا: سفیر سابق لهستان در آمریکا «اسپاسوسکی» که در هفته گذشته از آمریکا تقاضای پناهندگی کرده، برای سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و سازمان جاسوسی رژیم اشغالگر فلسطین (موساد) جاسوسی می‌کرده است.

به گزارش این خبرگزاری، اسپاسوسکی در جریان انتقال آپشن از سران نازی آمریکای جنوبی به کشور اشغالگر فلسطین، دست داشته است.

ورود به آمریکا

واحد مرکزی خبر بنقل از خبرگزاری یونایتد پرس گزارش داد: سفیر سابق لهستان در ژانن روز گذشته وارد واشینگتن شد. «روزیسلاورواژ» سفیر لهستان در ژانن که به آمریکا پناهنده شده، روز گذشته بوسیله یک هواپیمای وارد فرودگاه واشینگتن شد. ماموران «اف.بی.ای» بطور مخفیانه وی و همسرش و دختر ۲۵ ساله‌اش را از فرودگاه دور کردند تا خبرنگارانی که منتظر وی بودند متوجه او نشوند. پناهنده‌گی سفیر سابق لهستان در ژانن دهی پناهنده‌گی سفیر لهستان در واشینگتن به آمریکا صورت می‌گیرد. قبلا یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته بود به روراز و همسرش پناهنده‌گی سیاسی در آمریکا داده شده است.

تفاله‌های

امریکا

با اقدامات قاطع دولت

سوسیالیستی لهستان به

خانه ارباب پناه

می‌برند



توکيو - ۲۴ دسامبر ۱۹۸۱: روراز و والسا در کنار هم - این عکس کهن تاریخ ۱۶ می ۱۹۸۱ گرفته شده است، روراز سفیر لهستان در ژانن را در کنار لخواسا نشان میدهد. روراز اخیراً از آمریکا تقاضای پناهنده‌گی سیاسی کرده و بریتش همراه همسر و دختر خود، از ژانن وارد آمریکا شد در فرودگاه، ماموران امنیتی سفیر پناهنده شده لهستان را بدور از دیدن خبرنگاران، از محوطه فرودگاه به محل نامعلومی بردند.

کمیته های ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اقدام نفاق افکنانه و توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی را محکوم می کنند

همانگونه که در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است عناصری که به سرپرستی علی کشتگر و دوست او دکتر هلیل رودی علیه سازمان به اقدامات توطئه گرانه دست زدند که برای اینکه بتوانند عنوان "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" را به سود خود جعل کنند، و این توهم را در اذهان بوجود آورند که گویا موفق شده اند سازمان را بشکنند به این دروغ بزرگ متوسل شده اند که گویا کمیته های ایالتی سازمان نمایندگانی انتخاب کرده اند و برای شرکت در این توطئه به تهران فرستاده اند. این یک دروغ عاجزانه و مضحک است این عناصر نه کمیته مرکزی را از اهداف و نقشه های خود مطلع ساخته اند و نه هیچیک از کمیته های ایالتی سازمان را. کمیته های ایالتی همصدا با کمیته مرکزی سازمان در سراسر ایران این شیوه توطئه گرانه و ماهیت ضدانقلابی عمل این عناصر را محکوم می کنند.

اعلامیه کمیته ایالتی خراسان

مردم مبارز خراسان!
دوستان، رفقا و هواداران سازمان!
● هیئت اجراییه کمیته ایالتی خراسان به نام کادرها، اعضا و فعالین سازمان در منطقه خراسان، ضمن تقبیح اعمال اشتباهگانه گروهی از اعضای سابق سازمان، اعتماد، اعتقاد و تبعیت کامل و بدون قید و شرط خود را از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده، به سهم خود می گوئیم تا رهبری سازمان را در انجام وظایف انقلابی اش و در غلبه بر دشواری های موجود یاری نمائیم.
سازمان ما بی شک گام های بلندی در راه تامین وحدت طرفداران آرمان والای طبقه کارگر برداشته و به پیروزی های برگشت ناپذیری دست یافته است. ما در آغاز این راه سترگ بر دشواری های آن واقف بودیم. ما می دانستیم که طی این راه پر افتخار و عبور از پیچ و خم های آن ناگزیر با تلفات و ضایعاتی همراه خواهد بود. با این حال تاسف ما این است که چگونه عده ای با سوء استفاده از ناآگاهی تعدادی از اعضا و هواداران سازمان احساسات پاک و بی آلاش آنها را به بازی گرفته و در جهت اهداف سازمان شکنانه خود به کار می گیرند. تاسف ما این است که چگونه عده ای در پی فریادهای به ظاهر وحدت طلبانه، عملاً در جهت انشعاب و انشقاق سازمان گام برمی دارند.
کلیه اعضا و هواداران سازمان ما به پیروی از رهنمودهای دایمانه کمیته مرکزی سازمان، مشتاقانه از بازگشت آنان استقبال خواهند نمود و انتقادات خلاق و سازنده آنها را به گوش جان خواهند شنید.
در پایان به اطلاع مردم مبارز خراسان و هواداران سازمان می رسانیم که از سوی شاخه خراسان هیچگونه اعلامیه ای در حمایت از انشعابگران صادر نشده و اعلامیه ای که به نام شاخه خراسان از روی بیانیه انشعابیون نسخه برداری و پخش شده است، متعلق به شاخه خراسان نمی باشد. این اعلامیه به وسیله تعداد انگشت شماری از طرفداران انشعابیون در خراسان پخش شده است.

کمیته ایالتی خراسان - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بیست و یکم آذرماه ۱۳۶۰

اعضا و هواداران سازمان!

کمیته مرکزی سازمان تاکنون در مراحل حساس انقلاب، سیاست اصولی و پیگیری را پیش برده است، حرکت های ضدانقلابیون را افشاء و از جمهوری اسلامی ایران در مقابل دشمنان انقلاب قاطعانه حمایت کرده است. کمیته مرکزی سازمان برای دست یابی به "وحدت خلق" و "وحدت جنبش کمونیستی" کوشش های فراوانی نموده است و گام های ارزنده ای در جهت تامین پاکیزگی صفوف نیروهای سازمان و مبارزه با انحرافات برداشته است. بر گرد کمیته مرکزی سازمان حلقه زینم و مبارزه بی تزلزل و قاطعی را در راه وحدت سازمان و حزب توده ایران به پیش بریم.

کمیته ایالتی خراسان

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بیست و هشتم آذرماه ۱۳۶۰

اعلامیه کمیته ایالتی اصفهان

● به دنبال چند ماه تلاش مخفیانه در جهت ایجاد دسته بندی ضد سازمانی از جانب کشتگر - هلیل رودی و دیگر همدستانش، اینک سازمان ما در مقابل یک اقدام توطئه گرانه و ضد کمونیستی قرار گرفته است. این اقدام باعث تاسف نیروهای صدیق انقلاب و شادی تمام دشمنان قسم خورده خلق گردید.

هنگامی که جنبه متحد ضدانقلاب به سرکردگی امیرالیسم آمریکا تمام توان خود را به کار می گیرد تا با ایجاد نفاق و پراکندگی در صفوف نیروهای خلق، ضربات خود را جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و نابودی تمام دستاوردهای انقلاب وارد آورد، هنگامی که اتحاد تمام نیروهای مدافع آماج های انقلاب برای خنثی ساختن توطئه هایی از این دست یکی از ضرورت های اساسی انقلاب میهن ماست، هنگامی که شکوفه های وحدت پیروان اصیل سوسیالیسم علمی، حزب توده ایران و سازمان ما در پاسخ به چنین ضرورت حیاتی می رود که به میوه نشیند، و نقش خود را در اتحاد همه نیروهای خلق ایفا نماید، آری، در چنین شرایطی اقدام توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی در جهت خواست و منافع امیرالیسم آمریکا و عمال داخلی آن قرار می گیرد.
ما ضمن محکوم کردن این عمل تفرقه افکنانه پشتیبانی قاطع خود را از کمیته مرکزی سازمان اعلام می کنیم و از همه هواداران صدیق سازمان می خواهیم صف سترگ خود را به گرد رهبری سازمان فشرده تر سازند.

کمیته ایالتی اصفهان
۳۰ آذرماه ۱۳۶۰

اعلامیه کمیته ایالتی گیلان

● عمل سازمان شکنانه این عناصر در شرایطی صورت می گیرد که فدائیان خلق مصممانه و با تلاش شبانه روزی در جهت وحدت جنبش کمونیستی و وحدت نیروهای انقلابی گام برمی دارند. در زمانی که برای مقابله با توطئه های امیرالیسم و وحدت هواداران اصیل سوسیالیسم علمی و جنبش خلق امری ضروری است اقدام تفرقه افکنانه کشتگر و هلیل رودی نمی تواند موجبات خوشنودی امیرالیسم جهانی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا و نیروهای ضدانقلاب را فراهم سازد.

این عناصر سازمان شکن بنا به ماهیت خود پرچم مخالفت با سازمان و حزب توده ایران را برافراشته اند و تجربه نشان داده است که در زیر این پرچم تنها نیروهای صد کمونیست گرد می آیند. در زیر این پرچم بیش از همه بایکزه رایی ها - سنگ مبارزه با سازمان و حزب توده ایران را به سینه خواهند زد.

دسته توطئه گر در جزوه خود ادعا نموده است که از جانب کمیته های ایالتی سازمان از جمله کمیته ایالتی گیلان نمایندگانی در اجلاس آنان شرکت نموده است. لازم است گفته شود که از طرف کمیته ایالتی رر نشست این عناصر کسی شرکت نداشت و کمیته ایالتی گیلان یا قاطعیت تمام عمل این توطئه گران را محکوم می نماید و خواستار پیشبرد بی وقفه امر وحدت سازمان و حزب توده ایران می باشد.

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جداشدگان از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مبارزه با وحدت زیر پوشش وحدت طلبی

شده‌ای تدارک دیده شده و کام به کام ، آگاهانه همیشه برده شده است. رفقای سابق ما ، هم‌زمان با بحث‌ها و جلساتی که ظاهراً برای تقویت تفاهم و رفع اختلافات با ما داشتند ، در خفا ، به شکلی کاملاً توطئه‌گرانه طرح کودتایی خود را برای منحل اعلام کردن سازمان تکمیل می‌کردند. آنها مستعراً در این مدت فراکسیون خود را در درون سازمان گسترش و آموزش می‌دادند ، پرسشنامه عضوگیری چاپ و توزیع می‌کردند ، دور از چشم مسئولان و رهبری سازمان جلسات منظم با افرادی که به‌دقت یارگیری کرده بودند ، تشکیل می‌دادند ، جزوات متعدد در مخالفت با مشی رسمی ، اصول تشکیلاتی و تصمیمات پلنوم کمیته مرکزی سازمان تهیه و نشر می‌کردند. روزی که ضربه کودتایی آنها به قصد منفجر کردن و گسستن سازمان از درون فرود آمد ، حجم جزوات اختصاصی و بیانیه‌های مخفی آنها که برای درهم شکستن ضوابط تشکیلاتی و با روح مخدوش کردن و از اعتبار انداختن رهبری و سیاست عمومی و رسمی سازمان و مصوبات پلنوم تنظیم شده بود ، از هزار صفحه عادی بسیار فراتر می‌رفت و این همه در حالی بود که آنها تمام شگردهای تارفاقیانه را برای پنهان کردن نقشه کودتایی خود از چشم رفقای تشکیلات به‌کار گرفته و تلاش بسیار کردند که کسی متوجه نیت واقعی آنها نشود. و این زشت‌ترین شیوه‌ای است که این آقایان به‌کار گرفتند. جزوات و کتاب‌های متعدد در باره "حزب طراز نوین طبقه کارگر" که مبتنی بر اصولی ارزشی این آقایان بود ، نقد تحریف آمیز فعالیت‌های سازمان و رهبری آن از آغاز تولد نوین آن تا امروز ، طرد صریح و خشن بیانیه مشترک سازمان و حزب و دعوت پنهانی از عوامل خود در تشکیلات به کارگشایی در توزیع آن و انبوهی دیگر از مطالب ضد سازمانی در خدمت هدف از پیش تعیین شده ، به‌سادگی اثبات می‌کند که این توطئه پیش‌بینی‌های طولانی و برنامه‌ریزی شده دارد. این مسئله به‌خودی خود گواه آن است که:

- ۱- این افراد با زیربا نهدان ابتدائی‌ترین اصول لنینی سازمان سیاسی طبقه کارگر و با نقض صریح این اصول حیاتی فعالیت فراکسیونی دامنه‌داری داشته‌اند و از آن هم زشت‌تر کوشیده‌اند این عملیات را تماماً مخفیانه انجام دهند.
- ۲- آنها به مستبدانه‌ترین شکل ممکن موازین سنترالیزم دمکراتیک را نقض کرده و کوشیده‌اند اراده اقلیتی محدود را براراده و رای همه ارگان‌های سازمان از کمیته مرکزی تا حوزه‌های سازمانی که پائین‌ترین واحد سازمانی است ، تحمیل کنند. این سکتاریسم تعدمی هنگامی چهره زشت خود را بهتر به نمایش می‌گذارد که تصبد ظاهر فریب آنها را نسبت به مرکزیت دمکراتیک ، در جملات بیانیه کودتا در نظر آوریم:

ما بر این واقعیت انگرانایدیر و جهانشمول پای می‌فشریم که بینش اصولی ، نه‌تنها هرگز و در هیچ شرایطی از استقرار مرکزیت دمکراتیک و موازین حیات تشکیلاتی آسیبی نمی‌بیند ، بلکه تنها و فقط در شرایط رعایت این اصول است که پاکیزه‌ترین بستر رشد و تعمیق نظرات اصولی فراهم می‌آید. همانگونه که تنها در شرایط تضعیف این موازین است که نظرات و اندیشه‌های انحرافی به‌سرعت امکان رشد می‌یابند و تشکیلات را به تباہی می‌کشاند. (۲)

نخستین بیانیه علنی کودتاگران که با عنوان " با انحلال طلبی مبارزه کنیم و از وحدت اصولی دفاع نمائیم " منتشر شده ، نشان می‌دهد که آنها با مباحثی دفاع از انقلاب و رهبری خلقی و ضدامپریالیستی آن ، محتوای واقعی نگرش‌های خود را مکتوم داشته‌اند. با تأکید لفظی جنبش کارگری و کمونیستی جهان و خیزدن زیر پرچم آن ، در عمل بی‌باوری به آن را نشر داده‌اند ، به‌نام دفاع از سازمان پر افتخار فدائیان خلق ایران (اکثریت) و پاکیزگی ایدئولوژیک و تصحیح مشی آن ، از پشت به آن خنجر زده‌اند ، با دستاویز احیاء و تحکیم اصل لنینی سازمانی و مرکزیت دمکراتیک ، اساسی‌ترین موازین لنینی تشکیلات و اصول مرکزیت دمکراتیک را با غیر اخلاقی‌ترین و گستاخانه‌ترین شیوه زیر پا گذاشته‌اند ، با شعار مبارزه با انحلال طلبی ، همه توان عملی خود را در راه انحلال سازمان و بریاد دادن آن و تمامی میراث انقلابی بسج کرده‌اند ، زیر پوشش تلاش برای وحدت صفوف گردان‌های سیاسی طبقه کارگر ایران ، در راه وحدت سنگ و در جام وحدت‌کنندگان زهر و در ذهن کارگران بدر شک و تشنه پاشیده‌اند ، با دعوی سامان دادن "وحدت اصولی" سازمان با حزب توده ایران ، به‌منابه سندهای اصلی طبقه کارگر ایران ، علا علیہ این وحدت ، علیہ وحدت اصولی جنبش کمونیستی ایران اقدام کرده‌اند و با وظایف و شرایطی که در مقابل آن قرار داده‌اند ، خود را بطور درست تا حد یک نیروی ضد وحدت تنزل داده‌اند. آنها راه وحدت با چپ‌روهای ورشکسته‌ای را در پیش می‌گیرند که اکنون به‌مابور توئیس راست غلطیده‌اند. آنها تحت پوشش و شعار دمکراسی و ضرورت اعمال آگاهانه اراده اکثریت رفقای تشکیلات در رهبری سازمان ، در عمل اراده و خواست اکثریت قریب به‌اتفاق تمام رفقای تشکیلات را به‌کلی نادیده گرفته و کوشیده‌اند کمیته مرکزی تمام کمیته‌های ایالتی ، همه کمیته‌های شهرهای مختلف و تمام ارگان‌های سازمان را منحل اعلام و اراده خود را جایگزین اراده آنها سازند. لنین ۷۰ سال پیش در افشای " انحلال طلبان " و "فراکسیون‌سازان" هم دوره خود که از قضا آنها هم زیر علم سوزان‌ترین و غرنده‌ترین شعارها برای طبقه کارگر و امر انقلاب گریبان چاک می‌دادند ، گفته بود:

" هر شخص عاقلی می‌فهمد وقتی بر سر موضوعی شدیداً مبارزه می‌شود ، برای کشف حقیقت نباید به اظهارات مشاجره‌کنندگان اکتفا کرد ، بلکه باید شخصاً مدارک و اسناد را بازسی نمود. " (۱)

چه سندی معتبرتر از نوشته‌ها و اعمال کاملاً ضد کمونیستی و ضد دمکراتیک خود توطئه‌گران؟ کافی است پوسته کلمات بیانیه آنها را خراش دهی ، تا زهری که در آن است بیرون بریزد. اما پیش از آنکه یکایک جنبه‌های انحرافی فکری عمل کودتاگران را مدلل کنیم لازم است کمی درباره اسلوب آنها و پیش از همه خصلت توطئه‌گرانه و کودتایی این اسلوب ، حرف بزنیم ...

اسلوب مدعیان و مضمون آن

شواهد محکم و پرشماری که در دست است ، جای کمترین شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد که نقشه کودتایی طراحان توطئه که سازمان را ترک کرده‌اند ، تصمیمی ناگهانی ، خلق‌الساعه و اجباری نیست. این توطئه‌ای است که تمام اجزاء آن از مدتها پیش به‌طرز حساب

اقدام توطئه‌گرانه و نفاق‌افکنانه علی کشتگر- منوچهر هلیل‌رودی و همفکران ایشان سرانجام بدیهی حرکتی است حساب شده و ناسالم که علیرغم تفاوت‌های شکلی و صوری ، از لحاظ جوهری همانگونه که اعلامیه ۲۱ آذر کمیته مرکزی سازمان نیز یادآور شده است ، با جریان‌هایی نظیر راه‌کارگر ، اقلیت ، و نظائرشان خوباوندی نزدیک و تفاهم بنیادین دارد. جریان اخیر آنقدر زیرک بود که از تجربه سرگشتگی و انزوا ی آنها به سود خود بهره بگیرد و شیوه‌های امتحان شده و شکست خورده آنها را رها کند. آموختن از شکست دیگران اگر صداقت انقلابی و تعهد پرولتری پشتوانه آن باشد ، پیروزی است. این پیروزی ناگزیر به تصحیح اسلوب و تجدیدنظر در دیدگاه‌ها و دور ریختن عناصر توهم و اشتباه منجر می‌شود ولی آموختن از شکست چپ‌روها برای از پیش بردن قصد شکست خورده آنها ، نه اشتباهی دیگر ، که سوءنیتی دیگر است.

امروز دیگر از آفتاب‌روشن‌تر است که مقابله آشکار و نزاع کودگان با انقلاب ایران و آن خط حاکمیتی که امر خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب را به پیش می‌برد با هر بهانه و در لفافه هر توجیه تئوریک ، کمترین عقوبت بریده شدن از مردم و بی‌پرده‌غلطیدن در منجلاب ضدانقلاب و آغوش سازمان‌های جاسوسی و خرابکاری تئورستی آمریکائی و اسرائیلی و عراقی و همپالکی‌هایشان در داخل و خارج است. امروز دیگر تحت لوای مارکسیسم - لنینیسم نمی‌توان به‌روزی اردوگاه سوسیالیستی که تجسم زنده این ارمانان و جهان‌بینی است ، تیغ کشید ، نمی‌توان از سوسیالیسم علمی و انقلاب جهانی دم زد و انترناسیونالیسم پرولتری را لگدمال کرد و یا اهمیت بنیادین آن را زیر علامت سؤال گذاشت. نمیتوان سنگ طبقه کارگر ایران را به سینه زد ولی با ضرورت حیاتی وحدت سازمان‌های سیاسی معتقد به جهان‌بینی پرولتاریا ، به‌منابه پیش شرط یکپارچگی و وحدت اراده و عمل طبقه کارگر علناً مخالفت کرد. نمی‌توان از موضع نفرت از حزب توده ایران و نفی سرپای آن سخن گرفت و در عین حال خود را طرفدار وحدت جنبش کمونیستی ایران نشان داد. آری این حرف‌ها دیگر زنده‌تر و ورشکسته‌تر از آن است که بتوان به آن امید بست. سرنوشت همه انواع چپ‌روها و چپ‌ناهما که طی چند دهه بطور نوستی و به‌اشکال مختلف با این ابزارها معرکه به راه انداختند ، برهان تاطع افلاس و رسوائی این راه و رسم است.

بیروان علی کشتگر در سازمان ما درست از این سرنوشت و از تجربه شکست همتهای خود درس گرفتند. اما نه درسی که آنها را بیدار کند ، نه درسی آنقدر عمیق که نطفه ناگامی را در جوهر بینش و مضمون حرکت چپ‌روها بر آنان آشکار کند ، بلکه درسی به اقتضای موقع و افق طبقاتی خود سطحی ، دیپلماتیک و رندانه که آنها را به تغییر تاکتیک و روش‌های آزمون شده برانگیزد. این از همسان درس‌هایی است که برهبران چین از شکست انقلاب فرهنگی و "جنبش بزرگ" گرفتند. این فقط مبارزان راه خلق و راه طبقه کارگر نیستند که از شکست‌ها و پیروزی‌های خود تغذیه می‌کنند. اپورتونیزم هم قادر است از تجربیات خود و اسلافش ، سلاح‌هایش را تیز کند. آنچه را که در ارتباط با سیر حرکت فراکسیون‌های درون سازمان و عاقبت کودتایی آنها شاهدیم ، اثبات مکرر این واقعیت است.

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جدانشدگان . . .

از صفحه ۱۲

نقض بی‌بروای مرکزیت دمکراتیک و اتکاء بسه فراکسیونیسیم، حاوی یک معنی و نتیجه روشن است. اینکه آنها به حقانیت خود و موثر بودن دعوت خویش اعتقاد نداشتند. روی آوردن آنها به روش‌های ضد دمکراتیک با وجود اطلاع کامل از اثر تباه‌کننده این روش‌ها، بیش از همه حاکی از فقدان تعقیق آنهاست. همانطور که مارکس اندرز داد: "هدفی که برای اجرائیش وسایل نادرست ضرور باشد، هدف درستی نیست" (۳) وسایلی که این عده برای نیل به مقصود به‌انها متوسل شده‌اند، ماهیت هدف آنها را روشن می‌کند، اگرچه بدون این وسایل نیز آنها در گفتار و کردارشان خود را به‌اندازه کافی افشا کرده‌اند. آنها به‌دست خود می‌نویسند: "تنها در شرایط رعایت این اصول است که پاکیزه‌ترین بستر رشد و تعمیق نظرات اصولی فراهم می‌آید". و در همان حال با دست زدن به عملیات فراکسیونونی و باندهای مخفیانه به خشن‌ترین شیوه‌های ممکن این اصول را نقض کرده و زیر پا می‌نهند.

این اعتقاد که یک امر ناحق را به یاری دوز و کلک می‌توان به‌کرسی نشاند، مفهوم دیگری بی‌اعتقادی به نیرومندی و نافذ بودن حق است. مبداء جدا شدن از مردم و طبقه و کس شدن آنها در مقابل شورش تاریخ، در همین جاست. این بی‌اعتقادی ایجاب می‌کند که عمل خلاف با فاخرترین و حق به‌جانب‌ترین کلمات استوار شود. از اینجا ریشه عمیقی بین گفتار و کردار پدید می‌آید که تنها با شعبده می‌توان آن را بر کرد. کودتاگران می‌گویند:

"اصول و موازین ناظر بر حل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی که در طول حیات هر سازمان کمونیستی پدیدار می‌شوند، همان اصول و موازینی است که همه گردان‌های رزمنده جنبش جهانی کمونیستی از آغاز تا به امروز در عمل به‌کار بسته و پدیداری کامل داده‌اند." (۴)

آنها از بالای منبر خطابه هشدار می‌دهند: "هرگاه و هر آنجا که از این اصول عدول شده، همواره تلخ‌ترین و ناگوارترین پیامدها را به‌دنبال داشته و موجب بسا ناگامی‌ها و شکست‌ها شده" (۵) آنها در گفتار "اصول و موازین ناظر بر حل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی" را به رخ دیگران می‌کشند و نصیحت می‌فرمایند که "همه گردان‌های رزمنده جنبش جهانی کمونیستی در عمل به این اصول و موازین پای بند هستند اما در عمل پیش از آنکه "اصول و موازین" محرز جنبش جهانی کارگری را لغو کنند، حرف خود را لغو می‌کنند. آنها خود بهتر از خیلی‌ها می‌دانند که فراکسیونیسیم، تیشه زدن به ریشه مرکزیت دمکراتیک، توسطه تدارک شده علیه رهبری سازمان، وحدت شکنی، شورش علیه عالی‌ترین ارگان‌های تنظیمی، کودتا، پاشیدن بند آشتی، جزو اصول و موازین گردان‌های رزمنده جنبش کمونیستی نیست. برعکس، رزمیدن برای ریشه‌کنی این امراض از مقدم‌ترین وظایف همه گردان‌های ملی جنبش جهانی کمونیستی است. بدون این رزم نی‌آشتی، حتی سختی هم از گردان‌های رزمنده برون‌تاریخی به مفهوم واقعی آن در میان نیست. پس نقض کنندگان "اصول و موازین" چه احتیاجی به خرج کردن این کدهای قلب شده دارند؟ جز این است که آنها به این "حرف‌ها" نه برای روشنگری نیاتشان، بلکه برای پوشاندن این نیات سری نیازمندند؟ از این زاویه آیا این پیام لنین که "برای کشف حقیقت نباید به اظهارات مشاخره کنندگان اتکاف کرد" مفهوم‌تر نیست؟

نویسندگان بیانیه کودتا وانمود می‌کنند که گویا برای دفاع از تصمیمات پلنوم اسفندماه سازمان خود را تاگزیر به اقدام دیده‌اند. آنها مصوبات پلنوم مرداد ماه را در تعارض با پلنوم قبلی و در واقع در تعارض با خواست‌های خود یافته‌اند و پس از آنکه در جلسات پلنوم موفق به پیشبرد نظرات خود از طریق بحث و اقعاش نشدند، در پشت سر برای بی‌اعتبار کردن آن و لکه‌دار شدن دادن دستاوردهایش، به تگابو افتادند جانبداری ظاهری از تصمیمات یک پلنوم و هجوم و پرخاش آنها به مصوبات پلنوم دیگر، تلاشی اغواگرانه در جهت قرار دادن پلنوم آذر ۵۹ در مقابل پلنوم

اسفند و پلنوم اسفند ۵۹ علیه پلنوم مرداد ماه ۵۹ است. آنها می‌خواهند تقابل خود را با سازمان و اراده جمعی آن در روند تکاملی قانونمند، تقابل پلنوم‌ها با یکدیگر جا بزنند و چنین جلوه دهند که گویا دعویا مشتبی از ناراضیان و مخالفان مشی و اصول بینویا مجموعه سازمان مطرح نیست، مسئله تعارض و تناقض تصمیمات پلنوم قبلی با پلنوم اخیر است. این اشخاص به سبک معمول خود نخست در گفتار حرکت تکاملی سازمان را با عطر آمیزترین واژه‌ها و با نثار زیباترین صفات، ستایش می‌کنند و در معنا درست‌قلب همین تکامل و همین سیر پیروزمند را نشانه می‌گیرند. ریشه دعویا آنها با سازمان ما جای دیگری است. آنها خود می‌نویسند:

"ما با همه ضعف‌ها و لغزش‌ها، بر راستای رشد و تکامل به‌پیش رانده‌ایم و گام‌های بلندی در راه تکامل ایدئولوژیکی، سیاسی، در راه تحکیم پیوند با سازندگان جامعه نوین و تمامی مردم میهنمان برداشته‌ایم."

جدا شدن عامل تعیین کننده عقب ماندن یاران نیمه راه و کنده شدن چپ‌روهای از نفس افتاده از سازمان ما را "آهنگ تند و پر تیش رشد و تکامل سازمان" اعلام کرده و نوشته‌اند:

آنها نتوانستند "گام‌های گران خود را با آهنگ تند و پر تیش رشد و تکامل سازمان دمساز کنند و لاجرم در نیمه‌راه بر جای ماندند و یا بدتر از آن به گج راه‌های مرگبار در غلطیدند." (۶)

در بازی رنگارنگ این کلمات "هستی نوین" سازمان ما میوه رسیده و شهداگین تکامل آن است. بی‌این تکامل اکنون ما حداکثر چیزی در حد اقلیت و همه چهارده‌های عاصی، آشفته و بی‌سازمان بودیم. در این برداشت، روح نیرومندی از حقیقت وجود دارد. اما آنجا که این حکم عام به‌صورت مشخص درمی‌آید، مدعیان باز رو در روی حکم کلی خود قرار می‌گیرند و حرف‌های خود را به‌پاد می‌دهند. در این حالت آنها نه سیر تکامل سازمان، نه حرکت پیشرونده و عالی بخش آن، نه دستاوردهای کببب این بختگی و رشد مستمر را، بلکه سیر قهقراشی آن، بازمانده‌های گذشته و دیرجانی این بقایا را به‌یاری می‌طلبند و از آن برای خود سیر می‌سازند. سینه زدن زیر علم این پلنوم و جنگ‌حیدری نعمتی‌ارماندختن بر ضد آن پلنوم از این سرچشمه گل‌آلود آب می‌خورد. همچنانکه هر یک از همراهان تصادفی در مقطعی از سیر سازمان ما به سوی احراز هویت پرولتری از آن جدا شدند، اشرف‌دهقانی گفت: چون شما نظرات مسعود را لغو و نظرات بیزن را پذیرفته‌اید، من از شما جدا می‌شوم. دعویا ما با اقلیت بر سر درستی و نادرستی اساس نظرات بیزن بود. مصطفی‌مدنی که در همراه سال پیش از سازمان اخراج شد، می‌گفت نظرات بیزن را قبول ندارم ولی با سازمان هم مخالف است چون سازمان قطعنامه‌های جلسات شماره ۱۹۵۷، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱ را می‌پذیرد. چندنفری نیز در زمستان گذشته بعد از پلنوم اسفند اعلام کردند تا اینجا سازمان را قبول داشتند ولی دیگر وحدت سازمان و حزب توده ایران غیرقابل تحمل است. و بالاخره حالا نوبت به آقایان رسیده که بگویند، همه چیز سازمان را تا همین اواخر قبول داشته‌اند، لکن این پلنوم مرداد واقعا غیر قابل تحمل است. از این داستان واقعا چه چیز عاید می‌شود. آیا چیزی جز اینکه فراکسیون بیشتر - هلیل‌رودی نیز تنها آنقدر نفس داشت و آنقدر رمق در پای‌های طرفیت در خصاقلش انباشته بود که بر سر یکی از همین مارپیچ‌های تکاملی متوقف گردد؟ آنها چه با اعتقاد و چه از سر مصلحت طلبی، تصمیمات پلنوم آذر سال گذشته را "یکی از نقاط عطف تکامل سازمان" خواندند و آن را "آغاز فصلی نوین از حرکت و هستی نوین سازمان" اعلام داشتند. واضح بود گام‌هایی که با تلاش و تعب و شوری ایجابی تا پلنوم آذر به‌جلو آمده بود، نمی‌توانست در این منزلگاه ساکن شود. "هستی نوین" او در حرکت او بود و سکون جز برگ این حرکت و در نهایت مسخ آن "هستی نوین" معنی دیگری نداشت. پلنوم اسفند سال گذشته گام بعدی و تاگزیری بود که از بطن این "هستی نوین" و از عمق ضرورت

دستاوردهای پلنوم آذر طلب می‌شد. ولی هلیل‌رودی‌ها و کسانی که به‌راه او پیوستند نمی‌توانستند با تعمیق این حرکت موافقت داشته باشند. آنها نخست همه توان خود را برای به‌زیر همبیز کشیدن این حرکت مطمئن به خود که منطق آن تداوم آن بود، به‌کار بردند و وقتی از این تلاش که هر لحظه آن بسا سنگ‌اندازی‌ها و غرزدن‌ها، و سوسه‌کردن‌ها و کارکنی‌ها همراه بود، طرفی نبستند، از در دیگر وارد شدند. آنها با اکراه به تصمیمات پلنوم اسفند رای دادند. آنها در لابلای عبارات خود که با دقت کلمات آن گلچین شده‌اند، واقفیت اکراه و ناراضیاتی قلبی خود را نسبت به سرانجام پلنوم اسفند نتوانستند، کاملا مخفی کنند:

"ما به پلنوم اسفند ضمن حفظ برخی از انتقادات ... رای مثبت دادیم."

پلنوم اسفند با وجود اینکه در مفر جدانشدگان از سازمان کاملا جا نمی‌گرفت، هنوز منزلی از منزل‌های میان راه بود، هنوز به چشم‌اندازهای روشن و بی‌تردیدی که در مقابل خود داشت، می‌نگریست. پلنوم مرداد ماه سال‌جاری با پشتوانه دستاوردهای پلنوم اسفند و در مسیری که پلنوم اسفند آن را کوبیده و صاف کرده بود، رسالت خود را به پیش برد. این پلنوم در تعارض با پلنوم‌های پیش از خود قرار نداشت، دنباله آنها و تکمیل مرحلای آنها بود. اما نفس‌اعضای فراکسیون دیگر بریده بود. آنها دیگر واقعا به هراس افتاده بودند. دیگر هرگونه امید خود را به بازگرداندن این روند، از دست داده بودند. تشدید فعالیت فراکسیونیی آنها که مولود این احساس سرخوردگی و یاس بود، بر محور مبارزه با مصوبات پلنوم مرداد، یعنی در واقع مخالفت با تکامل سازمان، رنگ عصبی، شورش و نیهیلیستی به‌خود گرفت. آنها فریاد برداشتند:

"ما پیشهاد می‌کنیم که اجرای قطعنامه مرداد ماه ... متوقف گردد."

و این "ما" جمعی کوچک بودند که در یک مبارزه ایدئولوژیکی مغلوب شده بودند، اما علیرغم رای و نظر اکثریت نزدیک به اتفاق اعضای مرکزیت سازمان و اکثریت قاطع مستولان و کادراهی سازمانی، همچنان بر مواضع خود لجاج می‌ورزیدند. روح این لجاج، مستبدانه فرمان می‌داد که اکثریت عظیم رفقای سازمان که شامل کمیته مرکزی و تمام کمیته‌های ایالتی سازمان است باید به اراده اقلیتی ناچیز گردن بگذارند. آنها در بیانیه خود بیش از ده بار سازمان را به بی‌توجهی و کم‌بها دادن به "خرد جمعی" و "موازین حیات درون سازمانی" متهم کردند. اما خود علنا و بی‌هیچ روده‌ریایی و بدور از ابتدائی‌ترین موازین حیات درون سازمانی "اولتیماتوم می‌دهند که اگر سازمان تسلیم منطق مغلوب و گذشته‌گرای جمعی کوچک از روشنفکران سازمان نگردد، اعلام می‌کنند که "سازمان منحل شده و سازمان جدیدی به رهبری آنها تشکیل شده است."

و این است اوج بی‌اعتقادی آنان به سانترالیسم دمکراتیک و موازین بنی زردگی حزی. این است حد اعتقاد آنان به انضباط پذیری کمونیستی و پایبندی آنها به شعارهایی که می‌دهند. آنها شیوه مستبدانه فوق سکتاریستی و ضد دمکراتیک و نیز انزوی دیدگاه‌ها و نظرات خود را در پس جنگ پلنوم‌های آذر و اسفند و مرداد پنهان می‌کنند و به‌ویژه مخالفت بوج و بی‌منطق و عنودانه با تصمیمات منطقی و درست پلنوم مرداد را برای جدائی خود مستمک قرار می‌دهند. در حالی که اگر این دستاویز را هم امری واقعی تلقی کنیم و به حساب بایبندی بسه تصمیمات پلنوم‌های قلبی بگذاریم و از دیدگاه جدانشدگان تصمیمات پلنوم اخیر را در تعارض با برخی از تصمیمات پلنوم‌های گذشته به حساب آوریم. بازهم پای استدلال فراکسیونست‌ها می‌نلکد اگر قرار باشد در هر سازمان انقلابی در هر جای جهان پلنوم‌های گذشته معتبرتر از پلنوم‌های آینده باشد، پیشاپیش، اصل اساسی حرکت و تکامل آن سازمان پایمال شده است. در عرف رایج احزاب کمونیستی جهان از آغاز تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی تا امروز آخرین نظر، آخرین قطعنامه، آخرین پلنوم همواره معتبرترین و لازم‌الاجرائی بوده است. چرا که یک پلنوم قانونی از این حق مسلم برخوردار است که متناسب با اوضاع و شرایط جدید این یا آن مصوبه

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جدانشدگان ...

از صفحه ۱۳

جهت تدارک کنگره اقدام شد." (۸)
این اشخاص نام و سنت لنین را هم مثل اصول و موازین معتبر دیگر از دستبرد مصون نگذاشتند. آنها برای جا انداختن نقشه‌های خود نهمه تاریخ حقیقی، بلکه به تاریخی که نخست خود آن را تحریف کرده‌اند، توسل جستند و با شاهد مثال شکسته بستهای خواست‌اند، توطئه اقلیتی به‌کلی ناچیز را علیه مجموعه یک سازمان رزمنده پرولتری لباس کمونیستی بپوشانند. آنچه اعضای فراکسیون به آن استاد کرده‌اند، بر ضد خود آنها حکم می‌کند.
واقعیت این است که کنگره سوم حزب سوسیال دمکرات روسیه به کوشش مجدانه لنین برای پاسخ دادن به مسائل حزب که "برابر فعالیت اخلاک‌گراانه منشویک‌ها دچار تفرقه شده بود، در آوریل ۱۹۰۵- تشکیل شد. حزب پس از کنگره دوم در بحران عمیقی فرو رفته بود که اساس آن را به گتته لنین "امتاع عنودانه اقلیت کنگره دوم از تبعیت اکثریت آن (مجموعه آثار - جلد ۱- ص ۱۲۲) تشکیل می‌داد." (۹)

برخلاف نتیجه‌گیری فراکسیون‌بست‌های وطنی ما این کنگره که در لندن تشکیل شد، با وجود عدم شرکت نمایندگان منشویک‌ها در آن، یک کنگره صوری یک محفل اقلیت نبود. در آن ۲۴ نماینده از ۲۱ کمیته حزبی با حق رای قاطع و ۱۴ نماینده با حق رای مشورتی حضور داشتند. در حالی که منشویک‌ها که علیرغم دعوت لنین از ایشان برای شرکت در کنگره لندن در زانو گرد آمده بودند، تنها موفق به جلب نمایندگانی ۸ کمیته شدند. انزوای آنها باعث شد که "جرات نکنند تجمع خود را کنگره بنامند و آن را کنفرانس کارکنان حزبی اعلام نمودند." (۹)

این شاهد تاریخی خود به گویاترین نحو مدلل می‌دارد که هر جمعی به‌صرف گذاشتن نام کنگره بر آن کنگره حزبی نیست. اصلی‌ترین و مقدم‌ترین شرط برای داشتن هیأت واقعی این است که کنگره آئینده تمامی حزب و یا در بدترین حالت، در برگیرنده نمایندگان اکثر شعب و سازمان‌های حزبی باشد. جز این، تصمیمات کنگره تنها به صورت نوشته‌ای در روی کاغذ باقی خواهد ماند و به سهم خود موجب جدیدی برای تفرقه در صفوف حزب و سازمان و اقدام کردن اراده عالیه آن و اشاعه این پراکندگی و تشتت در صفوف طبقه کارگر خواهد شد. حال ببینیم در کنگره‌ای که این آقایان فراخوانده‌اند، چند نماینده از چند کمیته سازمان حضور می‌یابد؟ آنها با انتشار یک خبر کاملاً جعلی مدعی شده‌اند که افرادی به نمایندگی از جنب کمیته‌های ایالتی کیلان، خراسان، اصفهان، خوزستان و عده‌ای هم از جانب کمیته‌های شهرهای سنندج، اراک، تبریز و ... در جلسه‌ای در تهران تشکیل شده به طرح کنگره و هلیل‌رودی رای داده‌اند. این خبر دروغ محض و جعل کاملاً بی‌شرمانه و ردیلا نه ای است. آقایان اصلاً موضوع طرح توطئه خود را در هیچ یک از کمیته‌های ایالتی مطرح نکرده‌اند. تا چه رسد به اینکه کمیته‌های ایالتی فوق برای تصویب این نقشه نماینده‌ای انتخاب کرده و به تهران اعزام داشته باشند. تمام کمیته‌های ایالتی سازمان بلااستثنا از این نقشه بی‌اطلاع نگاهداشته شده‌اند. این اشخاص در کمال پنهانکاری تا روز آخر که بیانیه خود را انتشار می‌دادند، تمام سعی خود را به‌کار گرفتند که هیچ یک از رفقای کمیته مرکزی از نقشه آنها مطلع نشوند. آخر کدام یک از این نقشه‌کنی‌های توطئه‌گراانه با فراخوان لنینی کنگره سوم حزب سوسیال دمکرات روسیه مشابهت دارد؟ لنین با سرپلندی و افتخار علنا و در کمال شجاعت کنگره را زمانی فراخواند که اقلیت حزب از اجرای تصمیمات حزب سرراز می‌زد. پلخانیف با برکماری عناصر وابسته به جریان منشویسم در ارگان مرکزی، لنین را مستعفی ساخته بود و حزب با سیاست اقلیت حزبی رهبری می‌شد به اکثریت آن.

امروز هر کمیته مرکزی سازمان به این آقایان که لنینیسم را فقط‌آطور می‌پسندند که به‌سودشان باشد، اطلاع داده است که بدون هیچ قید و شرطی آماده بوده و هست که پیرامون پیشنهادهای آقایان در یکایک کمیته‌های شهرهای مختلف رای‌گیری و هر یک از آن کمیته‌ها نماینده انتخاب کنند و نمایندگان راستین کمیته‌ها نمایندگان که رسماً در جلسه کمیته‌ها به رای مخفی و مستقیم اعضای کمیته‌ها انتخاب شده‌اند، درباره نظرات آقایان اظہار نظر

"از آنجا که اغلب رفقای کمیته مرکزی مدافع انحلال سازمان، استقلال رهبری سازمان را در هیچ عرصه‌ای قبول ندارند، کمیته مرکزی سازمان نیز که می‌بایست تا برگزاری نخستین کنگره سازمان امسر خظیر هدایت سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی سازمان را به‌پیش برد، برگزیده شد" (۷)
گودتای جمعی کوچک علیه مجموعه سازمان ما با این برهان ست خود را بزک می‌کند: به‌نام تدارک کنگره، کنگره واقعی را که می‌باید بیانگر اراده تمام ارگان‌های تشکیلات باشد، لگدمال می‌کنند. از این آقایان که خود را مدافع دمکراسی سازمانی معرفی می‌کنند، باید پرسید این چگونه کنگره‌ای است که از یک سو دعوی دمکراسی و احترام به رای و نظرسنجی توده‌های فعال تشکیلات دارد و از طرف دیگر پنهان از همه آنها به کمک اقلیتی ناچیز تلاش دارد همه فعالین تشکیلات را از حق تصمیم‌گیری درباره سازمانشان محروم کند و به‌نام سازمان آنها دوسرانه تصمیم می‌گیرد کنگره‌ای تشکیل دهد که هیچ یک از ارگان‌های سازمان از کمیته مرکزی گرفته تا کمیته‌های ایالتی تا هیچ یک از کمیته‌های شهرهای مختلف و بطور کلی هیچ یک از سازمان‌های ایالتی و ولایتی سازمان به آن نمایندگی نفرستاده‌اند و از چنین حق‌نیزمحروم شده‌اند؟ چنین کنگره‌ای مطلقاً متعلق به سازمان نیست. چنین کنگره‌ای متعلق به آقایان است (تازه در این هم واقعا تردید است).

برخلاف ادعاهای عوام‌فربانیه فراکسیون‌بست‌های وطنی ما که خواست‌اند با دستبرد به نام و سنت لنین، اقدام تفرقه‌افکنانه و سازمان‌شکنانه خود را هم‌طراز با اقدام تاریخی لنین در تشکیل کنگره سوم سوسیال‌دمکرات روسیه قراردهند، این کنگره محفلی از اقلیت ناچیز نبود. در این کنگره ۲۴ نماینده از ۲۱ کمیته حزبی با حق رای قاطع و ۱۴ نماینده با حق رای مشورتی حضور داشتند. در حالیکه منشویک‌ها تنها توانستند نمایندگان ۸ کمیته را گرد آورند!
از این آقایان باید پرسید که این چگونه کنگره‌ای است که می‌خواهد به کمک اقلیتی ناچیز و پنهان از دید اکثریت قاطع فعالین تشکیلات، برای توده‌های سازمانی تصمیم بگیرد؟! کنگره آنچه‌است که توده‌های سازمانی هستند.

کنگره آنجاست که توده‌های سازمانی هستند. بدون حضور و در منازعه با مجموعه رهبری و قسمت اعظم بدنه سازمانی، کنگره راهگشای آقایان آیا چیزی جز یک محفل‌وحدت شکن از آس‌در می‌آید؟ آیا جز این است که بهترین راه جلوگیری از یک کنگره واقعی و تبدیل آن به یک غلاف توخالی، همین راهی است که طرفداران صوری کنگره رفته‌اند؟ آیا نباید تردید کرد آنها‌ی که عدم کلیات خود را برای جلب نظر اکثریت قریب به‌اتفاق فعالین تشکیلات به جانب نظرات و اهداف خود بارها آزمایش کرده‌اند، از بیم به‌آرامی گذاشته شدن نظراتشان در کنگره، که پیشاپیش خیلی خوب می‌دانستند قطعا با شکستی تاریخی مواجه می‌شود، گوشیده‌اند کنگره‌ای تشکیل دهند که نمایندگان اکثریت قریب به اتفاق تشکیلات در آن حضور نداشته باشد. چنین کنگره‌ای فقط موم دست آقایان خواهد بود. چنین کنگره‌ای از یک کنگره واقعی که واقعا بیانگر واقعی اراده تشکیلات باشد، فرسنگ‌ها فاصله دارد. آیا چنین کنگره‌ای به کاربکتور یک کنگره واقعی و فراگیر بیشتر شبیه نیست؟

آقایان! در روی گرد و غبار حرف‌های و سفطه‌ها به این یک سؤال منصفانه جواب دهید:
آیا شما واقعا می‌خواهید اسباب و لوازم یک کنگره واقعی را که بازتاب اراده عمومی سازمان ما و سامان دهنده مسایل آن باشد، مهیا کنید، یا اسباب و لوازم برانداختن آن را؟
آقای هلیل‌رودی و کنگره که به‌دنبال او روان شد، پیشاپیش برای آنکه دهان‌های اعتراض را ببندند و محملی برای توطئه کودتایی خود بترانند، از نام برگو سنت لنین سوءاستفاده کرده‌اند. آنها که انگار وارت و جانشین بی‌چون و چرای لنین‌اند، خود را با او در قیاس قرار داده و نوشته‌اند:

"در جریان درخواست کنگره سوم توسط لنین و مدافعان ایده‌های اصولی، آنگاه که لنین مطمئن شد کمیته مرکزی از برگزاری کنگره خودداری می‌کند، با قاطعیت تأکید کرد که کمیته مرکزی برای تشکیلات است نه تشکیلات برای کمیته مرکزی و آنگاه در

پلنوم قبلی را تغییر دهد و حتی این با آن مصوبه را نقض کند. بدون این اختیار این گذشته است که سر آینده حکومت خواهد کرد. لنین همواره یادآور می‌شد "آنچه دیروز کافی به‌نظر می‌رسید، امروز کافی نیست" این تنها اندیشه راهنمای عمل سازمان سیاسی نیست که تکامل می‌یابد، واقعیت عینی نیز دائم در حال تغییر و تکامل است. اگر پلنوم مراد در احکام و نظرگاه‌های پلنوم‌های گذشته محبوس می‌ماند، نه‌تنها خود، بلکه روح پلنوم‌های پیش از خود را نیز فسخ می‌کرد. از این نقطه عریض هر تغییری که پلنوم‌افسند در قطنامه پلنوم آذر ۵۹ داد، در تعارض با آن نبود، در جهت تحکیم آن بود و هر تغییری که پلنوم مراد در تصمیمات پلنوم‌افسند وارد کرد، آن را مخدوش ساخت، بلکه مخدوش‌شدن آن را به‌وسیله زندگی و مقتضیات نوین که در بستر انقلاب سیری توانایی دارد، مانع گردید.

توطئه‌کنران این دیالکتیک بدیهی را نفی می‌کنند، در اصل تکامل سازمان را قبول ندارند این واقعیت را از راه کندوکاو دلایلی که آنها مستمسک ناختن به پلنوم اخیر و جدائی کودتایی خود از سازمان قرار داده‌اند، می‌توان اثبات کرد. تازه گرییم که نظر آقایان در مورد نادرست بودن برخی از تصمیمات پلنوم مراد درست باشد (که نیست) آیا با سازمان بودن و راه آن را انتخاب کردن می‌تواند به این شکل مسخره به‌زیر علامت سؤال

کنشیده شود و بر سر حرف‌هایی کاملاً مهمل و بی‌پایه "از موضع رهبری" طبقه کارگر را سه‌شقه کنیم و بکوشیم کارگران خوزستان را علیه کارگران تهران و تهران را علیه کیلان و دیگر جاها را علیه دیگر جاها به مبارزه وادار کنیم؟ این آقایان در تصمیم‌گیری برای اینکه با سازمان باشند یا سازمان تازه‌ای تاسیس کنند، همانقدر دقت، اصولیت و مسئولیت از خود نشان می‌دهند که خریداری که به سوی مارکت رفته است در تصمیم‌گیری برای خرید اجناس روزمره از خوددقت و مسئولیت نشان می‌دهد. رفتار آقایان واقعا سازمان سیاسی طبقه کارگر را با بازیچه دست کودکان خردسال اشتباه گرفته است. این آقایان هنوز هم سعی می‌کنند حد و عمق زیبایی را که کارهایشان به مصالح انقلاب و طبقه کارگر وارد می‌آورد را از چشم افراد بیوشانند و این مایه کمال تاسف است.

فوار از کنگره زیر شعار کنگره

جدانشدگان از سازمان تمام فعالیت‌های فراکسیون و عمل توطئه‌گراانه خود را با تثبیت به این دو دستاویز توجیه می‌کنند:
۱- تلاش در راه برگزاری کنگره سازمان.
۲- تلاش در راه وحدت اصولی گردان‌های سیاسی طبقه کارگر ایران و پیشاز همه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران.
اما در عمل مشخص‌هم علیه کنگره اقدام کرده‌اند هم علیه وحدت جنبش کمونیستی ایران. اکنون ببینیم آیا آنچه این‌فرااد بدان متوسل شده‌اند واقعا تلاش در راه برگزاری کنگره است و یا عکس آن؟ آنها می‌نویسند:

کنند. کمیته مرکزی سازمان کاملاً آماده بوده و هست که از نظر اکثریتی که بدین ترتیب بدست می آید، تبعیت کند. حتی اگر نظر اکثریت خلاف نظر اکثریت کمیته مرکزی باشد. حتی اگر نظر اکثریت کمیتهها خواستار تغییر کامل کمیته مرکزی باشد. ولی آیا آقایان هم آماده اند که به این تصمیمات گردن نهند؟ نمایندگان کمیته مرکزی همین پیشنهاد را با همین صراحت به آقایان ابلاغ کرده اند و از آنان خواستند که اگر نه در حرف که در عمل خواهان دمکراسی واقعی هستند، اگر واقعا به اراده کل تشکیلات احترام می گذارند، اگر واقعا تبعیت اقلیت از اکثریت را می پذیرند، اگر نه در حرف که در عمل واقعا خواستار این نیستند که اراده اقلیت معدودی از اعضا را بر اراده توده اصلی تشکیلات، بر اراده اکثریت قریب به اتفاق کادرها تحمیل کنند، آنها نیز بپذیرند و تصدیق شوند که تابع تصمیم اکثریت نمایندگانی باشند که کمیتهها برگزیده اند. اما این آقایان در کمال وقاحت خود پیراسته یک روشنگر خودخواه گفتند که "تشکیلات همراه شده است، کمیتهها دنبالهرو کمیته مرکزی هستند". آنها گفتند اول باید تشکیلات را "بیدار" کرد بعد انتخابات بشود. اکنون برای اینکه روشن شود که این آقایان مانند تمام اصلاح طلبان از لوثی بلانکی گرفته تا تروتسکی و مائو اصلاً اعتدالی به اکثریت دارند یا ندارند، برای اینکه نه در حرف که در عمل بسیمیم تا چه میزان این اعضای خود را خدمتگزار سازمان و نه سازمان را خدمتگزار خود می دانند، یکبار دیگر رسماً پیشنهاد می کنیم که این آقایان پس از اینکه خوب گوش فلک را با نوشته ها و جزوه ها و "ردیه ها"، اعلامیه ها و بیانیه های خود برگردانند، بعد از اینکه خودشان اعلام کردند که دیگر حرفی برای گفتن به تشکیلات ندارند، فقط موافقت کنند که از قطعنامه ها و تصمیمات یک اکثریت واقعی، کنگره ای که واقعا دربر گیرنده نمایندگان واقعی (که با رای مخفی همه اعضای سازمان در جلسه رسمی کنگرانها انتخاب می شوند) تشکیلات است، تبعیت می کنند. کمیته مرکزی سازمان رسماً به آقایان اطلاع داده است که اولاً با فراخواندن چنین کنگره ای کاملاً موافق است، ثانیاً موافق است که در کمیسیون تدارک کنگره، افرادی که نظر آنها را می پذیرند، هم شرکت داشته باشند. ثالثاً رسماً اعلام می کند که قطع نظر از اینکه آن تصمیمات موافق نظر فعلی اکثریت کمیته مرکزی باشد، یا نباشد، آن تصمیمات از محترم می شمارد و رعایت می کند. رهبری سازمان یقین دارد که سردرگمی روشنگرانهای که هنوز در عقب تارویود افکار این افراد بسیار ریشه دار است، مانع از آن است که اساسی ترین اصل انضباط حزبی را تکمیل نکند. تمام شخصیت بلانکیستی دوران مارکس و پلخانگیستی و سپس تروتسکیستی دوران لنین و مائوئستی دوران ما که سراسر وجود این روشنفکران را تسخیر کرده است، آنها را وادار می سازد که تا آنجا موافق اجرای تصمیمات اکثریت باشند که خودشان در اکثریت باشند در غیر این صورت آنها به خود حق می دهند که بدترین دشمنان را نشان سازمانشان، نشان بارانشان که تا دیروز در یک سنگسر بودند، کرده و راه خود را از راه آنان جدا کنند. این داوری کمیته مرکزی و بیش از ۹۵٪ تمام اعضا و کادرهای سازمان است.

ولسی آقایان با این قضاوت موافق نیستند. آنها می توانند باز هم پیشنهاد رهبری سازمان را بپذیرند و اعلام کنند که تابع تصمیمات کنگره ای خواهند بود که منتخب واقعی تمام واحدهای سازمانی است. آنها قطعاً متوجه هستند که در شرایط جدید برای نپذیرفتن پیشنهاد کمیته مرکزی دیگر هیچ بهانه ای ندارند. آنها بی که سیر پیشرفت و غلبه اندیشه انقلابی در سازمان را سر پیشرفت و سلطه حقان و استبداد در سازمان می دیدند و احساس می کردند مارکسیسم دارد دهان ایشان را به قفل و زنجیر می کشد، اکنون با یک عمل کودتائی شبانه قفل و زنجیرها را شکستند و هر چه میشان ظلمیده به جنسیتی خوراندند و نام آن را "دمکراسی حزبی" گذاشتند. آنها دیگر کوچک ترین بهانه ای ندارند که مدعی شوند، کمیته مرکزی، تشکیلات و جنبش را از آفات آسمانی ایشان محروم ساخته است. لذا اگر واقعا نه در حرف که در عمل به ابتدائی ترین

هر تغییری که پلنوم اسفند در قطعنامه پلنوم آذر ۵۹ داد، در جهت تحکیم آن بود و هر تغییری که پلنوم مرداد در تصمیمات پلنوم اسفند وارد کرد، آن را محدودش ساخت، بلکه مخدوش شدن آن را به وسیله زندگی و مقتضیات نوین که در بستر انقلاب سیسری توفانی صورت آید، مانع گردید. اگر جز این میشد، در این موارد این گذشته بود که بر آینده حکومت می گرد لنین همواره می گفت:

"آنچه دیروز کافی به نظر می رسید. امروز کافی نیست."

اصول تشکیلات، به مهم ترین اصل آن، به ساترالیسم دمکراتیک پایبند هستند، می توانند اعلام کنند که چنانچه کنگره مطابق صوابی که گفتیم فراخوانده شود، آنها تابع تصمیماتی خواهند بود که در آن اتخاذ می شود، حتی اگر در اقلیت قرار گیرند. که ما یقین داریم که فرار می گیرند. اقلیتی بسیار ناچیز و حقیر، و درست به همین دلیل است که آنها در حرف شعار کنگره را علم کرده اند اما عین جن از بسم الله از کنگره واقعی فرار می کنند. آنها بهمانه یک جریان هرگز از تصمیمات کنگره تبعیت نمی کنند و نمی توانند تبعیت کنند. این قانون پیکار طبقاتی است.

عناصری که خود را در حلقه بادبازی های کنگره و هلیل رودی افکندند، البته که دارای روحیات و انگیزه های متفاوتند. جای برخی از آنها از حمله هلیل رودی های آنها اصلاً در یک سازمان کمونیستی نیست. آنها هدف دیگری را از بودن در چنین سازمانی تعقیب کرده و خواهند کرد. هدف آنها ترسیدن به سازمان، منحل کردن و متلاشی کردن آن است. برخی هم سان کنگره ای این عده دچار همان بیماری هایی هستند که تروتسکی بدان دچار بود. یک بیماری روشنگرانه مرمی و در عین حال بسیار خطرناک. گروه سوم گروهی هستند که یا به علت سچیدگی شرایط، یا به علت بی خبر ماندن از

حقیقت مسایل و دیگر نارسائی های تشکیلات و یا به علت نداشتن فرصت برای همگام شدن با سطح تکامل فکری تشکیلات عجلانه تصمیم غلط گرفته و به راه کج کشیده شده اند. ما مطمئیم که تمامی عناصر گروه سوم کاملاً می توانند بپذیرند که چنانچه کنگره واقعی تشکیل شود از تصمیمات و قطعنامه آن کاملاً پیروی کنند، حتی اگر آن تصمیمات موافق فکر آنها نباشد، اما نه تجربیات مشابه تاریخی و نه شناخت علمی ما از روندهای مبارزه طبقاتی در جنبش کمونیستی که به جهت ردودن افکار بورژوازی از جنبش گسترش می یابند و نه شناخت رودروری ما از عناصر گروه اول و دوم هیچ کدام حاکی از آن نیست که چنین افرادی قادر باشند در عمل از تصمیماتی تبعیت کنند که منافع طبقاتی ایشان را تأمین نمی کند. چنین افرادی معمولاً آمادگی آن را دارند که به رندانه ترین و حتی رذیلتنازترین دروغ بافی که محافل امپریالیستی خیره آن هستند، متوسل شوند، انواع و اقسام جاروچنجال ها و مظلوم نمائی ها را راه بیاندارند که مسئله اصلی که تعهد ایشان به تبعیت از اکثریت در کنگره است ریز خورارها حرف بوج مدفون شود. و برای اینکه چنین نشود، ما یک بار دیگر، صد بار دیگر هزاران بار دیگر می پرسیم و با صدای بلند هم می پرسیم: آقایان! آیا شما حاضرید به رای اکثریت ساینده گانی که بطور رسمی انتخاب شده، از جانب واحدهای سازمانی تمام سازمان انتخاب شده و به کنگره تمام سازمان فراخوانده شده اند، گردن نهید یا خیر؟ لطفاً به این سؤال مشخص پاسخ مشخص بدهید نه در حرف که در عمل.

کمیته مرکزی سازمان همانگونه که به شما اطلاع داده است، آماده است که هر زمان که شما آمادگی داشته باشید، نمایندگان شعب و واحدهای سازمانی سازمان طبق مقررات اساسنامه سازمان فراخوانده شوند و برامون هر مسئله ای که شما آن را مورد اختلاف می دانید، رای و نظر خود را اعلام کنید. کمیته مرکزی سازمان و همه رفقای تشکیلات مطمئناً تابع تصمیماتی خواهند بود که این کنگره اعلام می نماید.

کمیته مرکزی سازمان همچنان بر این موضع بوده و هست. کمیته مرکزی سازمان همواره مدافع واقعی کنگره ای بوده و هست که بیانگر اراده واقعی مجموعه شعب و سازمان های ایالتی و ولایتی سازمان باشد.

این بحث ادامه دارد



- ۱- "مجموعه آثار و مقالات" ترجمه: محمدیورهرمان، ص ۳۱۵ (مسائل مورد مناظره)
- ۲- با انحلال طلبی مبارزه کنیم از وحدت اصولی دفاع نسائیم (بیانیه کودتا) ص ۱۱
- ۳- مجموعه آثار جلد ۱ - ص ۶۵
- ۴- ۵ و ۵ - با انحلال طلبی ... ص ۱۵
- ۶- همان منبع ص ۱
- ۷- همانجا ص ۱۸
- ۸- با انحلال طلبی ... ص ۱۷
- ۹- ۱۵ و ۱۰ - تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی از انتشارات حزب توده ایران، جلد اول ص ۱۵۲

تصحیحات ضروری

در کسار شماره ۱۴۱، در تیتراژ و نایب مطالب اشتباهاتی صورت گرفته که با پوزش از خوانندگان به شرح زیر تصحیح می شود

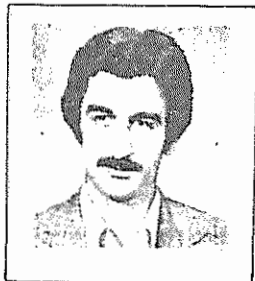
۱- صفحه ۱۵، در تیتراژ قطعنامه پلنوم مرداد حرف "با" اضافی است و آنچنانکه در نسخه های انتشار یافته در مرداد ماه ۶۰ دیده می شود، تیتراژ صحیح عبارت است از:

قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بیرامون وظایف مبارزه در راه وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مرداد ماه ۱۳۶۰

۲- صفحه ۱۵، در مدخل مقاله "تصمیمات تاریخی پلنوم مرداد" سطر اول پاراگراف آخر کلمه "پیشداوری" غلط است و به جای آن "داوری" درست است.

۳- صفحه ۱۲، مصاحبه رفیق جمشید ظاهری پور، ستون اول پاراگراف سوم، سطر سوم به غلط "ضربزدن به اعتماد مردن-تایب شده است که درست آن "ضربزدن به اعتماد مردم" است.

به یاد
استاد
شهید
کامران
نجات
الهی



سبحم دی ماه، سوسی
سالگرد شهادت کامران
نجات اللیبی اسد مبارز
دانشگاه اسد مبارز
نجات اللیبی در جریان
تحصیل داوطلبانه

دانشگاه در دی ماه ۵۷
هدف گلوه در حین رزم
جلاد ساد مدوم فرار گرفت
ساحوا مردانه به شهادت
رسد
شهادت این اسد جوان
و مبارز کهنه هزاران نمونه
ارقد آوری و ایثار دانشگانیان
اسفلی ایران در مبارزه برای
استقلال، آزادی و عدالت
اجتماعی است.
سازمان ما سالگرد شهادت
استاد نجات اللیبی را گرامی
می دارد. و در این فرصت
بار دیگر بر گناسی دانشگاه ها
این سگر بیکار در راه
استقلال، آزادی و عدالت
اجتماعی تاکید می نماید.

حافظ اسد : شوروی همسایگان خود خوار سازد
نیرومندی در کنار هم پیمانان خود خوار سازد
(حافظ اسد)

اخیرا روزنامه اطلاعات در شماره های ۳۰ آذر و اول دی ماه خلاصه متن مصاحبه حافظ اسد با سردبیر روزنامه "الرای العام" و مدیر مجله "النهضه" چاپ کویت را منتشر ساخت. حافظ اسد در این مصاحبه مواضع سوریه را پیرامون یک رشته مسائل مهم منطقه بیان نمود.

از آنجا که سوریه یکی از اعضای فعال و نیرومند جبهه پایداری است که در مقابل توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم علیه جنبش رهاشبخش خلقهای منطقه اطعانه ایستاده است و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز بارها حمایت و پشتیبانی خود را از جبهه پایداری اعلام نموده بررسی مختصر و یادآوری مواضع سوریه پیرامون برخی مسائل طرح شده در مصاحبه حافظ اسد را برای داشتن درکی روشن تر نسبت به مواضع نزدیکترین دوستان انقلاب ایران ضروری می دانیم. مردم ما که هم اکنون درگیر مبارزه های حاد با توطئه های شیطان بزرگ و اذتاب آن در منطقه می باشند، باید که از تجربه سایر دوستان خود در دیگر کشورها که دارای تجارب گرانقدری در مبارزه با دشمنان استقلال و آزادی میهن خود هستند یا موزند و مقابل تجارب پر رخ انقلاب ایران را به دیگر خلقهای مبارز جهان منتقل نمایند.

هستیم که شکاف میان رژیم های مرتجع عرب که همگی تظاهر به دفاع از حقوق مردم فلسطین می نمایند با کشورهای جبهه پایداری عمیق تر از گذشته گردیده است. این نیست مگر در نتیجه وجود مواضع کاملا متفاوت نسبت به امپریالیسم. آن رژیم های مرتجعی که هستی خود را با امپریالیسم آمریکا پیوند زده اند، هیچگاه نمی توانند از حقوق مردم فلسطین و سایر خلقهای عرب دفاع کنند. آنها در همان راهی گام می گذارند که سادات آغاز کرد و رژیم مرتجع سودی و نظایرش پیروان آن هستند. حافظ اسد در مصاحبه خود با اشاره بدین مضمون گفته است:

"مهمترین مساله محور وحدت و همبستگی ما، می تواند موضع واحد در مقابل مبارزه اعراب و اسرائیل باشد، چرا که این مهمترین مساله زمان ماست اگر نتوانیم در این زمینه موضع واحد اتخاذ کنیم، سخن از همبستگی بیهوده خواهد بود. مهم این است که هرگز یاس را به خود راه ندهیم هرچقدر مشکلات و سختی ها و شکست هایی که بر ما وارد شده، و می شود گران باشد. هیچ راهی جز مقاومت، رویارویی و در نهایت استرداد حقوق از دست رفته در برابرمان نیست."

الف - اساس اتحاد و همبستگی موضوع مشترک در برابر امپریالیسم و صهیونیسم است

تجربه اتحاد کشورهای جنبش های عربی علیه امپریالیسم و صهیونیسم به روشنی این واقعیت را اثبات کرده است که صرف ادعای آنها جهت مبارزه با صهیونیسم تا هنگامی که نسبت به منشاء این غده جریکن در منطقه درک نسبتا واحدی وجود نداشته باشد، این اتحادها پایدار نمانده و قادر به انجام وظیفه خطیر تاریخی خود نیستند. اگر امروز شاهد این پدیده

آن زمانی که توطئه کمپ دیوید راشکست خورده و متفحص یافتند، زمانی که نتوانستند طرح امریکایی نفوذ را در کنفرانس فاس بر مردم عرب تحمیل کنند، و سرانجام زمانی که سوریه را در برابر توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم سازش ناپذیر برای بازو در آوردن آن به تروریسم و کشتار جمعی مردم بی دفاع متوسل شدند. چنین شیوه ای جز منطق راهزنان امریکایی نیست حافظ اسد در این مورد گفته است:

"... این انفجار و حوادث کشتار و ترور و همه جنایاتی که در ضمن یک برنامه سیاسی (طرح ریزی شده است) این هدف را دنبال می کند که سوریه را به زانو در آورد تا در برابر طرح های امپریالیستی مطرح در منطقه مقاومت سیاسی علمی این انفجار پوچی کامل برنامه ریزی کمپ دیوید و مزدوران غیر مستقیم کمپ دیوید از کشورهای عربی محیط به سوریه را ثابت می کند"

کافی است بیاد آوریم در میهن انقلابی ما نیز زمانی که امپریالیسم آمریکا از پیشبرد توطئه سیاسی روی کار آوردن دولت میانه رو و به سازش کشاندن انقلاب قطع امید کرد با حربه تروریسم از مردم و رهبران سازش ناپذیر آنها انتقام گرفت " این مساله بار دیگر مویذ این امر است که تروریسم بیش از پیش به سیاست رسمی امپریالیسم آمریکا مبدل گردیده است.

ب - شوروی همچنان در کنار سوریه باقی خواهد ماند

در هفته های گذشته میان دولت متجاوز اسرائیل و آمریکا یک قرارداد استراتژیک امضا شد گرچه در نفس امر نام استراتژیک نهادن بر این قرارداد بسیار بی معنی است چرا که بدون این قرارداد نیز میان امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل علیه استقلال و آزادی خلقهای

منطقه وحدت استراتژیک وجود دارد، اما بهر جهت عقد این قرارداد جدید با اسرائیل بیانگر تشدید سیاست تروریستی و تجاوزکارانه امپریالیسم در منطقه است.

در مقابل، موضع اتحاد شوروی در برابر نقشه های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه امپریالیسم و صهیونیسم، دفاع قاطع از جبهه پایداری جنبش مقاومت فلسطین بوده است. این پشتیبانی و همکاری متقابل برخلاف رابطه آمریکا و اسرائیل یا رابطه آمریکا با رژیم های مرتجع عرب با منافع استقلال و آزادی خلقها و کشورهای منطقه کاملا انطباق دارد.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه امپریالیسم و دفاع از استقلال واقعی کشورها، به مثابه بزرگترین دوست و متحد دولت های ترقیخواه و توده های مردم بوده و خواهد بود. این یک پدیده اتفاقی، و یا غیر منطقی نیست که حافظ اسد با قاطعیت تمام از پیمان دوستی سوریه و شوروی دفاع می کند و آن را منطبق با مصالح سوریه و اعراب می داند. همانگونه که با قاطعیت از انقلاب ایران دفاع کرده است. و این مساله ای است که متأسفانه در جمهوری اسلامی ایران هنوز درک روشن از آن وجود ندارد. امروز در جهان تمام مردمی که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند، تمام کشورهای از بند رسته در وجود اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بزرگترین و مطمئن ترین دوستان خود را می یابند.

دشمنی با اتحاد شوروی و جلوگیری از گسترش پیوندهای انقلاب ایران با شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با هر نیتی که باشد جز به سود دشمنان انقلاب ایران نخواهد بود. حافظ اسد در مصاحبه خود در مورد پیمان دوستی سوریه و شوروی گفته است:

"... در مورد اتحاد شوروی باید بگویم که این کشور در کنار ماست و از ما

از نظر تسلیحاتی حمایت خوبی می کند. و پیشرفت روابط سوریه و اتحاد شوروی به مصلحت سوریه، اعراب، اتحاد جماهیر شوروی است... از دیدگاه ما شوروی همچنان دوست نیرومندی در کنار هم پیمانان خود خواهد ماند همانگونه که تجربه جنگ اکتبر ثابت کرد"

ج - سوریه قاطعانه از انقلاب ایران پشتیبانی می کند

اکنون مدتی است رژیم صدام و برخی دیگر از رژیم های مرتجع منطقه در بوق های خود تبلیغ می کنند که جمهوری اسلامی ایران از رژیم صهیونیستی اسرائیل اسلحه خریداری کرده است این تبلیغات از جانب نیروها و دولت های مرتجعی دامن زده می شود که خود به دنباله روی از سیاست های ضد مردمی امپریالیسم آمریکا در منطقه معروف هستند! منظرور آنها از اینگونه تبلیغات مخدوش کردن چهره واقعی انقلاب ایران و جدا کردن آن از دوستان و متحدانش در سراسر جهان است. رژیم صدام که در جبهه های جنگ تحمیلی هسر روز با شکست های فزاینده ای مواجه می شود با تشبث بدینگونه تبلیغات می کوشد با پیاده های شکست خود در میان مردم عراق مقابله کند. ولی دوستان انقلاب ما که درگیر مبارزه با امپریالیسم جهانی و صهیونیسم هستند و خودبارها در معرض چنین اتهاماتی قرار داشته اند، چنین تبلیغات رسوایی را هیچگاه باور نخواهند کرد. آنها بیش از پیش بدین واقعیت توجه می نمایند که انقلاب ایران به منافع امپریالیسم در منطقه ضربه جانیانه ای وارد کرده و هم اکنون نیز امپریالیسم آمریکا و رژیم های مرتجع منطقه هر روز توطئه جدیدی را علیه آن سازمان می دهند. حافظ اسد در پاسخ به تبلیغات رژیم های مرتجع منطقه علیه انقلاب ایران می گوید:

بقیه در صفحه ۲۰

به جنایت بزرگ مهاباد رسیدگی کنید

سپاه پاسداران مهاباد را از عوامل ضدانقلاب پاکسازی کنید

ایادی فتوالمهای منگور که توسط سپاه پاسداران مهاباد مسلح و به خدمت گرفته شدند، ده نفر از مردم مهاباد را کشتند و چندین خانه را به آتش کشیدند.

فرمانداری، جهادسازندگی و بنیاد شهید شهر مهاباد با صدور اعلامیه مشترک فاجعه کشتار مردم را محکوم کردند و خواستار مجازات عاملین این جنایت شدند.

در پی اعدام ۱۳ نفر از اهالی مهاباد توسط دادگاه انقلاب ارومیه، موجی از ناآرامی عدم امنیت، رعب و وحشت سراسر شهر مهاباد را فرا گرفت. همانگونه که انتظار میرفت ضدانقلاب با بهره‌برداری از این فضا به پایگاه‌های سپاه پاسداران مهاباد مسلحانه یورش آورد که در نتیجه آن یکی از افراد مسلح وابسته به فتوالمهای منگور کشته و پنج نفر دیگر مجروح شدند. سپاه پاسداران مهاباد چندی پیش گروهی از فتوالمهای منطقه منگور مهاباد و افراد وابسته به آنها را که دارای سابقه خدمتگزاری به رژیم شاه، شرارت، راهزنی و آزار و اذیت مردم هستند، به همکاری، دعوت و آنها را مسلح کرده بود.

صبح روز پس از این واقعه (سه‌شنبه اول دیماه) افراد منگور که همواره منتظر چنین وقایعی هستند تا دست به هر جنایتی بزنند محله‌های مجبورآباد و سفاسیاب مهاباد را محاصره کرده و پس از خارج نمودن مردم از منازل، زن و مرد و پیر و جوان را به رگبار می‌بندند که در نتیجه این عمل جنایتکارانه و ضدانقلابی بیش از ده نفر از مردم شهادت می‌رسند و دهها نفر دیگر مجروح

با دامن‌زدن به ناامنی و سلب اعتماد مردم نسبت به جمهوری اسلامی ایران، بتدریج و با در فرصت مناسب آن را از پای درآورد. اشرار منگوری که توسط سپاه پاسداران مسلح و به خدمت گرفته شده‌اند، قبل از ارتکاب جنایت بزرگ مهاباد، بارها به اعمال خلاف قانون، آزار و حتی قتل مردم مادتت کرده بودند. مردم مهاباد در برابر اعمال ضدانقلابی این دژ و دسته شکایات متعددی به مقامات جمهوری اسلامی در منطقه تسلیم کرده بودند که هیچگونه رسیدگی بعمل نیامده و حتی اشرار منگور از حمایت فعال‌تر برخی مسئولین سپاه پاسداران مهاباد برخوردار گردیدند.

در هفته‌های اخیر پس از برقراری آرامش نسبی در مهاباد، و بازگشت زندگی مردم به حال عادی، یک سری حرکات تشنج‌آفرین و مشکوک توسط گروهی از سپاه پاسداران در سطح شهر آغاز شده بود. این حرکات عبارت بود از اقدام به دستگیری و بازداشت دسته‌جمعی مردم در کوچه و خیابان و پیرونده‌سازی همراه با شکنجه برای تعدادی از افراد بازداشت شده که در موارد متعدد منجر به اعدام افرادی گردیده که در هیچیک از درگیری‌های مسلحانه شرکت نداشته و حتی برخی از آنها فعالیت سیاسی نیز نداشته‌اند. مردم مهاباد اکنون با چنین نمونه‌هایی بخوبی آشنا هستند. مثلاً مردم مهاباد بخوبی اطلاع دارند که ملا تقسیم سوچه‌ای از یک سال پیش با تأیید آیت‌الله منتظری امان‌نامه دریافت داشته و با هیچیک از گروهک‌های ضدانقلابی همکاری نداشته است. و یا محمدکریمی، باربر زحمتکشی است که اصلاً در زندگی، کاری از مسائل سیاسی نداشته است جنین افرادی در نتیجه این پیرونده‌سازی‌ها در روزهای اخیر در ارومیه اعدام شدند.

از نظر ما عوامل ضدانقلابی و مشکوکی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند هدفی جز دامن‌زدن به تشنج دور کردن مردم از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و

تقویت ضدانقلاب ندارند. آنها سیاست امریکا را در این منطقه پیاده می‌کنند. آینده ماهیت واقعی چنین افرادی را بیش از پیش روشن خواهد نمود. در نتیجه این اعمال بی‌رویه و خلاف قانون، ناامنی نگرانی شدید، ترس و وحشت بی‌سابقه‌ای فضای شهر را فرا گرفته است. اکنون تمام خانواده‌های شهر نسبت به حان فرزندان خود بیمناکند و شهر در یک حالت انفجاری قرار گرفته است. در بسیاری از منازل عزاداری است و آنهایی که تکلیف فرزندان و یا سرپرست خانواده‌شان روشن نشده بیشتر از بقیه نگرانند.

در جریان بازداشت‌های دسته‌جمعی مردم توسط سپاه پاسداران شش نفر از رفقای ما نیز به نام‌های:

- ۱- جمشید فاضلی
 - ۲- مصطفی دهیگری
 - ۳- محمدامین سوچه‌ای
 - ۴- صدیق صدیقی
 - ۵- قادر رشادت
 - ۶- مصطفی امامی
- علیرغم اینکه سپاه پاسداران از وابستگی این رفقا به فدائیان (اکثریت)

اطلاع دارد بازداشت شده‌اند. برخی از این رفقا در جریان بازجویی مورد شکنجه قرار گرفته و علیه آنها پیرونده‌سازی شده است که با توجه به موارد مشابه در مورد زندگی و سلامت این رفقا جای نگرانی فراوان است. با توجه به ایجاد فاجعه‌آمیز آنچه در مهاباد روی داده است، اتمام نهب‌ها و ارگان‌های دی‌صلاح بخصوص پزشکی کل کشور و مسئولین دست‌اندرکار مسائل کردستان می‌خواهیم با مراجعه به مردم مهاباد که زنده‌ترین شاهد صحت این گزارش هستند، عوامل ضدانقلابی و قانون‌شکن را از سپاه پاسداران مهاباد پاکسازی نمایند. این یک نیاز مرم و ناخیرناپذیر است. اعتماد مردم به انقلاب و قانون باید با مجازات جنایتکاران و قانون‌شکنان در مردم مهاباد احیاء نمود. نیروهای مردمی خواهان آنند که رهنمودهای امام خمینی در مورد کردستان به اجرا درآید و عواملی در نهاد‌های مسئول جمهوری اسلامی در منطقه که در این زمینه خرابکاری می‌کنند افشاء و مجازات شوند.

رژیم‌های امریکائی...

صلح و سوسیالیسم است. شرط پروری در وحدت همه اقشار و نیروهای خلق است، این حکم درست تاریخ است که اگر همه مردم با هم متحد باشند، امریکائی هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. ما بار دیگر دعوت کمیته مرکزی سازمان را تکرار می‌کنیم:

هم‌میهنان مبارز!
انقلاب ما لحظات حساسی را پشت سر می‌نهد. توطئه جدید امپریالیست‌ها و مرتجعین در حال تکوین است. خلق ما بی‌گمان توان آن را دارد که این توطئه‌ها را نیز در هم شکند، دست در دست یکدیگر بگذاریم

با هر مرام و عقیده‌ای که هستیم چه در جنبه‌های جنگ چه در جنبه‌های تولید، چه در سایر سنگرهایی که هستیم، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را که تیره خون دهها هزار شهید ماست، برپا و سرافراز نگاه داریم. امروز تاریخ از تک‌تک ما فداکاری و جانبازی می‌طلبد، عزم و شور انقلابی می‌طلبد، اتحاد و یکپارچگی می‌طلبد، همه با هم حول رهبری امام خمینی متحد شویم و همه توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیست‌ها و مرتجعین را درهم شکنیم.

نکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

اکنون پس از تصویب کلیات لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی در مجلس شورای اسلامی که ماه گذشته انجام گرفت، مردم منتظرند ببینند فرجام کار لایحه در مجلس شورای اسلامی به کجا می‌انجامد؟ لایحه‌ای که اگر از هفت خوانی که تمام لوائح باید پشت سر بگذارند و چیزی بیش از گوش و دم آن بریده نشود، گام بلند هر چند ناقص در جهت تحقق اهداف مردمی انقلاب شکوهمند مردم ماست. گاهی که باید با برداشتن گام‌های دیگری به گونه‌ای تکمیل شود که واقعا هم جنبه‌های صدامبرایستی و استقلال‌طلبانه دولتی کردن بازرگانی خارجی را شکوفا سازد و هم جنبه‌های مردمی و عدالت‌جویانه‌ای را که مردم طلب می‌کنند.

کشور ما در شرایط کاملاً عادی می‌گردد که چه کالاهایی را به چه اندازه و در چه موقع وارد کنند تا بیشتر سود برند. تاجر به نفعت حیث فکر می‌کند نه به

تجار هستند که تصمیم می‌گیرند که چه کالاهایی را به چه اندازه و در چه موقع وارد کنند تا بیشتر سود برند. تاجر به نفعت حیث فکر می‌کند نه به

محدودیتی. در چپاولگری سرمایه‌دارها بوجود می‌آورد. شدت مخالفت با این لایحه مخالفت کرده‌اند. آقای واعظی نماینده محترم مجلس شورای اسلامی با کمال صراحت و بدون کوچکترین خجالتی در جلسه رسمی مجلس در مخالفت با دولتی کردن بازرگانی خارجی فرموده‌اند:

" برداشته‌هایی که امروز می‌شود، برخلاف شریعت اسلام است. من می‌ترسم از ترس کمونیستی گرفتار اصول کمونیستی شوم "

این آقای نماینده در مجلس نشسته که با هر کاری که به نفع سرمایه‌دارهای زالوصفت نباشد مخالفت کند این آقای محترم بدان دیگر همفکرانش یگانه راه دفاع از سرمایه‌دارها را این می‌داند که به‌روزی هر اقدامی که استقلال و شرف ملی را تاسمین می‌کند، به روی اقدامی که می‌خواهد حتی اندکی غارتگری سرمایه‌دارها را مهار کند، انگ و برچسب " خلاف شریعت " و " مارک کمونیستی " بزنند.

همفکر دیگر این آقای نماینده به نام آقای طاهری نیز در مخالفت با کلیات لایحه سخنرانی کرده و در مجلس در حضور همه نمایندگان مردم با توسل به زشت‌ترین شیوه‌های فرصت‌طلبانه و غرض‌الوسود گفته است:

" هرچه دولتی شود و در انحصار دولت درآمد مسا اکثر می‌گوشیم نتیجه‌اش عکس بود... موقعی که امام در پاریس بودند، هیچ سخنی از تجارت خارجی نفرمودند. این مسأله قابل توجه است که تنها وقتی مسأله تجارت خارجی در مجلس خبرگان مطرح شد، گروه‌های چپ شعار می‌دادند که تجارت خارجی باید دولتی شود "

آقای طاهری در کمال تأسف در مقام یک نماینده مجلس شورای اسلامی امام خمینی را متهم می‌کند که قبل از قرار گرفتن در راس امور کشور، حرف‌های دیگری می‌زده‌اند که امروز آن حرف‌ها را نمی‌زنند. این هم توهین است هم قلب واقفیت. امام از همان سال بقیه در صفحه ۱۹

مدافعان سرمایه‌داری در کار مسخ لایحه ملی کردن بازرگانی خارجی

• توزیع داخلی کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخلی باید بطور عمده برعهده تعاونی‌های صنفی و بخش دولتی قرار گیرد.

• سرمایه‌های بخش خصوصی، بجز کسبه و پیشه‌وران باید از دخالت در توزیع داخلی منع شوند و فعالیت آنها مطابق قوانینی که تدوین می‌شود، در صنعت و کشاورزی مورد حمایت قرار گیرد.

نظر آقای عسگر اولادی

درباره توزیع داخلی

نادرست و مبهم است

چه کسانی با کلیات لایحه مخالف‌اند؟



از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ دی ۶۰

مصلحت مردم. وقتی کار تجارت خارجی در دست دولت نباشد، ارز کشور صرف وارد کردن اجناس نخل و پرمشتری در بازار می‌شود نه صرف خرید صنایع سنگین و نیازهای توسعه صنعتی. وقتی تجارت خارجی در دست دولت نباشد، بازار کشور پر از کالاهای بنجل مصرفی غربی خواهد شد زیرا هم آب کردن این کالاها در بازار برای تاجر سود بیشتری دارد و هم سیاست امپریالیست‌ها این است که کشور ما را از صنایع اساسی محروم نگاهدارند. آنها فقط حاضرند که اجناس مصرفی خود را در بازارهای ایران بفروشند. اگر تجارت خارجی در دست تاجر باشد، آنها قطعا اقتصاد ما را با سرمایه‌های وابسته و کشور ما را از داشتن صنایع سنگین و خودکفایی محروم خواهند ساخت.

لایحه بازرگانی خارجی از آنجا که دست تاجر را از برنامه‌ریزی و تعیین سیاست ورود کالا کوتاه می‌کند و این مهم را به دولت می‌سپارد گام بسیار مهمی در جهت استقلال اقتصادی ایران برداشته است البته لایحه برای محول کردن تمام بازرگانی خارجی به دولت ۴ سال مهلت در نظر گرفته است که به نظر می‌رسد مدت بسیار زیادی است زیرا اگر

به حق باید گفت که کلیات لایحه می‌تواند در مناسبات اقتصادی ایران با بازارهای جهانی تغییرات جدی بدهد. سیاستی که در زمان شاه در زمینه تجارت خارجی دنبال می‌شد سیاستی بوده است که بدترین زبان‌ها را به استقلال اقتصادی ما وارد آورده و بیشترین منفعته را به کسبه سرمایه‌داران بزرگ ریخته است. مطابق قوانین زمان شاه هرکس آراد بود هر چیز که دلش می‌خواهد، هر چیز که برای او می‌تواند سود بیشتری داشته باشد، از کشورهای امپریالیستی غارتگر به ایران وارد کند و در بازار ایران بفروشد. کار به جایی رسیده بود که تقریباً همه مایحتاج مردم از نان گرفته تا پوشاک و مصالح ساختمانی و کالاهای صنعتی پیشرفته همه و همه از خارج وارد می‌شد و برای ما فقط مانده بود یک مشت صنایع مونتاژ که بدون غرب به مفت هم نمی‌آوردند. ۹۸ درصد بازرگانی خارجی ایران با کشورهای امپریالیستی و فقط چیزی حدود ۲ درصد با کشورهای سوسیالیستی بود. این سیاست روز به روز دست ملت ایران را بیستی امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی درازتر می‌کرد. در زمان شاه و بطور کلی در زمانی که تجارت خارجی دولتی نباشد، این

از جانب امپریالیست‌ها بر ما وارد می‌شود و با وجود این جنگ تحاورکارانه صدامی آمریکایی آیا باز هم می‌تواند ۴ سال کج‌دار و مریز رفتار کرد؟ به اعتقاد ما تنگناهای موجود و جدت شرایط کاملاً اجاب می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران هم تمام‌ارز حاصله از فروش نفت و سایر کالاها را دقیقاً طبق برنامه‌ریزی که تماماً متوجه حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب است، مصرف کند، و هم قیمت‌گذاری و نحوه فروش کالاهای وارداتی را زیر نظر و کنترل خود بگیرد. به نظر ما ضرابت و زیان‌هایی که سرمایه‌داران

بسیار طولانی است. بسیار طولانی است. بسیار طولانی است. بسیار طولانی است.

مدافعان سرمایه داری . . .

از صفحه ۱۸

۴۲ مدام روی خواست‌های محرومان جامعه و مقابله با کاخ‌نشین‌ها و طاغوتیان صحت کرده‌اند و می‌کنند امام خمینی از ابتدا این انقلاب را انقلاب کاخ‌نشین‌ها علیه کاخ‌نشین‌ها نامیده‌اند و می‌نامند. این امثال آقای طاهری‌ها هستند که سابق بر این خود را موافق امام قلمداد می‌کردند و امروز بر ایشان و پیروانشان خرده می‌گیرند که چرا قبل از انقلاب از این حرف‌ها نزنده‌اند. آقای طاهری! آن روز هم همین حرف‌ها مطرح بود. منتها شما و امثال شما در گوش خود را می‌گرفتید تا بلکه بتوانید خود را با آینده انقلاب همراه نشان دهید تا اگر بتوانید در فرصت‌های بعدی آن را همراه سرمایه‌داری بکشانید.

حالب است که آقای طاهری عین همان حرف‌های چپ‌زده‌های آمریکایی را تکرار می‌کند. منتهی چپ‌های آمریکایی مدعی‌اند که امام وقتی در پاریس بود به‌سود مردم حرف می‌زد و حالا علیه مردم شده است و آقای طاهری می‌گوید امام وقتی در پاریس بود علیه سرمایه‌دارها حرفی نزنده بود و حالا می‌زند. اما علی‌رغم این مخالفت‌ها کلیات لایحه با اکثریت قاطع نمایندگان مجلس به تصویب رسید.

مغای دولتی کردن تجارت خارجی این است که دولت برای تجار کالا وارد کند

بحث اصلی پیرامون دولتی‌کردن بازرگانی خارجی پس از تصویب کلیات لایحه بحثی است پیرامون مسأله توزیع داخلی مسأله حاد مورد بحث در این زمینه آن است که آیا دولت باید کالاهایی را که از خارج می‌خرد و وارد می‌کند از همان ابتدا در اختیار تجار بخش خصوصی بگذارد که آنهاروی آن معامله کنند یا

و در بخش تجارت داخلی به هیچ وجه ما منع نمی‌خواهیم داشت و سعی خواهیم کرد که از تمام نیروها و امکانات بخش خصوصی در داخل استفاده کنیم"

تجربه تمام کشورهایی که تجارت خارجی را ملی کرده‌اند بارها و بارها نشان داده است که هر کجا که کالاهای وارداتی کالا در اختیار تجار بودجو قرار گرفته است عملاً دولت به خدمتکاران آن تجار بدل شده و ماوراان حکومتی عملاً کارگزار عامل تجار و

می‌کنند. بعد آنهارا به تدریج به بازار می‌آورند و با قیمت دو، سه و حتی چند برابر می‌فروشند. میلیارد میلیارد سود به جیب می‌زنند. همه مردم می‌دانند که اگر به تجار اجازه داده شود که روی اجناس مورد نیاز مردم معامله کنند اگر به کسی اجازه داده شود که اجناس را از این دست بخرد و از آن دست بفروشد، مردم بر اثر احتکار هم با قحطی‌های دائمی و مکرر مواجه خواهند بود و هم قیمت‌ها غیرقابل کنترل خواهد شد. و گرانی همواره بیداد خواهد کرد اگر قرار باشد، تجارت

واعظی نماینده مجلس در مخالفت با دولتی شدن بازرگانی خارجی گفت :
" این برداشت‌هایی که امروز می‌شود، برخلاف شریعت اسلام است من می‌ترسم از ترس کمونیست گرفتار اصول کمونیستی شوم"

داخلی به بخش خصوصی سپرده شود، باید بدانیم که این کشور رنگ عدالت اجتماعی به خود نخواهد داد. تجار سرمایه‌دار روی زندگی مردم دائم معامله می‌کنند و بدون اینکه کوچکترین زحمتی کشیده باشند میلیاردها میلیارد ثروت کشور را به جیب می‌زنند. کسی که این طرح را می‌دهد که دولت به جای سرمایه‌دارها برود از خارج کالا بیاورد و در ایران تحویل سرمایه‌دارها بدهد که روی آن معامله کنند، آن کالاها را احتکار کنند و زندگی را بر مردم حرام کنند در عمل دولت ربه کارگزار و خدمتکار سرمایه‌دارهای زالوشت بدل می‌کند. با کمال تأسف آقای حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان که وزیر بازرگانی کابینه است معتقد نیست که دست تجار بزرگ از معاملات عمده داخلی کوتاه شود. عسگراولادی مسلمان در مصاحبه رادیویی صبح روز یکشنبه ۶ دی می‌گوید:

" . . . منتهی ما در تجارت خارجی قانوناً نمی‌توانیم این اجازه را بدهیم. اما در بخش توزیع و در بخش داخلی

" در مورد تجار ما در مورد بنکدارها همان در مورد کسانی که تمکنی دارند . . . هیچ منع قانونی و شرعی برای اینها وجود ندارد و فعالیت اینها کاملاً ادامه دارد"

معنای رک و پوست‌کنده این حرف این است که دست سرمایه‌دارهای بخش خصوصی باز است که هم روی کالاهای وارداتی جنگ بیاورند و هم روی تولیدات داخلی و هم هیچ منع قانونی و شرعی هم شر راه آنها نیست

برداشت آقای وزیر از تعاونی و نقش آن مبهم است

وزیر بازرگانی هم در این مصاحبه و هم در گفتارهای قبلی از سپردن توزیع به تعاونی‌ها نام برده است و از جمله در اطلاعات ۳ آور می‌گوید

" ارتباط با بیگانه برای خرید به تصدی دولت درخواهد آمد و توزیع داخلی به وسیله تعاونی‌ها و در موارد کمبود به وسیله بخش خصوصی انجام خواهد گرفت و جز در ضرورت‌ها، توزیع دولتی نخواهد شد

همس آقای وزیر احیاً بطور صریح گفته است :

" لذا باز تکرار می‌کنیم در تکنها و در زمان‌های محدود باید شیوه سهمیه‌بندی مورد نظر باشد و در صورت‌ها که به خاطر مسائل جنگ و یا محاصره اقتصادی پیش می‌آید، سیستم تعاونی می‌تواند توزیع عادلانه و خوبی در پی داشته باشد و هر کجا که این دو اشکال نیست چنانکه قانون اساسی توزیع راه مردمی و آزاد اعلام کرده باید چنین باشد"

اما این اظهارات آقای وزیر دارای دو اشکال بسیار مهم است که اگر امروز رفع نشود فردا منشا مشکلات

نصفه در صفحه ۲۰

گسسته باد همسه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

مدافعان سرمایه داری...

از صفحه ۱۹

بسیار خواهد بود. آقای وزیر در این سخنان توضیح نمی دهد که :

اولا - منظور ایشان از تعاونی چیست ؟ آیا منظور همان شرکت سهامی است که نامش تعاونی شده ؟ یا منظور از شرکت تعاونی، نهادهای است که تمام کارکنان، جزء، مشاغل در صنف را دربر می گیرد و هیچ فردی بیش از یک یا حداکثر در موارد استثنایی دو سدرصد سهام را به خود اختصاص نمی دهد در همین مورد از زبان مدیرعامل " مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی در اطلاعات اول آذر می خوانیم :

" حالا که برخی تجار فهمیده اند دولت نظرسنجی نسبت به شرکت های تعاونی مساعد است چند نفری رفتند و یک شرکت تعاونی تشکیل داده اند . در حالیکه شرکت تعاونی باید اکثریت اعضای صنف را دربر گیرد "

درصحت های آقای وزیر بازرگانی هیچگاه این زبان نیز افتخارگانه در مورد راههایی که سرمایه دارها برای حفظ منافع کلان خود پیدا می کنند، موجود نیست . معلوم نیست تعاونی های آقای وزیر چگونه تعاونی های است ؟

ثانیاً - آیا فقط به خاطر جنگ و محاصره اقتصادی و از این قبیل است که " سیستم تعاونی می تواند توزیع عادلانه و خوبی در پی داشته باشد " یا اصلاً سیستم تعاونی واقعی به این علت می تواند توزیع عادلانه و خوبی داشته باشد که مانع سودجویی سلاطین بازار می شود و راه را تاحدی بر دزدی و غارتگری لجام گسیخته سرمایه داران می بندد ؟

دل های سیاه دل باختگان مال و مقام

آقای وزیر محترم اصلاً هیچ اشاره ای تاکنون به این معنا نداشته است که به علت اینکه آقایان بازرگانان کلان سرمایه دار احتکار می کنند ، گرانفروشی می کنند ، تقلب

می کنند باید دست آنها را کوتاه کرد و وظیفه توزیع داخلی را عمدتاً برعهده تعاونی های صنفی که همه اعضای صنف عضو آن هستند گذاشت آقای وزیر تا امروز راجع به ضرورت حذف واسطه ها و دلالان که با خرید و فروش های مصنوعی و بورسریازی قیمت ها را گاه تا ده برابر بالا می برند ، و سودهای کلان بالا می کشند یک کلمه هم صحبت نکرده است آیا علت تعاونی کردن توزیع ، جنگ و محاصره اقتصادی است یا طبق همان اصل ۲۲ قانون اساسی و به این علت که انقلاب، انقلاب کوخ نشینان است باید دست دلالان و واسطه ها قطع شود و تعاونی های صنفی جای آنها را بگیرد ؟

در همین زمینه دکتر بهشتی شهید در مصاحبه با اطلاعات ۱۵ شهریور ۵۹ می گوید :

" یکی از عوامل بسیار موثر که گرانی کالاها یک مقدار به آن مربوط می شود همین غلط بودن شبکه توزیع کالا است این هم باید عوض شود .

اطلاعات : اگر بازرگانی خارجی دولتی شود شبکه توزیع کالا کنترل نخواهد شد ؟

دکتر بهشتی : چرا ما دو بخش داریم یعنی از دو جا این مساله آب می خورد یکی از مساله بازرگانی خارجی است که در آن سوء استفاده هایی می شود و یکی هم در شبکه داخلی است که دست های زیادی بیخود در کار است چرا ؟

در برخورد با این مساله بسیار مهم آقای وزیر بازرگانی در مصاحبه رادیویی می گوید :

" از بازرگانان ، بنکداران پیشهوران ، خلاصه از کسانی که در کار تجارت و توزیع در کشورمان خدمت کرده و می کنند ... تقاضایم این است که هر امکانی دارند برای رفع احتکار و برای رفع گرانفروشی برای رفع بازاریاسه " بکارندازند

آقای وزیر ما اول گوشت را به گریه می سپارند بعد خیلی مودبانه از او می خواهند که با گوشت محترمانه رفتار کند کجا در عالم دیده شده که تجار بزرگ انصاف داشته باشد . مال را پنهان نکند احتکار نکند و مردم را به روز دلت نشانند ؟ برآستی این آقای وزیر جز نصیحت مفت و مجانی دیگر چه کاری حاضرند علیه سرمایه دارها در موضوع توزیع داخلی به نفع مردم انجام دهند ؟

آیت الله مشکینی در مورد ضرورت بکارگماردن ما موران دولت برای کنترل و نظارت بر شبکه توزیع صراحتاً می گوید :

" دل های سیاه دل باختگان مال و مقام را انبیسای الهی نتوانستند متوجه کنند و با همان حال به عالم کيفر روانه شدند و اما روش هایی که از جانب مسئولین اعمال می شود تا حدی موثر بوده و خواهد بود "

* * *

در تمام مصاحبه ها ، اظهار نظرها و مباحثات مجلس و دیگر جاه که در روزهای اخیر صورت گرفته است مساله رابطه دولتی شدن بازرگانی خارجی و امر توزیع داخلی مورد توجه قرار گرفته است . در این زمینه اکنون بروشنی دو نظر متفاوت وجود دارد :

یک نظر متعلق است به آقای عسکراولادی مسلمان و همفکرانش آقای خاموشی که مسئول کمیته امور صنفی است و بسیار خشنود است که آقای عسکراولادی در راس وزارت بازرگانی است . این آقایان معتقدند که در فعالیت بخش خصوصی در زمینه بازرگانی داخلی (فروش واردات و فروش تولیدات داخلی) نباید هیچ منع قانونی بوجود آید و باید دست تجار در کارهایی که می کرده اند و می کنند جز در تجارت خارجی در همه جا باز باشد نظر دیگر می گوید :

ما باید درصدد باشیم که واسطه ها ، تجار بزرگ ، دلال ها ، عمده فروش ها که سودهای نامشروعی کسب می کردند و می کنند حذف شوند توزیع عمدتاً باید به روشک صورت گیرد : از طریق تعاونی های متشکل از فروشنندگان جز ، و توزیع از طریق ارگان های دولتی در مورد بسیاری از کالاهای

اساسی در موقع کمبود کالا ضرورت ، ایجاب می کند که از سیستم کوپنی استفاده شود . این به معنای حذف سرمایه داری بطور کلی نیست سرمایه های خصوصی می توانند ، همچنان مطابق قوانینی که تدوین می شود در بخش صنعت ، کشاورزی در امر تولید مشارکت داشته باشند سرمایه های کوچک نیز تشویق می شوند (مجبور نمی شوند) که در تعاونی ها مجتمع شوند و در رشته های مختلف تولید و تجارت سهمی برعهده گیرند . کسب و کار این سرمایه ها چنانچه به هر دلیل نتوانند فعلاً به صورت تعاونی درآمد کاملاً از تعرض مصون خواهد بود و مورد حمایت دولتی نیز قرار می گیرد .

به اعتقاد ما این نظر هر چند کلی است با این همه عناصر اصلی یک سیاست درست را که پاسخگوی نیازهای فعلی ما باشد در خود دارد .

متأسفانه لایحه دولتی کردن تجارت خارجی تکلیف رابطه تجارت خارجی با توزیع داخلی را معین نکرده است . این لایحه فقط در ماده ۱۴ خود متذکر می گردد که کالاهای وارداتی ، به " شبکه توزیع بخش دولتی تعاونی و خصوصی تحویل می شود . در این قانون راجع به چگونگی و میزان تحویل کالا به بخش های سه گانه هیچ صحبتی نشده است از این

بقیه از صفحه ۱۶

حافظ اسد...

" ... انسان در این مسائل باید عقل خود را حکم قرار دهد . نه اینکه به دنبال سخنان و جملاتی راه بیافتد که اهداف خاصی را دنبال می کند و از هرگونه منطق و استدلالی بدور است . . . انقلاب اسلامی ایران شدیداً علیه اسرائیل مبارزه می کند با اشغال سرزمین های عربی توسط اسرائیل مخالف است می کند . . . می خواهیم در این زمینه بگویم که هدف از این حمله ، ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران است و نه هیچ چیز دیگر "

تمام آن حقایقی که در سخنان حافظ اسد در مورد مسائل منطقه و انقلاب

قانون هم می توان استنباط کرد که مواد اولیه کارخانجات بخش خصوصی که از خارج وارد می شود ، توسط دولت به آنها تحویل داده می شود هم می توان استنباط کرد که پس از رفع نیازهای تعاونی ها و بخش دولتی و حتی قبل از آن دولت کالاهایی را که می آورد کلاً تحویل تجار بازار می دهد که هر کار دلشان خواست بکنند اعضای کمیسیون بازرگانی مجلس نیز در مصاحبه ۱۹ آذر ماه خود با کیهان بدرستی روی ابهامات و نواقص انگشت گذاشته اند .

مردم از اینکه بالاخره پس از یک سال و نیم لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی به مجلس رفته و در شور اول کلیات آن به تصویب رسیده است بسیار خوشحالند . لاکن متأسفانه هنوز روشن نیست که ارتباط بین سه نوع مالکیت در بخش های دولتی ، تعاونی و خصوصی که در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است چگونه است و معنای اینکه بخش خصوصی مکمل بخش دولتی و تعاونی است در عمل و بطور مشخص چیست . مافکر می کنیم رفع این ابهام لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی در چارچوب های که گفتیم بتواند امر دولتی کردن بازرگانی خارجی را از مضمونی کامل و واقعی برخوردار سازد

ایران بازتاب یافته است تماماً مسائلی هستند که با آرمان های انقلاب ایران انطباق دارند .

انقلاب ما در سراسر جهان دوستان فراوانی دارد وظیفه مبرم دولت جمهوری اسلامی ایران است که با اتخاذ سیاستی منطبق با مصالح انقلاب از تمام این دوستی ها به سود تعمیق انقلاب استفاده نماید . گسترش و تحکیم پیوندهای انقلاب ایران با جنبه پایداری یک ضرورت حیاتی است . این پیوند در شرایطی که دشمن عملاً علیه ما توطئه می کند نباید تنها به حمایت معنوی از یکدیگر محدود شود . جنبه پایداری جنبه های است عمیقاً ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی . دولت جمهوری اسلامی ایران باید این جنبه را بیش از پیش تقویت نماید .

اعلامیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ترکمن صحرا سخنی با دادستانی انقلاب اسلامی گنبد و دیگر مسئولین منطقه

پاسداری از دستاوردهای انقلاب و تلاش در بقاء و گسترش آن در شرایطی که هنوز زخم خوردگان و رگم کرده‌ها آسیب‌های جدی به انقلاب وارد می‌کنند، وظیفه انقلابی کسانی است که در فکس انقلابین و قلبشان با آن می‌تپد. بی‌اعتنایی به ثمرات گرانبهای مبارزات دهها میلیونی توده‌های مردم و خون‌های ریخته‌شده شیوه کسانی است که با همپای انقلاب گام بر نمی‌دارند و یا ناگاهانه رو در روی انقلاب قرار دارند.

انقلاب خونبار میهن مان در مرحله‌ای است که بیش از هر زمان دیگر نیازمند حمایت وسیع توده‌های مردم است زیرا دشمنان انقلاب و درراس همه آنها شیطان بزرگ آمریکا با توطئه‌های تازه‌ای به میدان می‌آیند. بنابراین غفلت از جلب حمایت مردم برای آمادگی و مقابله با کیدهای آمریکا را تاریخ نخواهد بخشود.

اکنون مردم ما می‌خواهند هرچه زودتر به غارتگری و چپاول بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری پایان داده شود آزادی‌های سیاسی و امنیت اجتماعی تامین گردد در یک کلام قانون اساسی که محصول گسرنبهای مبارزه با امپریالیسم و سازشکاران و دستاورد بزرگ خلق بشمار می‌رود، بدون خدشه به اجرا درآید. تا زمینه برای تامین عدالت اجتماعی فراهم شود لذا قانون‌شکنی‌ها خودسری‌ها و بی‌اعتنایی به رعایت قانون و توصیه‌ها و تاکیدات مکرر امام و اعلامیه‌های رسمی، علیرغم همه نیاز حیاتی به اجرای قانون اساسی و برقراری حکومت قانون نتیجه‌ای جز بی‌اعتبار کردن جمهوری اسلامی و کاستن اعتماد توده‌ها و تضعیف جبهه متحد انقلاب نمی‌تواند داشته باشد.

روی سخن ما قبل از همه متوجه دادستانی انقلاب اسلامی گنبد است که هنوز نتوانسته به این امر مهم یعنی جلب اعتماد توده‌های مردم در رابطه با وظایفی که به عهده دارد پاسخ مناسبی دهد. دستگیری‌های مکرر کسانی که در گذشته‌های نحوی از انجا در رابطه با این پیمان آن واقعه ناخواسته بوده‌اند و بازداشت بدون محاکمه برخی از آنها حتی به مدتی بیش از یک سال، تعقیب و تبعید افراد و عناصری از توده‌های مردم، اعضا شوراها و نیروهای سیاسی مخصوصا اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در تلاشی پیگیر و گسترده در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی هستند، خود نقض آشکار قانون از سوی برخی

مسئولین قضایی و اجرایی منطقه محسوب می‌شود آیا دستگیری‌ها و بازداشت‌های یاد شده از جمله دستگیری و بازداشت نماینده ما در دوره تحویل سلاح چیزی جز نقض آشکار قانون و ایجاد خوراک تبلیغی برای زخم خوردگان منطقه فتوادلها و سرمایه‌داران و دیگر ضدانقلابیون است؟ راستی آقای دادستان چه کسانی بیش از همه از دستگیری مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی شادمانی می‌کنند و از این بهانه برای دور کردن و سلب اعتماد توده‌ها از ارگان‌ها و حاکمیت بهره‌برداری می‌نمایند؟ آیا شما بد عواقب زیانبار ادامه سیاست‌های بنان در منطقه که با قانون و توصیه‌ها و تاکیدات مقامات مملکتی همخوانی ندارد اندیشیده‌اید؟

آقای دادستان! مسئولین منطقه!

ترکمن صحرا، منطقه‌ای که ما در آن سر می‌بریم بیش از همه مناطق دیگر نیازمند به کار و تلاش صبورانه و با حوصله برای جلب توده‌های محرومی است که سالها به استضعاف کشیده شده و به ناحق رنج سالیان دراز تفرقه و جدایی ملی و قومی را تحمل کرده‌اند. هنوز بقایای این جدایی‌ها و کدورت‌ها که در درجه اول به عهده رژیم منحوس پهلوی و بزرگ مسالکان و سرمایه‌داران و سازشکاران و سپس برخی سیاست‌های نادرست نیروهای سیاسی و ارگان‌های منطقه است بر حیات اجتماعی مردم این مرز و بوم سنگینی می‌کند. ما انتظار داریم که به سیاست نادرست بسازداشت‌های غیرقانونی مردم و اعضا و هواداران سازمان که انقلاب‌شکنانه و تفرقه‌افکنانه است خاتمه داده شود و کلیه افرادی که بطرفی در رابطه با تقابل‌های گذشته و وضعیت‌های پیشین بازداشت شده‌اند، آزاد گردند. این حق مردم محروم منطقه و نیاز انقلاب است که هرچه زودتر بیخ‌های کدورت با اتخاذ سیاست‌های روشن‌بینانه اصولی و منکمی به قانون توسط ارگان‌های قضایی و اجرایی منطقه دوب شده و با برقراری تفاهمی عمیق و گسترده بین همه طبقات‌های ساکن منطقه و نیروهای سیاسی مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی، جبهه انقلاب بیش از پیش محکم‌تر و استوارتر گردد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ترکمن صحرا
بیست و ششم آذرماه ۱۳۶۰

مخنی نیک‌پی را آزاد کنید

رفیق مخنی نیک‌پی که ارسوی سازمان ما به عنوان نماینده به ارگان‌های انقلابی منطقه ترکمن صحرا معرفی شده است. حدود دو ماه است که کاملاً بی‌دلیل و مغرضانه که تاثیر آن صرفاً تخریب اعتماد عمومی و اخلال در افکار عمومی است توسط عناصر غیرمسئول بطور غیرقانونی در شهر گنبد بازداشت گردیده است. یک بار دیگر مقامات قضایی جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم با آزاد کردن فوری رفیق نیک‌پی و رسیدگی به عاملین این اقدام غیرقانونی، اعتماد مردم به دستگاه قضایی کشور را تقویت کنند.

سیاه پاسداران داوطلبان را به جبهه‌های جنگ دعوت کرد

دفاع از میهن انقلابی حق همه مدافعان انقلاب از هر مرام و مسلکی است

سازمان فدائیان خلق (اکثریت) با همکاری و از میانگین‌های فراوان به سردی گرایید و معلوم شد که از نظر برخی جوینگسند به‌خاطر میهن انقلابی سیر اجتماری است! از آن زمان تاکنون - حد از اسفناط - این سیاست حاکم بر مراز سبج و دیگر نهادهای خطر بوده و بر اثر آن هزاران تن از صدیق‌ترین جوانان میهن نیوانستان در امر دفاع از میهن انقلابی و حضور در جبهه‌ها شرکت فعال داشته باشند. واضح است که با چنین سبکی نمی‌توان همه نیروی خلق را علیه جوار آمریکا - صدای سازمان داد.

سازمان ما که جوانان دلیر و انقلابی میهن را به ترک فعالیت در جبهه‌های جنگ تشویق کرده، عوارض مخالفت خود را با سیاست‌هایی که بهر دلیل مانع شرکت جانی از سروری خلق در دفاع عادلانه مردم می‌شود، اعلام داشته است. سازمان ما در هر فرصتی عواقب استعجاب زبان‌بار حسن سیاست‌هایی را توضیح داده و حواسار با بیان محسوس به آن شده است.

حضور مردم در جبهه‌های جنگ صم آنکه نه شکست ناپذیری در برابر نپاهکم ارش اشالگر صدام است. قدرت مردمی نیروهای مسلح و روحه جنگاوران ایران را اعتلا می‌بخشد و در مردمی کردن در پیش جبهه‌های جنگ و مقاومت عادلانه سیر ناسر خواهد گذارد. اقدام سیاه پاسداران منی بر دعوت از مردم به منظور شرکت‌بهرم فعالیت در جبهه‌های جنگ از هر نظر انفرادی است به‌جاو مسورد نایند... اگر به تنگ‌نظری و اجتمارطلبی‌های معمول آلوده نگردد.

هنگامی که ۱۵ ماه سن جنگ آغاز شد، بسیاری از رجمنکنان و جوانان میهن ما شور و شوق انقلابی، داوطلبانه روانه مرازگر سبج شد تا خود را به جبهه‌های جنگ رسانده و در مر مقدس دفاع از میهنی انقلابی سهم ایفا کنند. اما

* باید این واقعت را پذیرفت که دفاع از میهن انقلابی وظیفه مشترک همه انقلابیون است و نمی‌توان آن را به انحصار گروه و صاحبان اندیشه خاصی در آورد. سیاه پاسداران انقلاب اسلامی طی اعلامیه‌های مردم را دعوت کرد که به جبهه‌های جنگ علیه رژیم صدام پیوندند و در دفاع از انقلاب و میهن شرکت کنند. اکنون پس از ۱۵ ماه جنگ و به‌ویژه نبردهای دشوار و پیروزی آفرین ماههای اخیر، جبهه‌های جنگ، جوانان و رجمنکنان بیشتری را می‌طلبد که با خشاری و فداکاری از دستاوردهای انقلاب و از خاک سبج انقلابی دفاع کنند و روند پیروزی‌های بی‌در پی را تحکیم و گسترش بخشد. تردیدی نیست که مردم قهرمان ایران، مردمی که در کوره نبردهای ۳ ساله اخیر آذینه شده و انقلاب را تا بدینجا رسانده‌اند، این بار نیز جبهه‌های جنگ و برادران پاسدار و ارتشی و سبج خود را مشتاقانه همراهی کرده و به‌دای دعوت آنان پاسخ خواهند داد.

حضور مردم در جبهه‌های جنگ صم آنکه نه شکست ناپذیری در برابر نپاهکم ارش اشالگر صدام است. قدرت مردمی نیروهای مسلح و روحه جنگاوران ایران را اعتلا می‌بخشد و در مردمی کردن در پیش جبهه‌های جنگ و مقاومت عادلانه سیر ناسر خواهد گذارد. اقدام سیاه پاسداران منی بر دعوت از مردم به منظور شرکت‌بهرم فعالیت در جبهه‌های جنگ از هر نظر انفرادی است به‌جاو مسورد نایند... اگر به تنگ‌نظری و اجتمارطلبی‌های معمول آلوده نگردد. هنگامی که ۱۵ ماه سن جنگ آغاز شد، بسیاری از رجمنکنان و جوانان میهن ما شور و شوق انقلابی، داوطلبانه روانه مرازگر سبج شد تا خود را به جبهه‌های جنگ رسانده و در مر مقدس دفاع از میهنی انقلابی سهم ایفا کنند. اما

با خاطره شهیدان بستان

بستان تولد حماسه‌ها

بستان شهر کوچکی است در ۳۵ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد که در اولین روزهای یورش ناجوانمردانه نیروهای تجاوزگر آمریکایی - صدامی به همراه دهلاویه هویزه تا نزدیکی‌های غرب جاده سوسنگرد - اهواز به اشغال دشمن درآمد.

متجاوزین که قصد داشتند فاصله ۵۵ کیلومتری سوسنگرد اهواز را یک شبه بپیمایند و صدام "الاهواز"ش برسانند در آب‌های منحرف شده کارون به گل نشستند.

خانه‌های فروریخته و کوجه‌های تودرتوی سوسنگرد با خون‌های شگ‌زده بر درو دیوار شهر، شاهدان دیرپای حماسه‌ساز دلاوران سوسنگرد هستند که با سدی از گوشت و خون هجوم دیوانه‌وار آهن و پولاد را مهار کردند، سوسنگرد را از دشمن بازستاندند و به آغوش میهن بازگرداندند.

در آن روزها ۱۲ لشکر سوار زرهی دشمن، ارتش قدرتمندی در مقابل خود نداشت آنچه بود بسیجی از زحمتکشان سراسر میهن بود که بی شکل بدون تجربه بدون سلاح سنگین و سازماندهی نظامی، به فرمان رهبرشان دست از کار کشیده بودند و خود را به جبهه‌های جنوب و غرب کشور رسانده بودند تا در دریای از خون، هجوم دشمن رامهار کنند و آن را زمینگیر نمایند. به این ترتیب بود که دشمن نتوانست بیخ از آن جلو آید. اما برای مدتی کوتاه در مناطق اشغالی مستقر شد. دشمن به تحکیم مواضع پرداخت و بستان "قادسیه صدامی" لقب گرفت.

در جنوب جبهه بستان بانظافی بزرگ به نام "حورالمظیم" تا نزدیکی‌های شمال غربی

اهواز قد می‌کشد و مرز ایران و عراق را می‌سازد. عبور و مرور در این ناحیه جز با دور زدن باغلاق امکان پذیر نیست به همین جهت دشمن در اوان تهاجم از شمال از طریق "العماره" و از جنوب از طریق بصره به جنوب و غرب سوسنگرد و اهواز حمله برد و بستان پل تدارکاتی دشمن شد برای تغذیه نیروهایش در دو حد فاصل فوق. جز راه تدارکاتی بستان تنها راه دیگر دشمن یک راهی است فرعی که از شمال کشیده می‌شود با آسیب‌پذیری‌های زیاد. بدین جهت اهمیت استراتژیک بستان ده جندان می‌شود.

بستان با جنین ویژگی‌هایی پل پیروزی دشمن و قادسیه صدام در خوزستان شده بود بدان حد که صدام در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید:

"اگر ما در ایران تمام زمین‌هایی را که گرفته‌ایم از دست بدهیم بستان را از دست نخواهیم داد" ولی صدام فقط واحدهای پشت در پشت سوار زرهی و توپخانه و میرازها را می‌بیند و نعره می‌زند که: "بستان را از دست نمی‌دهیم" ولی در آن سوی بستان در روستاهای اطراف سوسنگرد چه هنگامه‌ای است.

زحمتکشان شهر و روستا چندین هزار، از جوان موی سفید، از روشنفکر تا کارگر کارخانه از دهقان تا محصل، همه و همه با هر عقیده و مرامی در جنگ عادلانه سبئی سرودخوان در جادرها گرد آمده‌اند تا دشمن را از خاک خود و بستان پلید امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا را از انقلاب خود کوتاه کنند. حمله از ۳ منطقه اللهاکبر دهلاویه، سویدانیسه و

جولانیه صورت می‌گیرد. دشمن که کماکان از حمله باخبر است، با سیم‌های خاردار و سنگسره‌های بتونی خود را نغوذناپذیر می‌بیند. به انتظار "آتش تهیه" به عنوان شروع حمله می‌نشینند تا بارانی از خمپاره و توپ بر سر دلاوران بارانند اما غافل از آن است که انسان‌هایند که حماسه‌سازان تاریخ‌اند.

حمله از ساعت ۱۲/۵ هشتم آذرماه با نام "پیا حسین - فرماندهی" در زیر باران آغاز می‌شود.

نیروهای پیشتاز که به نیروهای خط شکن معروفند، نوک‌های تیز و برنده بیگان حمله‌اند آنان داوطلبانه ایثارگر ملت‌اند که آماده‌اند با فداکردن بارزش‌ترین اندوخته‌های انسانی یعنی جانشان انقلاب و میهن را پاس دارند.

از میان سیم‌های خاردار می‌گذرد و با لیخندی بر لب از یکدیگر بیخی می‌جویند بر شاهانه‌ای مرگ پای می‌نهند تا میهن را از لوث متجاوز پاک کنند. دل بستان دریاافتگانی که دوناودوش رنده‌ها می‌روند تا تاریخ میهن خود را با رگ‌ها و پی‌های تکه‌تکه شده‌شان رقم زنند.

نیروهای پیشتاز بر میدان‌های مین می‌روند و وقتی که از پرواز خونین انفجار مین فرود می‌آیند بال می‌کشایند و می‌غلطتند تا تعداد بیشتری مین منفجر کنند و راه را بکشایند. در یک محور ۱۰۰ نفر داوطلب می‌شوند و همگی میدان را با خون خود متح می‌کنند.

دبوه‌های اول و دوم دشمن با صدها تانک خودرو و دیگر وسائل زرهی در عرض چند دقیقه سقوط می‌کند. دشمن هراسان چشم می‌کشد و در پرتو "منوره‌های میکاباره

موجی از دریای بیکران زحمتکشان جان بر کف ایرانی را می‌بیند و بقدری از حضور ناگهانی نیروهای سپاه، ارتش، بسیج مردمی و نیروهای نامنظم به هراس می‌افتد که قدرت فرار نیز از وی گرفته می‌شود.

"تک" بقدری غافلگیرانه است که در بعضی از محورها هنگامی که نیروهای دلاور ما می‌رسند دشمن هنوز در خواب است. آنها دل در گرو میدان‌های مین و اینان دل در گرو عشق به آزادی میهن.

خاکریزها و دبوه‌های دشمن یکی بعد از دیگری سقوط می‌کند و نیروهای رزمنده بعد از ۳ ساعت به بستان می‌رسند. در منتهی‌الیه آرایش نظامی دشمن نیروهای رزمنده ما با کوشش شبانه‌روزی جهادسازندگی در قلب دشمن بیرون می‌آیند و توپخانه‌های دشمن را سالم به غنیمت می‌گیرند و قدرت آتش دشمن را به صف می‌رسانند.

نیروهای بعدی به هسر خاکریز و سنگری که می‌رسند تلی از جنازه‌های دشمن را انباشته می‌بینند و در کنار اینان، بدن‌های پاره‌پاره خط شکنان را، در میادین مین با دست‌ها و باهای قطع شده در کنار خاکریزها در حالی که تنگ را عاشقانه در دست فشرده و افتاده‌اند. در کنار هر سنگری که فریب‌خوردگان و مزدوران آن به تمامی مرده‌اند، رزمنده خط شکنی با گلوی بریده از ترکش نارنجک دیده می‌شود که هنوز فریاد مرگ بر آمریکا از آن بیرون می‌آید.

حماسه آفریده شده است و دلاوران پیشتاز خط شکن ما مرگ را فتح کرده‌اند. مرگ را به مسخره گرفته‌اند و فریاد رزمندگان ویتنامی را بار دیگر در جبهه‌های علیه امپریالیسم سرداده‌اند که "ما از مرگ قوی‌تریم".

آنچه که در این نبرد و دیگر نبردهای مشابه تماشای محاسبه‌های متخصصین نظامی دشمن را برهم زده است، استفاده از تاکتیک معروف "ستون‌های انسانی" است. رزمندگان ویتنامی نیز با استفاده از این تاکتیک

نقشه در صفحه ۲۳

شهید

یدالله احمدی: در چینه فقط به پیروزی این جمهوری بر تجاوزگران ملی‌اندیشم



با یاد توای رفیق
آوای شالیکاران
چون پهنه طالار*
همچنان جاریست

رفیق یدالله (بهنام) احمدی در سال ۱۳۴۰ در ۳ کیلومتری قائم شهر در روستای "کله‌گر محله" در خانواده‌ای زحمتکش به دنیا آمد.

او چه در روزهای حرکت آفرین انقلاب و چه پس از آن همیشه با تلاش و پیگیری بسیار، در خدمت انقلاب و مردم بود.

یدالله به محض شروع جنگ تحمیلی و رهنمود سازمان مبنی بر شرکت در جنگ و بیرون راندن تجاوزگران، با وجود مشکلات و تضییقات فراوانی که بر سر راهش قرار داده بودند، داوطلبانه عازم جبهه شد.

در دفتر خاطراتی که از او به یادگار مانده چنین می‌خوانیم:

"من به‌خاطر استقلال و تمامیت کشور و به‌خاطر دفاع از جمهوری اسلامی است که به جبهه می‌روم... رفیق یدالله در زندگی روزمره و در کارهایی که در روستای "کله‌گر محله" انجام می‌داد، همواره نمونه یک

نقشه در صفحه ۲۳

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

تردید مجلس در تصویب لوایحی مانند لایحه اصلاحات ارضی به زیان انقلاب است

تاخیر در تصویب لایحه اصلاحات ارضی و تعویق دراز مدت بندج و د" در زحمتکشان و مستضعفان دفاع بیشتر نقاط کشور، عملاً فعالیت‌های هیئت‌های هفت نفره را با رکود مواجه ساخته است. این امر به نوبه خود باعث گردیده است که کوشش‌های کشاورزان زحمتکش برای افزایش تولید به تن‌بست کشیده شود. اقدامات نهادهای انقلابی در تلاش برای ازدیاد تولید کشاورزی به حالت تعلیق درآید و از سوی دیگر دست بزرگ مالکان، خوانین و فئودال‌ها برای ستم بیشتر بر دهقانان زحمتکش بازتر شود. علیرغم اعتقاد اکثریت قاطع مسئولین جمهوری اسلامی به تلاش در راه تأمین منافع مستضعفان و این حقیقت که هرگونه تحول مثبت، سازنده و مردمی در کشاورزی کشور، بدون درهم شکستن بزرگ مالکی غیر ممکن است فشار نیروهای معینی که در واقع در لافه اسلام - شهری‌ها، این دهها میلیون خواهی از بزرگ مالکان و زحمتکشان شهر و روستا منافع آنان دفاع می‌کنند، موجب شده که هر اقدام قاطعی به سود میلیون‌ها دهقان زحمتکش به تعویق تصویب لوایحی که به سود افتد و با تاخیر روبرو گردد. محرومان است، آشکارا و از این رهگذر ضربات بازم به معنی ریختن آب به آسیاب بیشتری بر انقلاب وارد آید. فشار خیل ستمکاران که هر به سرکردگی آمریکاست - روز برای شکست خط امام که بر آنست تا از منافع زحمتکشان و مستضعفان دفاع کند - توطئه تازه‌ای ساز می‌کنند. متأسفانه در برخی از نیروهای خط امام، مصلحت‌اندیشی‌هایی را شکل داده و می‌دهد که به هیچ وجه در مصلحت انقلاب و جمهوری اسلامی نیست تنها چاره درست برای درهم شکستن فشارها و توطئه‌های نیروهای ضدخط امام اجرای بدون درنگ قانون اساسی، به‌ویژه اجرای اصول ۳۴ و ۳۹ قانون اساسی است. چاره درست، اعمال قاطعیت هرچه بیشتر در تصویب بدون فوت وقت لوایحی است که گره از کار مستضعفان می‌گشاید.

باید اقدامات بنیادین به‌سود محرومان با شتابی شایسته انقلاب پی‌جویی و پیگیری شود تا در زندگی و کار مدافعان واقعی انقلاب این پابرهنگها - این جنوب شهری‌ها، این دهها میلیون زحمتکشان شهر و روستا تغییرات مثبت به‌عمل درآید. کارشکنی در راه اقدامات مردمی خط امام و ممانعت از تصویب لوایحی که به سود محرومان است، آشکارا و بی‌شک است. امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکاست.

بستان تولد ...

در نبردهای دین‌بین‌فرو علیه امپریالیسم فرانسه و در تصرف سایگون علیه امپریالیست‌های آمریکایی، دنیا را در شگفتی فرو برد. دشمن در بستان بدینگونه مات نیروی انقلاب شد. فرماندهان ارتش متجاوز نیز به این حقیقت معترفند سرگرد عراقی می‌گوید:

من این حرف را به خاطر اینکه الان اسیر شما هستم نمی‌زنم. پس از شکست آبادان که یکی از مستحکم‌ترین دژهای ما بود این برای تمام امرای ثابت شد که ما دیگر در ایران ماندنی نیستیم. هرچند که اگر از نظر نیرو و امکانات و مهمات از شما بیشتر نباشیم، کمتر نیستیم. و تمامی کشورهای منطقه از جمله عربستان، مصر، سوئدان و اردن به ما کمک نظامی می‌کنند. ولی در میان ما یک چیزی نیست و آن هم عامل شکست ماست و آن ایمن می‌باشد.

در حماسه آزادسازی بستان و ۱۰۰ روستای آن و رسیدن به مرز و پاک‌ساختن حدود ۳۰۰ کیلومتر از دشمن و به هلاکت رساندن ۲۵۰۰ عراقی و گرفتن ۵۰۰ اسیر و منهدم کردن صدها تانک، خودرو و تجهیزات دیگر باید علاوه بر رزمندگان جبهه‌ها از ایثارگران جهاد سازندگی یاد کرد. جهادگرانی که شانه‌روز در زیر باران خمپاره‌ها و توپ‌ها ۴۰ کیلومتر جاده نظامی در قلب دشمن ایجاد کردند.

تلاش جهادسازندگی خراسان و فارس در جبهه سویدانیه و جهادسازندگی نجف‌آباد در جبهه دهلاویه و جهاد سازندگی اصفهان و سمنان در جبهه الله‌اکبر شایسته زیباترین دروهای میهنی است.

از ویژگی‌های دیگر حماسه بستان به میدان آمدن اولین واحد زرهی سپاه پاسداران بود که از تانک‌ها بی‌ام‌پی‌ها و خودروهای فتح آبادان تشکیل شده بود. همانگونه که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان اولین سازمان

این گونه کارشکنی‌ها، مسخ لوایح و قوانین، ممانعت‌ها، زمینه‌سازی برای اجزای موفقیت‌آمیز توطئه‌های آمریکایی جنایتکار است. هم‌اکنون هزاران جوان پرشور و انقلابی در نهادهای مردمی، در هیئت‌های هفت‌نفره، در جهاد و مانند اینها که در روستاها فعالند، با سبلا تکلیفی روبرو هستند و پیشرفت اقدامات مردمی آنها با تصمیمات مجلس مشروط است. این به‌معنای اتلاف و بازداشتن نیروی انقلاب از پیشرفت و شکوفایی است. فرصت زیادی باقی نمانده است.

نمایندگان متعهد و انقلابی مجلس شورای اسلامی باید به موقعیت خطیر کنونی توجه جدی کنند. تردید در تصویب لوایح مردمی، نظیر لایحه اصلاحات ارضی و ملی کردن بازرگانی خارجی به‌زیان انقلاب است. باید موانعی را که بر سر راه تصویب اینگونه لوایح وجود دارد، یا به‌وجود می‌آورند، یا توسل به اختیاراتی که امام به اکثریت نمایندگان مجلس داده است، قاطعانه از پیش‌پا برداشت.

رفیق یدالله در نوزدهمین بهار زندگیش به صف شهدای خلق، شهدای راه آزادی پیوست. پیکر پاک رفیق با انجام تشریفات رسمی و شرکت هزاران نفر از زحمتکشان قائم‌شهر و کله‌گر محله از بیمارستان تا تکیه روستا، قریب ۸ کیلومتر بر روی دست‌های مردم تشییع شد. ما ضمن گرامیداشت خاطره این رفیق عزیز، شهادت پر افتخارش را به خانواده و به‌ویژه مادر گرامی‌اش تسلیت می‌گوئیم.

* طالار نام رودخانه‌ای است که از ارتفاعات سوادکوه به خزر می‌ریزد.

از صفحه ۲۲

شهید یدالله احمدی ...

انسان شایسته بود. به گفته هم‌زمان و همسنگران و به شهادت یادداشت‌هایی که از او به یادگار مانده است، او در جبهه هم نمونه یک سرباز شایسته و دل‌آور و یک پیشاهنگ موفق بوده است. اکنون دفتر یادداشت‌های روز به روز رفیق پیش ماست. او در ۱۲ شهریور می‌نویسد: روزها می‌گذرند و در این گذران فقط به پیروزی جمهوری بر تجاوزگران می‌اندیشم. البته این آرزوی هزاران سرباز مبارز در جبهه‌ها و میلیون‌ها مردم

پشت جبهه است. سال گذشته در این موقع در درو کردن شالی به کشاورزان کمک می‌کردم (یادشان به‌خیر، کشاورزان روستایم چه صفا و صمیمیتی دارند). هر چند اکنون هم در جبهه درو می‌کنیم. اما در ابعادی دیگر سال پیش درو می‌کردیم و خوشه‌ها را می‌چیدیم و خرمن می‌ساختیم. و اقتصاد میهنمان را شکوفا می‌ساختیم. اصل هم زشتی‌ها، تجاوزگری‌ها و ستم‌کارها را درو می‌کنیم و عقب می‌نشانیم. بخاطر شکوفایی انسان‌ها...

سیاسی، بحق بر ضرورت مسلح شدن سپاه به سلاح‌های سنگین یا فشرد و اکنون نیز بر گسترش هرچه بیشتر واحدهای سنگین سپاه، مصر هستیم. در این عملیات تاکیدهای بجای ما نمود عینی یافت و واحدهای زرهی سپاه در نوک تیز حمله، قلب خط دفاعی دشمن را شکافت و تار و مار کرد.

اکنون با گذشت ۱۶ ماه از جنگ تحمیلی وقت آن رسیده است که هرچه بیشتر نیروهای مسلح مردمی را که قلب خود را چون نارنجکی به سوی میدان‌های مین و تانک‌های دشمن پرتاب می‌کنند به سلاح‌های سنگین مجهز کنیم تا در ترکیب مناسب از ایمان و عشق به آرمان‌های انقلابی و سلاح‌های سنگین و مدرنی که به استقلال ما لطمه‌ای وارد نمی‌آورد، دشمن را هرچه زودتر از خاک میهن انقلابی خود برانیم و به امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا بفهانیم که چنین مردمی با چنین نیروهای مسلحی شکست‌ناپذیرند. تاکتیک‌های "ستون‌های انسانی" و "امواج انسانی" را بکار گیریم اما از تجهیز خود به سلاح‌های پیشرفته و کارزار باز نمانیم.

انقلاب در رونق و تعمیق یابنده خود به صلحی عادلانه دست خواهد یافت و باید در خاکستر هجوم، نهال آبادانی و سازندگی را کاشت و آبیاری کرد. انقلاب برای سازندگی به تک‌تک خط‌شکنان در یاد نیاز دارد باید در ترکیب مناسب ایمان و فرزندان برومند انقلاب را هرچه بیشتر برای سازندگی حفظ کرد.

کلامان را با پیام یکی از حماسه‌آفرینان بستان به پایان می‌بریم که گفت:

بستان برای همیشه در تاریخ ما یادآور شهادت مظلومانه صدها بسیجی، و سپاهی و سرباز خواهد بود که تحمل دیدن دشمن را در خاک خویش نداشتند ... این آخرین فتح ما نیست

اعلامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

الحاق بلندیهای جولان توسط اسرائیل یک تجاوز آشکار امپریالیستی - صهیونیستی است

در صفحه ۴

در راه برقراری حکومت قانون

■ براساس تمام موازین پذیرفته شده در جمهوری اسلامی ایران بازداشت اعضاء و هواداران سازمان عملی است خلاف قانون

در صفحه ۳

سیاه پاسداران داوطلبین را به جبهه های جنگ دعوت کرد

دفاع از میهن انقلابی حق همه مدافعان انقلاب از هر مرام و مسلکی است

در صفحه ۲۱

حافظ اسد: شوروی هم چنان دوست نیرومندی در کنار هم پیمانان خود خواهد ماند

انقلاب اسلامی ایران شدیداً علیه اسرائیل مبارزه می کند و با اشغالگران سرزمین های عربی توسط اسرائیل مخالفت می کند .
(حافظ اسد)
در صفحه ۱۶

در حاشیه تظاهرات افغانه فراری

ناوقتی قطب زاده بود هیچ غصه نبود

در صفحه ۹

تردید مجلس در تصویب لوایحی مانند لایحه اصلاحات ارضی به زیان انقلاب است

● تنها چاره درست برای درهم شکستن فشارها و توطئه های نیروهای ضد خط امام اجرای بدون درنگ قانون اساسی ، به ویژه اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی است . چاره درست اعمال قاطعیت هرچه بیشتر در تصویب بدون فوت وقت لوایحی است که گره از کار مستضعفان می کشاید .
باید اقدامات بنیادین به سود محرومان باستانی شایسته انقلاب پی جویی و پیگیری شود تا در زندگی و کار مدافعان واقعی انقلاب ، این پابرهنگها ، این جنوب شهری ها ، این دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا تغییرات مثبت به عمل درآید .

در صفحه ۲۳

ترور جنایتکارانه استگی و بشارت ، نمایندگان مجلس آمیزه ای از جنون ، خیانت و انتقام جوئی کور

ترورریسم کور ، جنایتکارانه و جنون زده ، عکس العمل یاس آلود دشمنان انقلاب ایران در برابر شکوفایی روزافزون انقلاب ایران است دشمنی که قادر نیست سرمنشاء نیرومندی و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران ، توده های دهها میلیونی شهر و روستا را از پا درآورد به ترور شخصیت ها روی آورده است .

در صفحه ۹

تاخیر در بازگردانیدن معلمان بناحق «پاکسازی» نشانه بر سرکار به زیان انقلاب است

● آقای پرورش که خود معترف است : " کمبود معلم یکی از مشکلات بسیار بزرگ آموزش و پرورش است " با مسکوت گذاشتن مسئله بلا تکلیفی هزاران معلم وفادار به انقلاب " پاکسازی " شده می گوید :
" مسئله کمبود معلم در درازمدت حل خواهد شد ! "

در صفحه ۵

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر